

گفت و گو با مرتضی کاخی درباره شعر سهراب سپهری به مناسبت سی امین سالمرگ شاعر

شعر سپهری، جهانی و انسانی است



و انسانیت و اخلاق انسانی بود. می گفت ما باید انسان خوبی باشیم. او در مورد خوبی و آرامش و محبت می گفت ولی آن زمان این چیزها نبود و حتی چندان جای آرزو کردنش هم نبود.

لطفاتی که سپهری داشت بارانی بود که در یک کویر می بارید. اما در هوای کویر، که فقط به این فکر می کنید زنده بمانید تا فرار کنید، این حرف ها چقدر قشنگ است؟ به همین دلیل، الان می گویم سپهری یک شاعر جهانی بود، خطابش انسان

کتابخانه

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۹
۲ جمادی الاول ۱۴۳۱، ۱۷ آوریل ۲۰۱۰
شماره ۲۲۷، پیاپی ۸۷۸
صفحه ۲۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



آغاز نخستین همایش شاعران ایران و جهان با حضور رییس جمهور

۵



پندها و آموزه های سعدی زمان ندارند

۸

۲

• راه اندازی
۵۰ کتابخانه باز
در منطقه یک تهران
• بازدید وزیر ارشاد
از آماده سازی
نمایشگاه کتاب

• اطلاعات
شناسنامه ای کتاب ها
یکسان می شود

۳

• انتشار کتابی درباره
نورمن میلر
به قلم همسرش
• جدیدترین رمان
فوتئس منتشر شد

معاون اجرایی نمایشگاه کتاب تهران خبر داد

افزایش ۲۰ درصدی غرفه های نمایشگاه کتاب

مستقرند و هر یک وظایفشان را دنبال می کنند، یادآور شد: «دستگاه های همکار و متعددی که قرار است با ما همکاری داشته باشند، فعالیت شان را براساس جدول زمان بندی آغاز کرده اند و همچنین جابه جایی رواق ها و تغییر ساختاری که در نمایشگاه این دوره ایجاد شده، برنامه ریزی جدید و ویژه ای را می طلبید که مابراساس آن عملیات اجرایی مان را دنبال می کنیم.»
قبادی در ادامه اظهار داشت: «شرکت مخابرات هم به عنوان یکی از بخش های بسیار مهم همکاری خود را آغاز کرده و در دو بخش تجهیز و تقویت که در این طرح در بخش ثابت، بخش تلفن های تلفن های ثابت و تلفن های سیار با ما همکاری دارد تماسی و در بخش دیگر هم خطوط مرتبط با دستگاه های کارتخوان را داریم که دو سالی است در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و همچنین طی



سال های گذشته در نمایشگاه های استانی کتاب در سراسر کشور در حال اجراست. این وظیفه مهم نیز با همکاری بانک صادرات، شرکت مخابرات و بخش مخابرات نمایشگاه در حال اجراست.»
قبادی درباره ظرفیت مورد استفاده از دستگاه های کارتخوان در نمایشگاه کتاب امسال گفت: «پیش بینی شده ظرفیت بیش از سه هزار خط کارتخوان در نمایشگاه ایجاد شود و همزمان، سه هزار دستگاه کارتخوان در نمایشگاه فعالیت داشته باشند.»

ادامه در صفحه ۳

حمیدقبادی معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از افزایش ۲۰ درصدی تعداد غرفه ها برای ناشران در نمایشگاه کتاب امسال خبر داد. وی در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر و در پاسخ به این سوال که آیا مهندسی جدید فضای مصلا تاثیری در چگونگی تخصیص غرفه ها به ناشران داشته است؟ اظهار داشت: «بله، این امر کاملاً موثر بوده است، چرا که امسال در این ساختار جدید با توجه به این که نوع سازه ها، سازه های استانداردند، فضاهایی که برای غرفه بندی اختصاص پیدا می کنند از نظر حداکثر استفاده از فضای مفید افزایش قابل توجهی پیدا کرده به نحوی که در بخش های مختلف امسال به صورت میانگین بین ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش واکنداری غرفه ها را خواهیم داشت.»

قبادی تأکید کرد: «البته این به معنای افزایش ۱۲۰ هزار مترمربعی مصلا نیست یعنی ما همان فضای سال گذشته را داریم اما تعداد غرفه ها و فضای مفید ما نسبت به سال گذشته از نظر نوع و محل سازه هایی که استفاده کرده ایم افزایش پیدا می کند و فضای غیر مفیدمان کمتر از سال گذشته خواهد بود و این اتفاق نوید حضور ناشران بیشتر و کتاب های بیشتر را در نمایشگاه امسال می دهد.»
معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با اشاره به این که کمیته های مختلف حوزه اجرایی در نمایشگاه

سرآغاز

مشق ایثار در کتاب زندگی

اگر زندگی یک کتاب باشد، باید به گونه ای رفتار کنیم که بتوانیم هنگام تورق آن به خودمان ببالیم، وگرنه می شویم مثل برخی کتاب ها که حتی نویسنده اش هم به خواندن آن رغبت نمی کند!
اگر فصلی که نه، حتی صفحه ای از کتاب زندگی ما با عنوان ایثار تزیین شده باشد و نشان دهد که روزی که باز هم نه، حتی دقیقه ای از عمرمان را در این راه صرف کرده ایم، می توانیم سربلند باشیم.
حال نگاهی به کتاب زندگانی بانوی سرفراز حماسه کربلا بیندازیم؛ او که ایثار و صبر افتخار می کند از آن که بر برگ برگ کتاب زندگانی اش جای گرفته اند.

سی و یکم اردیبهشت ماه، سالروز ولادت باسعادت بانوی صبر و ایثار، حضرت زینب کبری (س) است و چه فرصتی بهتر از این که بیشتر با آثار مکتوب درباره حماسه ایثار و مقاومت ایشان همراه شویم. به قول شاعر: «کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود.»

برای این که اثری ماندنی بشود باید خوب باشد. آثار خوب می ماند، در دل ها جای می گیرند و کهنه نمی شوند. خوب هم که می گوئیم، یعنی پاسخی به یک سوال و یک نیاز باشد. خوب فقط معنایش این نیست که از لحاظ هنری خوب تنظیم شده باشد و خیلی عمیق باشد؛ نه، ممکن است این طورها نباشد؛ لیکن پاسخی به یک نیاز باشد. مهم این است.

بیانات مقام معظم رهبری پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۳۷۷/۳/۵

کتابی درباره یهود در قرآن

معصومه راهمیزی در کتاب «یهود در قرآن، اسرائیل در فلسطین» به بررسی تطبیقی، تاریخی، قرآنی و سیاسی یهود و صهیونیسم پرداخته و آن را توسط انتشارات «قبله اول» منتشر کرده است. در بخش سوم این کتاب، اندیشه امام خمینی (ره) درباره یهود و صهیونیسم نیز مطرح شده است.

معصومه راهمیزی در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) از انتشار تازه ترین اثر خود با عنوان «یهود در قرآن، اسرائیل در فلسطین» خبر داد و اظهار داشت: «این اثر در چهار بخش، یهود در قرآن، ریشه های دشمنی یهود با اسلام، مقایسه و تطبیق ویژگی های یهود در قرآن و همچنین رژیم اسرائیل و نتیجه گیری، تدوین شده است.» وی ادامه داد: «در این کتاب و در قالبی تطبیقی و بین رشته ای، تاریخی، قرآنی و سیاسی به بحث یهود و صهیونیسم پرداخته شده است.»

راهمیزی با اشاره به بخش سوم این کتاب گفت: «در این بخش با ارائه اندیشه امام خمینی (ره) درباره فلسطین و یهود، مشخص شده که ایشان علاوه بر دیدگاه سیاسی، از تفکری قرآنی نسبت به یهود برخوردارند.»

کتاب «یهود در قرآن، اسرائیل در فلسطین» به قلم معصومه راهمیزی در شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، قطع رقعی و ۲۱۴ صفحه و بهای ۲۵ هزار ریال توسط انتشارات قبله اول منتشر شده است.

نشست های قرآنی کتابخانه مجلس

ایکنا - کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، پنج نشست تخصصی در حوزه منشورات قرآنی و دینی برگزار می کند.

سید سعید میر محمد صادق رئیس مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، با اعلام این خبر گفت: «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران علاوه بر دایر کردن غرفه و ارائه منشورات خود، پنج نشست تخصصی را با موضوعات متفاوت برگزار خواهد کرد.»

وی ادامه داد: «رونمایی از «تفسیر کتاب الله»، «مصحف بهارستان» و دوره کامل بازچاپ مجله «آیین اسلام» سه نشست و معرفی پایگاه اطلاع رسانی «رسان» کتابخانه دیجیتال نسخه های خطی کتابخانه مجلس و یک نشست علمی - تخصصی دیگر در حوزه نشر دو نشست دیگر را به خود اختصاص داده اند.»

میر محمد صادق دفتر دوم «سفیر خوشگو»، «تفسیر کتاب الله» و «مصحف بهارستان» را از دیگر آثاری ذکر کرد که در غرفه کتابخانه مجلس عرضه می شوند و افزود: «برخی از این آثار هنوز در چاپخانه اندوکی برای نمایشگاه آماده خواهند شد.» همچنین احسان الله شکر الهی مدیر روابط عمومی و امور بین الملل کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، قرآن وقف تلاوت امام زمان (عج) را از دیگر آثاری دانست که کتابخانه مجلس در تلاش است برای ارائه در نمایشگاه کتاب تهران آن را منتشر کند.

خبر توقف طرح کتابخانه های باز از سوی مجری طرح تکذیب شد

راه اندازی ۵۰ کتابخانه باز در منطقه یک تهران

و تمامی اماکنی که محل دید و گذر عموم شهروندان باشند احداث می شوند و سازمان هایی که اقدام به راه اندازی این کتابخانه ها می کنند، موظف اند قفسه های کتاب را در محل های ورودی، راهروها و ... قرار دهند تا کتاب ها در دسترس عموم مردم قرار گیرند و هیچ محدودیتی برای استفاده از کتاب ها وجود نداشته باشد. موسوی درباره پیشینه این طرح یادآور شد: «این طرح از سال گذشته به تمامی ادارات کل استان ها ابلاغ شد تا براساس آن ۵ درصد از کتاب هایی را که از مرکز تحویل می گیرند، در اختیار کتابخانه های باز قرار دهند و این طرح در حال حاضر جنبه ملی دارد و همه استان ها موظف اند این طرح را اجرا کنند.»

موسوی همچنین درباره نحوه تجهیز کتابخانه های باز منطقه یک شهرداری استان تهران اظهار داشت: «آماده سازی قفسه ها به طور کامل بر عهده شهرداری خواهد بود و کتاب ها توسط معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اهدا خواهند شد و تعداد کتاب ها هم بستگی به جایی دارند که کتابخانه در آن راه اندازی می شود.» وی درباره موضوع کتاب هایی که در کتابخانه های باز عرضه می شوند، گفت: «غالب این کتاب ها در زمینه فرهنگ عمومی و موضوعاتی اند که مخاطب عام دارند از جمله در زمینه های تربیتی، داستان، رمان و کودک و نوجوان. به طور کلی، هر کتابی که مخاطب عام داشته و غیر تخصصی باشد در این کتابخانه ها عرضه می شوند.»



گرفتن کتاب داشته باشند. بتوانند به نزدیک ترین محلی که در دسترس شان است مراجعه کنند و کتاب های مورد علاقه شان را برای مطالعه بردارند و پس از خواندن، کتاب ها را به همان مکان عودت دهند که البته در این طرح هیچ محدودیت و ضابطه ای برای دریافت کتاب توسط مخاطبان وجود ندارد.» به گفته مجری طرح کتابخانه های باز، این کتابخانه ها در اماکن عمومی مثل پارک ها، اداره ها

بر اساس توافق صورت گرفته میان معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با شهرداری منطقه یک شهر تهران ۵۰ کتابخانه باز در این منطقه راه اندازی می شوند. این طرح در حالی اجرایی شود که برخی رسانه ها هفته گذشته از توقف اجرای طرح کتابخانه های باز خبر داده بودند.

کمال موسوی، مجری طرح کتابخانه های باز در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر و با تکذیب خبر توقف اجرای طرح کتابخانه های باز در این باره توضیح داد: «طرح کتابخانه های باز به هیچ وجه متوقف نشده و صرفاً تغییری در این طرح صورت گرفته است. پیش تر، اجرای این طرح در استان ها از طریق تهران صورت می گرفت اما در حال حاضر اداره های کل استان ها موظف شده اند ۵ درصد از سهمیه کتاب هایشان را در اختیار کتابخانه های باز قرار دهند؛ به عبارت دیگر، روش قبلی متوقف شده و روشی جدید در حال اجراست.»

موسوی درباره هدف اجرای این طرح گفت: «هدف کلی طرح کتابخانه های باز، ترویج فرهنگ کتابخوانی و فراهم کردن زمینه دسترسی آسان به کتاب برای شهروندان است.»

وی افزود: «معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترویج فرهنگ کتابخوانی به ایجاد پایگاه هایی تحت عنوان کتابخانه های باز تصمیم گرفت تا شهروندان به آسانی بدون پرداخت هزینه و بدون این که محدودیت و ضابطه ای برای

وزیر ارشاد اسلامی از روند آماده سازی نمایشگاه کتاب بازدید کرد

محمد الهیاری فومنی، دبیر شورای سیاست گذاری بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از بازدید سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از روند آماده سازی نمایشگاه و حضور وی در پانزدهمین جلسه شورای سیاست گذاری خبر داد.

الهیاری در این باره گفت: «وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در بازدید میدانی، در جریان روند پیشرفت و آماده سازی نمایشگاه کتاب تهران قرار گرفت.» حسینی پیش از این نیز در بهمن ماه سال گذشته از فضای مصلاهی امام خمینی (ره)، برای برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران دیدار کرده بود.

به گفته وی پانزدهمین جلسه شورای سیاست گذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، فروردین در مصلاهی امام خمینی (ره) برگزار شد. به گفته الهیاری، جلسات شورای سیاست گذاری نمایشگاه کتاب تهران به ریاست محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزیر ارشاد، به صورت هفتگی تا زمان برگزاری نمایشگاه کتاب ادامه خواهد داشت.

با حضور جمعی از اهالی قلم صورت گرفت

تقدیر از کامران فانی در شصت و ششمین سال تولدش

فانی تقدیر کرد. گر مارودی درباره چگونگی آشنایی اش با فانی اظهار داشت: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی که من از زندان آزاد شدم، به واسطه دوست عزیزم بهاء الدین خر مشاهی با کامران فانی آشنا شدم که ثمره این آشنایی و دوستی بسیار پربرکت بود.» گر مارودی افزود: «به پیشنهاد فانی کار ترجمه قرآن را آغاز کردم و حالا که نگاه می کنم می بینم دوستی با ایشان برکات بسیاری برایم داشته



است.»

کامران فانی متولد ۱۳۲۳ قزوین است. مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی و فوق لیسانس در رشته کتابداری را از دانشگاه تهران دریافت کرده است. فانی در حوزه های مختلفی از جمله ترجمه، تالیف و پژوهش آثار زیادی را منتشر کرده که از آن جمله می توان به ترجمه «مرغ دریایی» و «سه خواهر» از آنتوان چخوف، «علم در تاریخ» از جان برنارد و در حوزه تالیف به «سر عنوان های موضوعی فارسی» و «گسترش رده بندی تاریخ ایران» اشاره کرد.

جشن تولد ۶۶ سالگی کامران فانی، استاد علم کتابداری، مترجم و نویسنده، سه شنبه هفته گذشته با حضور جمعی از نویسندگان و اهالی فرهنگ در محل شهر کتاب مرکزی برگزار شد.

بهاء الدین خر مشاهی، علمی موسوی گر مارودی، حسن انوشه، نصرالله پور جوادی، ژاله آموزگار و اسماعیل سعادت از جمله مدعوین و سخنرانان حاضر در این مراسم بودند.

در این مراسم، بهاء الدین خر مشاهی نقش کامران فانی را در عرصه کتاب ممتاز و ویژه دانست و گفت: «اکثر کسی را دیده ام که مانند فانی از حوزه های گوناگون مطلع باشد و البته فانی در کنار این دانش، بینش عمیقی نیز دارد.» خر مشاهی متذکر شد: «فانی از فلسفه تا فقه، حدیث تا تاریخ، جغرافیا تا زیست شناسی و معارف و دانش های دیگر حوزه علوم انسانی آگاهی دارد و در این حوزه ها صاحب نظر است.»

در بخش دیگری از این مراسم نیز علی موسوی گر مارودی با ایراد سخنانی از شخصیت و مقام علمی

داوری های دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل آغاز شد

داوری های مرحله نخست دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران، از ۲۳ فروردین آغاز شد. بر اساس فراخوان این دوره از جایزه کتاب فصل، مولفان، ناشران، محققان و نویسندگان تا بیستم فروردین ماه فرصت داشتند تا آثار خود را به دبیرخانه این جایزه ارسال کنند. کتاب های منتشر شده در فصل زمستان سال گذشته، در این دوره از جایزه کتاب فصل، مورد بررسی و داوری قرار خواهند گرفت.

این نخستین دوره از این جایزه است که محمدرضا سرشار مسولیت دبیری آن را بر عهده دارد. وی اسفند سال گذشته به عنوان دبیر جایزه های کتاب سال، کتاب فصل، جلال آل احمد و پروین اعتصامی انتخاب شد.

اطلاعات شناسنامه ای

کتاب ها یکسان می شود

بر اساس اطلاعیه اداره کل امور کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ناشران سراسر کشور از اول خردادماه امسال، مشخصات شناسنامه ای کتاب های منتشر شده خود را یکسان سازی می کنند. مدیر کل اداره کتاب و وزارت ارشاد در اطلاعیه ای که نسخه ای از آن در اختیار «کتاب هفته»، قرار گرفته است، از ناشران سراسر کشور درخواست کرده است از ابتدای خردادماه امسال، مشخصات شناسنامه ای کتاب های خود را بر اساس الگوی تنظیمی از سوی این اداره کل در کتاب های خود درج کنند.

بر این اساس، ناشران باید پس از درج فبپای کتاب، اطلاعات شناسنامه کتاب را به ترتیب زیر درج کنند: ۱- نام کتاب ۲- نام مولف ۳- نام مترجم (در صورت ترجمه بودن اثر) ۴- نوبت چاپ ۵- سال چاپ ۶- شمارگان ۷- قیمت ۸- نام چاپخانه ۹- شابک کتاب ۱۰- نشانی ناشر

هدف از این اقدام، یکسان سازی اطلاعات شناسنامه ای کتاب ها و نیز ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر در میان ناشران اعلام شده است.

انتشار کتابی درباره نورمن میلر به قلم همسرش

بیوه نورمن میلر، نویسنده فقید آمریکایی، در کتابی که اخیراً منتشر کرده، از زندگی مشترکش با این نویسنده که ۳۳ سال به طول انجامید و از خاطرات زندگی اش بدون میلر سخن گفته است.

به نوشته لس آنجلس تایمز، نوریس چرچ میلر، در این کتاب که «بلیتی برای سیرک» نام گرفته، شرح خاطراتش را از زمان کودکی آغاز می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه در جوانی با نورمن میلر آشنا شده و ازدواج کرده است. این سومین کتاب بیوه نورمن میلر است. وی در زمان حیات همسرش نویسنده‌گی را آغاز کرده بود، اما نورمن میلر قبل از درگذشتش در یک مصاحبه، احتمال این را که همسرش نویسنده خوبی شود، رد کرده بود!

نوریس چرچ میلر در این کتاب از تولدش در سال ۱۹۴۹ و سال‌های نخست زندگی در آرکانزاس آمریکا نوشته و با عبور زندگی به دهه ۶۰ آمریکا رسیده و این که چگونه یک دختر می‌توانست در دنیایی که هنوز به شدت مردانه بود، راه خودش را پیدا کند.

او در ۲۰ سالگی ازدواج کرد، اما همسرش به ویتنام اعزام شد و وقتی از آنجا بازگشت دیگر قادر به برقراری ارتباط با جامعه نبود. از این رو آن زندگی به جدایی انجامید و پس از چند سال، نوریس در سال ۱۹۷۵ با میلر آشنا شد، در حالی که هیچ‌یک از کتاب‌هایش را نخوانده بود، اما می‌دانست که او چهره مشهوری است و با همسران سابقش هم هرگز سر سازگاری نداشته است!

آنها پس از زمان اندکی با هم ازدواج کردند و نوریس به عنوان ششمین همسر میلر شناخته شد. با این حال، او به سرعت توانست به تنها زن زندگی میلر بدل شود و تا زمان درگذشت او در سال ۲۰۰۷ در کنارش باقی بماند.

آنها از زندگی مشترکش دو پسر و دو نوه دارند در حالی که میلر از همسران دیگرش دو پسر، پنج دختر و ۱۱ نوه دارد.

این کتاب سومین کتاب نوریس است. او پیش از این دو کتاب دیگر با نام «باد سرد تابستان» در سال ۲۰۰۰ و «الماس‌های ارزان» در سال ۲۰۰۷ منتشر کرده است. میلر در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۵ داشت، با عصبانیت، این احتمال را



که همسرش ممکن است رمان‌نویس خوبی باشد، رد کرده و آن را غیرممکن خوانده بود. نوریس اکنون در این باره می‌گوید: «نورمن با همه در رقابت بود و مجبور بود بهترین نویسنده دنیا باشد.»

نوریس با این حال می‌گوید که میلر همیشه حامی او بود و می‌گفت نوشتن، یک نبرد انفرادی است. باید فکر کنی در آمریکای جنوبی هستی و کسی نیست کمکت کند.

نوریس که در زندگی اش مادر، مادر بزرگ، نقاش، بازیگر و نویسنده بود، پس از درگذشت میلر به مدت یک سال از نوشتن و خواندن خودداری کرد، اما به تدریج دوباره شروع به این کار کرد.

او کتاب «غروب‌های باستانی» را محبوب‌ترین کتابی می‌داند که همسرش نوشته و آن را هفت یا هشت بار خوانده و می‌گوید آثاری را دوست دارد که انسان را در جهانی خیالی قرار می‌دهند.

«بلیتی برای سیرک» از سوی انتشارات رندوم هاوس در ۴۳۲ صفحه و به قیمت ۲۶ دلار منتشر شده است.

فوننتس جدیدترین رمانش را رونمایی کرد

غوطه‌ور است و در قاجاق و انحراف دست و پا می‌زند، نقل می‌کند.

وی معتقد است برای مبارزه با این مفسدان باید یک جمعیت غیردولتی شکل بگیرد و باید از آنها خیانتکارتر بود. شخصیتی که در داستان به نام «آدم» نقش ایفا می‌کند، یک مامور امنیتی است که استراتژی خود را برای ریشه کن کردن مافیای فساد بنیاد می‌نهد. به نظر فوننتس، رمان داستانی امروزی است زیرا داستان‌هایی چون «مرگ آرتمیو کروزی» نیاز به بازسازی و یادآوری دارند. وی اضافه می‌کند: «امروزه هیچ نویسنده‌ای از آنچه رخ می‌دهد نمی‌نویسد بلکه همه آنها از آینده می‌گویند.»

وی می‌گوید: «یک رمان مانند یک کُر (نغمه سرایی دسته جمعی) است که صداهای گوناگونی از آن تولید می‌شود که همیشه با هم همخوانی ندارند و از این جهت به واقعیت‌های امروز جامعه مکزیک شبیه‌اند.»



عدن» رمانی است که از مکزیک می‌گوید و متعلق به خوانندگان روزنامه‌ها و اخباری است که به اعدام‌ها، خشونت‌ها، جنایت‌های سازمان‌یافته و قاجاق مواد مخدر می‌پردازند.

کتاب جدید این نویسنده مکزیک‌ای از زبان «آدم» فردی از زرده‌بالا و از قدرتمندان جامعه روایت می‌شود و واقعیت‌های جامعه‌ای را که در فساد اجتماعی

کارلوس فوننتس با حضور در اجلاس داستان‌سرایی در آمریکایی لاتین که در دانشگاه کالیفرنیا برگزار می‌شود، جدیدترین اثرش را با نام «آدم و عدن» رونمایی کرد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از سایت خبری اینفوآدور، فوننتس که در این اثر تمرکز خود را بر اعدام، خشونت، جنایات سازمان‌یافته و قاجاق مواد مخدر مکزیک قرار داده، از اثرش به عنوان اثری «خبرنگارانه» یاد می‌کند که رویکردی جامعه‌شناسانه به امروز مکزیک دارد. این رمان، تصویری از جنایت، قاجاق مواد مخدر و زندان‌های بی‌شمار مکزیک است.

فوننتس برنده جایزه سروانتس ۱۹۹۷ درباره این اثر گفت: «دو روش برای خواندن کتاب وجود دارد، خواندن حرف‌هایی که در داستان بیان می‌شود و حرف‌هایی که کتاب از گفتن آنها باز می‌ماند! «آدم و

برندگان جوایز پولیتزر ۲۰۱۰ معرفی شدند

جایزه معتبر پولیتزر سه شنبه هفته گذشته برندگان سال ۲۰۱۰ را در سه بخش ادبیات، موسیقی و روزنامه‌نگاری اعلام کرد. جایزه پولیتزر سال ۲۰۱۰ برای بهترین اثر داستانی به «خانه به دوشان» نوشته پائول هاردینگ اعطا شد.

در بخش ادبیات و در شاخه بهترین اثر داستانی، پائول هاردینگ برای کتاب «خانه به دوشان» جایزه ۱۰ هزار دلاری را کسب کرد. در بخش بهترین شرح حال، «اولین طوفان» نوشته تی. جی استیلس اثر برتر انتخاب شد و در بخش بهترین مجموعه شعر «Versed» اثر رائه آرمانتدوت جایزه اول را گرفت.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در بخش بهترین اثر غیرداستانی «دست مرده» نوشته دیوید هافمن انتخاب اول هیات داوران نام گرفت و جایزه بهترین کتاب تاریخی به «اریابان پول» نوشته لیکوات احمد اعطا شد.

امسال در بخش روزنامه‌نگاری، روزنامه واشنگتن پست موفق به کسب سه جایزه پولیتزر شد.

جایزه پولیتزر از سوی دانشگاه کلمبیا برگزار می‌شود و به آثار برتر مبلغ ۱۰ هزار دلار جایزه نقدی تعلق می‌گیرد. این جایزه در سال ۱۹۱۷ برای اولین بار به یاد روزنامه‌نگار آمریکایی جوزف پولیتزر برگزار شد و از برندگان سرشناس آن طی ۹۳ سال برگزاری می‌توان به ویلیام فاکنر، ارنست همینگوی، تنسی ویلیامز، آرتور میلر و رابرت فراست اشاره کرد.

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

همایش شاعران ایران و جهان

خبرگزاری کتاب ایران، اخبار متنوع و گوناگونی را از نخستین همایش شاعران ایران و جهان منتشر کرده است. این خبرگزاری که از آغاز این هفته، دو خبرنگار و یک عکاس را برای پوشش خبری و تصویری این همایش به شهرهای شیراز و اصفهان اعزام می‌کند، قبل از آغاز این مراسم پوشش خبری اخبار مرتبط با آن را آغاز کرده است. از جمله این اخبار، چند گفت‌وگوی خبری و گزارش نشست خبری نخستین همایش شاعران ایران و جهان است که صبح دوشنبه در سرای دائمی اهل قلم برگزار شد و معرفی تمام شاعران خارجی حاضر در این مراسم، به همراه نمونه‌ای از سروده‌های این شاعران، گزارش تصویری از نشست خبری و اخبار مربوط به برنامه‌های این همایش است.

همچنین بخش‌های عربی و انگلیسی «ایبنا» اخبار مربوط به این همایش جهانی را به این دو زبان پوشش داده‌اند.

اخبار مربوط به این همایش و معرفی تمامی شاعران خارجی حاضر در آن، همراه ترجمه فارسی نمونه شعری از این شاعران را در ایبنا بخوانید.

ایبنا با عطار، سعدی و اقبال



خبرگزاری کتاب ایران به مناسبت روزهای بزرگداشت عطار نیشابوری و سعدی شیرازی گفت‌وگوها و خبرهایی را منتشر کرده است.

از این جمله، گفت‌وگوی ایبنا با بهروز ثروتیان، مصحح متون کهن و پژوهشگر، غلامحسین علیپور، مدیر اجرایی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خراسان و محمدبقایی ماکان، مترجم کتاب «معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال» است.

ثروتیان به ایبنا گفته است: «هدف اصلی عطار بیان اندیشه‌های عرفانی است. او چون خواجوی کرمانی و حافظ، با صوفی‌گری مخالف‌ها و اهل عرفان است. بر همین اساس در ارتباط با صوفیان اغلب حکایات‌هایی رمزگونه و گاه آمیخته با طنز نوشته است.» متن کامل این گفت‌وگوها را در ایبنا بخوانید.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگوهای با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب‌ها و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی‌اند که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی و صفحه عربی خبرگزاری کتاب ایران، هفته‌گذاشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را منتشر کردند.

به مناسبت اول اردیبهشت؛ روز بزرگداشت سعدی

پندها و آموزه‌های سعدی، زمان ندارند



حرفی از ظالم و مظلوم نمی‌گوید. روشی انتخاب می‌کند که بتوان انتقام گرفت. می‌گوید صبر کن تا طرف مقابل ضعیف شود و سپس به او حمله کن. در تمامی بوستان و گلستان این عقل است که فرمان می‌دهد و بنابراین به دور از تعصبات، بهترین شیوه عمل روزمره را معرفی می‌کند. دقیقاً به همین دلیل، آموزه‌های سعدی زمان ندارند؛ چرا که عقل پدیده‌ای همه‌زمانی است.

با این حال در همان گلستان حکایاتی است که حتی با عقل متعارف نیز نمی‌خواند: «پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام هرگز دریا ندیده بود و محنت کشتی نیازموده. گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد. چندان که ملاحظت کردند آرام نمی‌گرفت و ملک را عیش از او منغص شد. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود. ملک را گفت: اگر فرمایی من او را خاموش کنم. گفت: غایت لطف باشد. بفرمود تا غلام را به دریا انداختند. دست در خطام کشتی زد. چون برآمد به گوشه‌ای بنشست و آرام یافت. ملک را پسندیده آمد. گفت: در این چه حکمت بود؟ گفت: اول محنت غرقه شدن را نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست. همچنین قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.»

آیا ما امروز ممکن است کسی را که بر کشتی نشسته و از دریا می‌ترسد داخل دریا بیندازیم؟ این کار غیر معقول نیست؟ قطعاً هست. ولی به سطر پایانی این حکایت دقت کنیم. این جمله را تاکنون چند بار شنیده‌ایم و گفته‌ایم؟ سعدی از حکایتی که از نظر ما نامعقول می‌رسد، مثلی بیرون می‌کشد که تا امروز در گستره زبان فارسی به کار می‌رود و حتی یک تن هم نمی‌اندیشد که یکی از نتایج باور داشتن به این که قدر عافیت را مصیبت زده می‌داند، به دریا انداختن مسافر ترسان از دریاست. عقل سعدی، عقل بسیار صریحی است که ملاحظه نکرده و آنچه را بدان می‌رسد با صراحت تمام بیان می‌کند. امروز می‌توان بار دیگر از عقل سعدی که در صراحت با عقل سون جو و کنفوسیوس رقابت می‌کند، استفاده کرد.

در واقع اگر چه در بیشتر پژوهش‌ها، تاکید پژوهشگران بر زبان سعدی بوده است و به اصطلاح «سهل و ممتنع» نوشتنش، ولی شایسته است که به عقل نیز - به معنایی که در آثار سعدی خود را نشان می‌دهد - توجه ویژه‌ای شود. شاید زمانه سعدی که روزگار خون و آتش بود، برای اندیشمندان راهی به جز مصلحت‌اندیشی برای بقای نوع و برای بقای خود، باقی نمی‌گذاشت. شاید به همین دلیل بود که خواجه نصیری که نزدیک سی سال در قلعه‌های اسماعیلیه زندگی کرد و بخش عمده آن را نیز زندانی بود و بیشتر آثار مهمش چون «اخلاق ناصری» را در همان روزگار نگاشت و بنابراین مدیون کتابخانه‌های اسماعیلی بود، ناچار شد با هلاکو همراه شود و کتابخانه سوزی‌های او را در الموت و دیگر قلعه‌ها به نظاره بنشیند و دم برنیاورد.

سعدی در ایران قرن هفتم همان قدر عجیب است که امروز در ایران قرن چهاردهم هجری قمری. انگار شیراز قرن هفت و هشت تبدیل می‌شود به جزیره‌ای که به دلایلی نامعلوم و دست کم مبهم، بخشی از اندیشه ایرانی را نمودار می‌کند که نه پیش از آن به این شکل نظام مند مسبق به سابقه بوده و نه حتی امروز نظیری برایش می‌شناسیم. سعدی به قول ادوارد براون در تاریخ ادبیات معروفش، خصلت زیرکانه‌ای را نمودار می‌کند که قویاً، بینابینی است. اعتدالی که در آثار سعدی و حافظ متجلی می‌شود، در کشوری که قرن‌ها از افراط و تفریط‌ها رنج برده، نمونه است.

گرفتار شده و سیف فرغانی در گوشه‌ای دیگر از جهان آن روزگار می‌نویسد: «آن کس که اسب داشت غبارش فرونشست...»

اعتدال به سعی سعدی

سعدی زمان ما را ساخت و این ساختمان را از روزگاری بیرون کشید که معجون غریبی از زشتی‌ها و زیبایی‌ها بود. شاید همین معجون باشد که سعدی را به سمت تساهل سوق داد. به نمونه‌های بسیاری از تفاوت سعدی با همکیشان و هم‌روزگاران می‌توان اشاره کرد ولی یکی دو نمونه اخلاقی شاید کفایت کند:

«مردم آزاری را حکایت کنند که سنگ بر سر صالحی زد. درویش را مجال انتقام نبود. سنگ را با خود همی داشت تا وقتی که ملک را بر آن لشکری خشم آمد و او را در چاه کرد. درویش درآمد و سنگش در سر انداخت. گفتا: تو کیستی و مرا این سنگ چرا زدی؟ گفت: من فلائم و این همان سنگ است که در فلان تاریخ بر سر من زدی. گفت: چندین روزگار کجا بودی؟ گفت: از جاهت می‌اندیشیدم. اکنون که در چاهت دیدم فرصت غنیمت دانستم - ناسزایی را چو بینی بخت یار/ عاقلان تسلیم کردند اختیار/ چون نداری ناخن درنده تیز/ با ددان آن به که کم گیری ستیز/ هر که با پولاد بازو پنجه کرد/ ساعد مسکین خود را رنجه کرد/ باش تا دستش ببندد روزگار/ پس به کام دشمنان مغزش بر آرد.»

به راستی نکته اخلاقی این حکایت (حکایت ۲۲ از باب نخست گلستان) چیست؟ معمول است که معتقد باشیم بهتر است در این گونه موارد از سر گناه طرف مقابل بگذریم یا خود را در مقام مظلوم نشانده و او را ظالم خوانده و به لحاظ اجتماعی طردش کنیم. در حالی که نسخه سعدی هیچ‌یک از اینها نیست، او

سال تحصیل کرده بود و این تحصیل در بزرگ‌ترین، معتبرترین و مشهورترین مدارس آن زمان، یعنی مدرسه نظامیه بغداد و زیر نظر بزرگ‌ترین متفکران زمان انجام شده بود.

با این حال، این هم پرسش مهم دیگری است که چرا سعدی تحت تاثیر باورهای امام محمد غزالی، قرار نمی‌گیرد و آثارش از نظم و نثر، همه نمودار اعتدال سیاسی، اخلاقی و مذهبی اند؟ از این قبیل عجایب در قرن هفت کم نیست. غزالی‌ای که از متعصب‌ترین اندیشمندان جهان اسلام بود و مدتی پیش‌تر از آن، خود مهم‌ترین مدرس نظامیه محسوب می‌شد و قطعاً باورهای او در نظام درسی نظامیه تاثیر بسیار به جا گذاشته بود، ذره‌ای تساهل در برخورد با عقایدی که گمراهانه و ضاله می‌پنداشت نشان نمی‌داد و حتی به تفکر آزاد فلسفی نیز بسیار بدبین بود و «تهافت الفلاسفه» را در نتیجه همین طرز فکر نوشته بود.

خواجه نصیر توسی، وزیر هلاکو خان که او را در حمله‌اش به بغداد و سرنگون کردن خلافت عباسی، همراهی و حتی - به گفته برخی - تشویق می‌کرد، نابغه‌ای است که سنت فلسفه مشائی ابن سینا را دوباره رونق داد و فلسفه اسلامی را که پس از حمله غزالی مدت‌ها کمر راست نکرده بود، دوباره احیا کرد. با این حال، شبه افسانه‌هایی نقل می‌شود از چوب خوردن سعدی به دستور خواجه نصیر در شیراز. خواجه نصیر هلاکو را در حمله‌اش به بغداد همراهی و حتی تشویق می‌کند. در حالی که سعدی، مرثی‌چندی پس از قتل معتصم آخرین خلیفه عباسی برای او می‌نویسد و از حمله هلاکو به بغداد غمگین است. در همین زمان، مولوی در قونیه به عشق شمس

اواخر قرن ششم هجری قمری، دقیقاً برابر با آغاز قرن سیزدهم میلادی، زمانی که قدیس دومینیک در صومعه‌اش مشغول چاره‌اندیشی علیه آواز خوانان پرووانسی بود و ناخواسته با چاره‌اندیشی هایش مقدمات جهاد آلیگائی پاپ را با آنها فراهم می‌کرد، چنگیز با متحدش اونک خان به اختلاف افتاد و با لشکری کوچک با او جنگید و شکستش داد و همین، پایه فتوحات بعدی‌ای را فراهم کرد که به نیشابور و نواحی مرکزی ایران رسید و در کمتر از شصت سال، توسط نوه‌اش هلاکو، به براندازی خلافت عباسی در زمان معتصم انجامید. اسلام در آن زمان آنچنان نیرومند بود که در کرانه‌های غربی‌اش، بارها جنگجویان صلیبی را شکست داده بود و حتی تا پنجاه سال پس از این زمان هم، یعنی تا اواسط قرن سیزدهم میلادی، پیروزی‌های مسلمانان ادامه داشت. در این بحبوحه عظیم، سعدی است که از این سو به آن سو می‌رود؛ در نظامیه درس می‌خواند و سخن از سفر به کیش و ماوراءالنهر می‌آورد. در همان میانه‌های جنگ‌های صلیبی در غرب عالم متمدن آن روزگار است که در شرق عالم، چنگیز یکن‌را تصرف می‌کند و با دولت خوارزمشاهی همسایه می‌شود که ندانم کاری کودکانه‌اش در کشتن سفیر چنگیز، تمدنی را به آستانه نابودی کشاند.

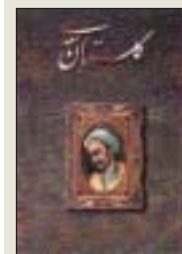
سعدی خوش اقبال بود. او در دوران اتابک سعدبن زندگی می‌زیست که هوشمندانه به مغولان خراج داد و فارس را از تیغ هلاکو (نوه پسری چنگیز) در امان نگاه داشت. این امنیت، تا پایان زندگی سعدی ادامه داشت و او توانست آخرین سال‌های زندگی‌اش را هم در آسایشی نسبی بگذراند. سعدی به احتمال بسیار در ۶۰۶ هجری قمری متولد شد و قطعاً تا ۶۹۱ در حیات بود. ولی سعدی، آن گونه و به آن دلایل که برای ما سعدی است، سعدی سی سال پایانی عمر است - زمانی که سرانجام پس از سی سال تحصیل و تقریباً همین مدت سیر و سیاحت، به شیراز بازگشته و سال‌های بسیار را به نوشتن اختصاص می‌دهد. سالی که سعدی به شیراز بازگشت (۶۵۵ هـ - ق) درست یک سال پیش از آن است که هلاکو به بغداد حمله کند و هنوز دو سالی بیشتر از فتح قلعه الموت و سوزاندن کتابخانه عظیمش نگذشته است.

سعدی و آثارش

کلیات سعدی شامل بوستان و گلستان، دیوان، نصیحه‌الملوک، رساله در عقل و عشق، الجواب و مجالس پنجگانه است. از این بین، قطعاً اکثر مخاطبان بیشتر با غزلیات و بوستان و گلستان سعدی آشنایند. سعدی زبان ما را ساخت. او با تسلط به زبان فارسی و عربی، نمونه‌هایی از نظم و نثر از خود به جای گذاشت که تا امروز به راحتی خوانده و فهمیده می‌شوند. از میان آثارش، بیت‌ها و عبارات‌های بسیاری به صورت مثل به کار می‌روند و این استفاده تنها محدود به نواحی خاص هم نیست؛ بلکه این مثل‌ها در تمامی گستره جغرافیایی زبان فارسی کاربرد دارند.

پرسش بسیار خوبی است که چرا سعدی، که پس از شاعران خراسانی آمده بود و در زمان حیاتش هنوز سبک خراسانی قدرت داشت، این گونه به ساده‌گویی روی آورد؟ زمانه سعدی چندان فاصله‌ای با زمانه خاقانی، اثیر احسیکتی و مجیر بیلقانی ندارد. شیراز چه داشت که نواحی شمالی نداشت؟ به نظر نمی‌رسد موضوع چندان به شرایط جغرافیایی بازگردد، بلکه اصولاً بخش عمده‌ای از دلایل این انتخاب (انتخاب ساده‌نویسی به جای مغلط‌نویسی) به روحیات خود سعدی مربوط است. سعدی سی

گلستانی که باید خواند

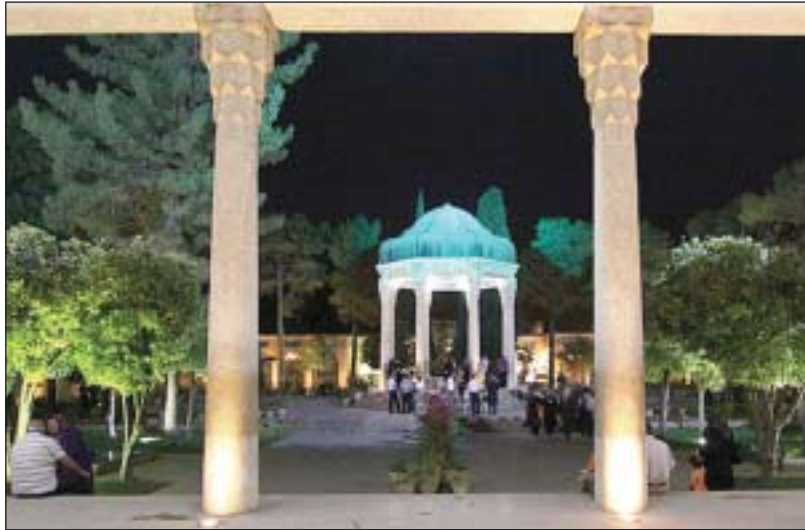


گلستان‌های بسیار منتشر شده‌اند. از محمدعلی فروغی تا غلامحسین یوسفی و بسیاری دیگر در تصحیح گلستان تلاش کرده‌اند. با این حال یکی دو سالی است که چاپی منقح و بسیار مفید از گلستان به تلاش استاد حسن احمدی گیوی، دستورشناس نام‌اشنا، به چاپ رسیده که در بین همه چاپ‌ها به دلیل بی‌غلطی متن، رویکرد آموزشی آن و سی‌گفتار ارزنده استاد در مقدمه در توضیح درباره گلستان و ویژگی‌های متنی و دستوری‌اش، همچنان جایگاهی خاص دارد. این چاپ گلستان را سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۸۶ منتشر کرد. احمدی گیوی می‌گوید: «گلستان آینه تمام‌نمایی است که سعدی از یک سو در آن جامعه روزگار خود و افراد آن جامعه و جامعه بشری را با همه زیبایی‌ها و زشتی‌ها، راست روی‌ها و کج روی‌ها، فرازها و فرودها، همواری‌ها و ناهمواری‌ها، لیخندها و اخم‌ها چنان که هست، روشن و بی‌پرده انعکاس داده و از دیگر سو، توجیه وجودی خود برداشت و دریافت خود را از زندگی در سخن موزون خویش نمایانده است.» این کتاب در ۴۸۶ صفحه، قطع وزیری و جلد گالینکور از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد منتشر شده است.



گزارشی از روند برگزاری نخستین همایش شاعران ایران و جهان

فرصتی طلایی برای جهانی شدن شعر ایرانی



نخستین همایش شاعران ایران و جهان با حضور ۵۰ شاعر خارجی و ۵۰ شاعر ایرانی از امروز در تالار وحدت تهران با حضور دکتر احمدی نژاد، رئیس جمهور سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح و سپس تا ۳۱ فروردین در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز برگزار می شود.

این همایش برای ارتباط هرچه بیشتر شاعران ایران و جهان با یکدیگر برنامه ریزی شده و تمهیدی از سوی مسوولان فرهنگی کشورمان است تا بار دیگر شعر، خبر نخست رسانه ها در حوزه فرهنگ شود.

البته این بار بخش بین المللی این رویداد فرهنگی بسیار پررنگ تر از بخش داخلی آن است و دعوت از ۵۰ شاعر طراز اول جهانی و شعرخوانی و آشنایی با قطره ای از اقیانوس هنر کشورمان، می تواند زمینه ساز آغاز دوران تازه ای برای شعر معاصر ایرانی باشد تا مانند اسلاف خود، همچنان یکه تاز خیال پردازی و شیوایی کلام در سراسر جهان شود.

هفته گذشته در سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب، نخستین نشست خبری این همایش با حضور نمایندگان رسانه های مختلف برگزار شد و موسی بیدج، دبیر علمی و مصطفی امیدی، دبیر اجرایی این همایش به پرسش های مختلف خبرنگاران پاسخ دادند.

حضور رئیس جمهور در مراسم افتتاحیه

مصطفی امیدی، دبیر اجرایی همایش، در این نشست گفت: «آیین گشایش همایش در برنامه های ریاست جمهوری گنجانده شده و این مراسم با حضور ایشان در تالار وحدت تهران برگزار خواهد شد.»

امیدی در آغاز این نشست خبری گفت: «این همایش با برنامه های جنبی و اصلی از ۲۵ فروردین تا اول اردیبهشت که فاصله بزرگداشت عطار نیشابوری و سعدی شیرازی است، برگزار خواهد شد.»

وی ادامه داد: «با توجه به این که این همایش برای نخستین بار و به شکل بین المللی برگزار می شود، زمان زیادی را برای تدارک فعالیت ها نیاز داشت.»

امیدی با اشاره به این که شناسایی شاعران کشورهای مختلف با مشورت نمایندگان فرهنگی و سیاسی در خارج و کارشناسان حوزه شعر در داخل کشور صورت گرفته، افزود: «مطالعات زیادی برای شناسایی این شاعران صورت گرفت و از میان شاعران پیشنهادی، ۵۰ نفر برای حضور در این همایش دعوت شدند.»

وی تصریح کرد: «فعالیت های اصلی این همایش از ۲۸ تا ۳۱ فروردین در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز انجام می شود.»

دبیر اجرایی نخستین همایش شاعران ایران و جهان ادامه داد: «یکشنبه (فردا) در دانشگاه ادبیات تهران مراسم شعرخوانی از ساعت ۳۰:۹ انجام و در همین روز از ساعت ۲۰ در تالار فرشچیان اصفهان نیز مراسم دیگری برگزار می شود.»

امیدی همچنین با بیان این که روز دوشنبه هفته جاری از ساعت ۲۰ تا ۲۲ بر مزار حافظ مراسم شعرخوانی برگزار می شود، افزود: «سی و یکم فروردین ماه نیز در دانشگاه ادبیات شیراز مراسم شعرخوانی خواهیم داشت و پایان بخش برنامه های همایش، شعرخوانی در سعدیه شیراز است.»

وی از رونمایی سه کتاب از «نوری الجراح» و شاعران دعوت شده به این همایش، خبر داد و تصریح کرد: «دانشگاه الزهراء تهران نیز برای بزرگداشت «الجبیوسی» از دیگر شاعران حاضر در همایش، برنامه ای را با حضور وی برگزار خواهد کرد.»

حضور شاعران برگزیده ایرانی در همایش

موسی بیدج، دبیر علمی همایش شاعران ایران و

جهان، گفت: «شعر، آینه آمل و آرمان ملت هاست و شاعران سفیرانی اند که کلام را در جهان گسترش می دهند و ایرانیان نیز از دیرباز به شعر، شهره عالم بودند.»

وی ادامه داد: «در روزگار رسانه ها، شعر نیز یک رسانه است که می تواند کلام را منتقل کند و البته شیوایی، خیال پردازی و بلاغت را نیز همراه خود دارد.»

دبیر علمی همایش شاعران ایران و جهان همچنین گفت: «اصل تاسیس برگزاری چنین همایشی، پاسخ به سوال هایی است که سال ها برای اصحاب فرهنگ و ادب وجود داشته و یکی از سوال ها این است که شعر ایران امروز کجاست؟»

بیدج با اشاره به این که آشنایی شاعران جهانی با شعر ایران و نیازهای امروز شعر، از دیگر دلایل برگزاری این همایش است، تصریح کرد: «اگر هر یک از این شاعران در بازگشت به کشور خود، آنچه را از شعر ایرانی و ایران دیده اند، صادقانه بازگو کنند، رهاورد بزرگی برای شعر امروز ایران خواهد بود.»

بیدج در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره نحوه انتخاب اسامی شاعران ایرانی حاضر در همایش، گفت: «شاید صدها و ده ها شاعر بتوانند در این همایش شرکت کنند و هیچ ممانعتی نیز وجود ندارد؛ اما از شاعران برجسته کشور برای حضور در این همایش دعوت کرده ایم که برگزیدگان جایزه کتاب سال و جشنواره شعر فجر نیز از این جمله اند.»

وی ادامه داد: «همچنین، به دلیل این که تنها چند روز برای برگزاری این همایش فرصت داریم، شاید وقت شعرخوانی و معرفی به همه شاعران خوب ایرانی نرسد.»

مصطفی امیدی نیز در پاسخ به سوال دیگری درباره این که چرا همایش در نیشابور که زادگاه عطار نیشابوری است، برگزار نمی شود، گفت: «از نظر زمانی تنها چند روز فرصت بود و امکان گنجاندن برنامه ای در شهر نیشابور وجود نداشت؛ اما برای بزرگداشت عطار نیشابوری از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان شمالی در نظر گرفته شده و در دوره بعدی، می توان افتتاحیه را در شهر نیشابور برگزار کرد.»

بیدج نیز در پاسخ به سوالی مبنی بر این که چرا نام فروغ فرخزاد در کتاب «پنجره ای به باغ ایرانی» نیست، افزود: «شعر ایران دارای شاعران برجسته ای است و از میان نام هایی که به شورای سیاست گذاری پیشنهاد شد، در نهایت ۲۳ شاعر انتخاب شدند؛ ولی این به این معنا نیست که این شاعران مقدم بر دیگران باشند و

شاعر و شعر ایران و ایرانی را به جهان معرفی کند.»

اعلام آمادگی استان های تهران، فارس و اصفهان

اداره های کل ارشاد استان های فارس و اصفهان به صورت مکتوب آمادگی خود را برای برگزاری همایش شاعران ایران و جهان به دفتر مرکزی این همایش اعلام کردند.

برنامه های متنوعی برای همایش شاعران ایران و جهان از سوی دفتر مطالعات و برنامه ریزی کتاب و کتابخوانی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر گرفته شده است که با همکاری مؤسسه خانه کتاب و اداره های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان های اصفهان و فارس به اجرا در خواهند آمد.

انتشار دو کتاب همزمان با همایش

همزمان با برگزاری نخستین همایش «شاعران ایران و جهان»، دو کتاب «پنجره ای به باغ شعر ایرانی» و «پنجره ای به شعر جهان» شامل زندگی نامه و اشعار ۲۳ شاعر معاصر کشور و همچنین شاعران دعوت شده به این همایش منتشر خواهند شد.

این کتاب ها توسط دبیر خانه نخستین همایش شاعران ایران و جهان و زیر نظر موسی بیدج، دبیر علمی این همایش و با حمایت امور معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر می شوند.

اسامی شاعرانی که در کتاب «پنجره ای به باغ شعر ایرانی» به آنها و اشعارشان پرداخته شده، عبارتند از «نیمایوشیچ»، «مهدی اخوان ثالث»، «احمد شاملو»، «سهراب سپهری»، «منوچهر آتشی»، «محمد رضا شفیعی کدکنی»، «هوشنگ ابتهاج»، «مهرداد اوستا»، «محمدعلی معلم دامغانی»، «سید علی موسوی گرمارودی»، «طاهره صفارزاده»، «سید حسن حسینی»، «قیصر امین پور»، «سلمان هراتی»، «محمد رضا عبدالملکیان»، «حسین منزوی»، «علیرضا قزوه»، «محمد حسین سعیدی مهدوی (م.مؤید)»، «حمید سبزواری»، «عباس کی منش (مشفق کاشانی)»، «یوسف علی میرشکاک»، «خسرو احتشامی» و «محمد علی بهمنی».

زندگی نامه و نمونه اشعار مهمانان خارجی دعوت شده به همایش شاعران ایران و جهان نیز در کتاب «پنجره ای به شعر جهان» گردآوری شده اند.

اطلاع رسانی گسترده برنامه های همایش

سیدسعید میرمحمدصادق، مدیر کمیته روابط عمومی همایش شاعران ایران و جهان، از اطلاع رسانی اخبار و برنامه های نخستین همایش شاعران ایران و جهان به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی خبر داد و گفت: «برای دربرگیری مخاطب خارجی و با توجه به جهانی بودن همایش، اخبار روابط عمومی توسط گروه خبری مجرب در حوزه بین الملل به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه و همزمان برای تمامی رسانه ها ارسال می شوند.» وی با توجه به قابلیت وجود آمده در روابط عمومی همایش، خواستار حمایت رسانه های داخلی و خارجی از این رویداد بزرگ و بین المللی شد و افزود: «به یقین برای معرفی شعر ایران به جهان، ابزاری قوی تر از رسانه وجود ندارد و جایگاه بالای تمامی رسانه ها، اهم از مکتوب و الکترونیک، دیداری و شنیداری غیرقابل انکار است.»

مدیر کمیته روابط عمومی همایش شاعران ایران و جهان همچنین از حضور بیش از ۳۰ رسانه در محل برگزاری همایش شاعران ایران و جهان خبر داد و گفت: «معتقدیم با حضور رسانه های داخلی و خارجی، این رخداد بزرگ فرهنگی در کشور به گوش جهانیان خواهد رسید و اهداف همایش که همان معرفی شعر

موسی بیدج: اگر هر یک از این شاعران در بازگشت به کشور خود، آنچه را از شعر ایرانی و ایران دیده اند، صادقانه بازگو کنند، رهاورد بزرگی برای شعر امروز ایران خواهد بود



سجاد صاحبان زند

هفتاد و دو سال از درگذشت اقبال لاهوری می‌گذرد؛ متفکری که اندیشه‌هایش را به زبان شعر بیان می‌کرد و دبستگی فراوانی به ایران و جهان اسلام داشت. به همین مناسبت با محمد بقایی ماکان به گفت‌وگو نشستیم. این نویسنده و پژوهشگر در طول سی سالگی که روی زندگی و آثار اقبال لاهوری کار می‌کند، ۲۷ کتاب با محوریت او منتشر کرده است که برخی از این آثار ترجمه کتاب‌های اقبال و برخی دیگر کتاب‌هایی درباره این متفکر بزرگ پاکستانی‌اند. از جمله این آثار می‌توان به «لعل روان، شرح و بررسی تطبیقی غزل‌های اقبال»، «در شبستان ابد، شرح و بررسی تطبیقی جاویدنامه اقبال»، «قلندر شهر عشق، سیزده خطابه و گفتمان درباره علامه اقبال»، «اقبال و شش فیلسوف غربی (فیخته، شوپنهاور، نیچه، جیمز، برگستون، مک تاگارت)»، «میکده لاهور: کلیات فارسی علامه اقبال (همراه با فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات)»، «فلسفه دین از نگاه اقبال» و «اقبال؛ گلی که در جهنم روید» اشاره کرد.

هفتاد و دومین سالگرد درگذشت اقبال لاهوری در گفت‌وگو با محمد بقایی ماکان

توجه بیشتر به عملگرایی



اقبال، هم در حوزه ادبیات کار کرده و هم در حوزه اندیشه. به نظر شما، حالا که بیش از هفتاد سال از درگذشت او می‌گذرد، چه وجهی از شخصیت و کار او تجلی بیشتری یافته است؟

اقبال در واقع اندیشمندی است که افکار خود را به زبان شعر بیان کرده، بنابراین در مرتبه اول نمی‌توان او را یک شاعر یا ادیب دانست، بلکه او یک فیلسوف یا متفکری است که اندیشه‌هایش را به زبان شعر بازگفته است. نمونه‌هایی شبیه اقبال را ما در تاریخ مان داریم. خیلی‌ها بوده‌اند که افکار خود را به جای آنکه به نثر بنویسند، به شعر نوشته‌اند، مثل ناصر خسرو.

یا حتی مولانا. شاید دبستگی اقبال به مولوی از همین رو باشد...

بله، علاقه اقبال به مولوی، به زمینه اندیشه‌هایش برمی‌گردد، نه اینکه شیفته بیان او شده باشد. او اندیشمندی است که ابعاد مختلفی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ از فلسفه گرفته تا جامعه‌شناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی و قرآن‌پژوهی. او همچنین کارهایی در مورد تعلیم و تربیت انجام داده است. به قول آن ماری شیمل، اقبال شبیه منشوری است که انوار مختلفی از او ساطع می‌شود. حال به طور متمرکزتر به سوال شما بپردازیم که کدام جنبه اقبال در روزگار ما تبلور بیشتری دارد؟ به عقیده من، اقبال اندیشمندی بزرگ در جامعه شرق اسلامی بوده است؛ اندیشمندی که می‌خواست جامعه بزرگ اسلامی را به خودش بیاورد و از خواب پانصد ساله بیدار کند. البته اقبال به سهم خود توانست قدم‌های بزرگی بردارد، اما اگر جامعه اسلامی نتوانست آنچنان که باید بیدار شود، نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد.

وقتی متفکری چون ژان پل سارتر، اندیشه اگزیستانسیالیسم را در اروپا ابداع کرد، همین فلسفه سبب شد تا فرانسه بتواند با استفاده از انسان‌محوری و تأکید بر فرد، بر ارتش تا دندان مسلح آلمان هیتلری پیروز شود. اما متأسفانه ما در شرق نسبت به اندیشمندانمان و اندیشه‌های آنان کم‌لطفیم. ما معمولاً نگاهی جدی و عمیق به اندیشه‌های اندیشمندانمان نداریم.

همه تلاش اقبال بر این بود که جامعه اسلامی را به طور اخص و جامعه شرقی را به طور اعم، متحول کند، چون او بعد از آنکه از اروپا برگشت (سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) در اروپا بود، متوجه تفاوت‌هایی شد که میان جوامع شرقی و غربی وجود داشت. او به این نتیجه رسید که گره‌کوری در اقوام شرق وجود دارد که سبب شده ما برای هر چیز کوچک و بی‌اهمیتی دستمان را به سوی غرب دراز کنیم. به همین دلیل است که در همه آثارش به مسلمانان و مردم شرق، نهب می‌زند که «خود بسازید و به آن چیزی که خود می‌سازید، قناعت کنید.» و از مردم می‌خواهد که به اندیشه‌ها و سنت‌های خود رجوع کنند تا بتوانند در برابر دنیا عرض اندام کنند. اما ما متأسفانه می‌بینیم که دنیای شرق، یعنی شرق اسلامی، به این اندیشه‌ها که به بهترین صورت بیان شده، آنچنان که باید توجهی نکرده است.

حالا که چند دهه از درگذشت اقبال می‌گذرد، به هر حال تغییراتی در شرق اسلامی صورت گرفته هر چند ممکن است این تغییرات در حوزه تولید

«username» استفاده می‌کنند. همه مشکلی که اقبال داشته و اتفاقاً به شکلی بسیار درست در کتاب‌هایش آورده، همین معضل است. او معتقد بود که شرق آفرینش ندارد و این سبب عقب‌ماندگی اوست. چرا که برخورد درستی با مسائل نداریم. اقبال غرب را رد نمی‌کند بلکه می‌گوید «من، هم شرقی هستم و هم غربی.» مقصودش هم از این حرف این است که از آگاهی‌ها و دانش هر دو جهان استفاده می‌کند. سبزی که او با غرب دارد از نوعی است که خود اندیشمندان غرب هم با بخش قابل انتقاد مدنیت غرب دارند که آن را برای اخلاق انسانی مضر می‌دانند، و گرنه اقبال دستاوردهای علمی غرب را می‌ستاید و بزرگترین آرزوی او برای دنیای شرق این است که مردم شرق از این منظر به مرتبه غرب برسند.

به هر حال برای دسترسی به اطلاعات، می‌توان از راه‌های مختلف بهره گرفت و اینترنت دسترسی به اطلاعات را ساده می‌کند. مطابق حدیث نبوی که می‌فرماید «دانش را بیاموزید حتی اگر در چین باشد»، مکان عرصه اطلاعات مهم نیست. آموختن مهم است و اینترنت هم نکات مثبتی دارد. شما این نکته را قبول ندارید؟

به نظر من آن تغییری که اقبال در نظر داشته، هنوز حاصل نشده است. رسانه‌هایی چون اینترنت، نه تنها تأثیری در جهان اسلام نداشته‌اند، بلکه حتی در

همه تلاش اقبال بر این بود که جامعه اسلامی را به طور اخص و جامعه شرقی را به طور اعم، متحول کند، چون او بعد از آنکه از اروپا برگشت، متوجه تفاوت‌هایی شد که میان جوامع شرقی و غربی وجود داشت

جهت معکوس هم تأثیرگذار بوده‌اند. چنین رسانه‌هایی هویت ما را به شدت تهدید می‌کنند. مثال‌هایی هم که مطرح کردم، مبین همین نکته است. بله، ما احادیث و آیات زیادی در مورد دانش‌آموزی و آموختن علم داریم اما باید ببینیم که آیا تاکنون توانسته‌ایم آنچنان که باید علم را بیاموزیم و خود به خود به تولید علم بپردازیم؟ همین مسائل بود که اقبال را آزار می‌داد. او پس از آنکه از غرب برگشت، به جایی رسید که حتی ادامه زندگی برایش دشوار شد. شاید همین مسائل به جوان مرگی‌اش در ۶۱ سالگی منجر شد. انگار (غم این خفته چند خواب در چشم ترش می‌شکند). چون چهره‌هایی مانند اقبال از بیماری روحی عذاب می‌کشند و نه بیماری‌های جسمی. وقتی اقبال در ۶۱ سالگی از دنیا می‌رفت، تنها کسی که بر بالینش حاضر بود خدمتکارش بود. وقتی خدمتکار از او پرسید که «آقا از چه درد می‌کشی؟»، اقبال دست روی قلبش گذاشت و گفت: «از اینجا درد می‌کشم.» او با گفتن همین جمله پرایهام، زندگی را وداع گفت. همین درد در واقع جوهر شعر و اندیشه‌اش بود.

حال به گمان شما چه می‌توان کرد تا به اندیشه‌های اقبال نزدیک‌تر شویم؟ ما به عنوان کسانی که در عرصه کتاب و اطلاع‌رسانی کار می‌کنیم، چه می‌توانیم بکنیم؟

به گمان من، تغییراتی در جهان اسلام حاصل شده، اما حجم اندکی از آنها در جهت اندیشه‌های این متفکر بوده است. تجربه من که سی سال است در زمینه اقبال‌پژوهی کار می‌کنم و حاصل تجربه‌ام ۲۷ جلد کتاب است که شامل ده هزار صفحه می‌شود، می‌تواند بهترین گواه باشد که می‌توان در عرصه کتاب چه کرد. باید برای تولید اندیشه‌ها در حوزه علوم انسانی و خودکفایی دست به کار شویم.

من سال گذشته (۸۸) کتابی از اقبال را ترجمه کردم که یکی از گرانبهاترین آثار او و همچنین یکی از مهمترین آثار وی در حوزه اندیشه و تفکر اسلامی است. ناشر، این کتاب را همراه کتابی دیگر به بخش حمایت از مولفان و مصنفان وزارت ارشاد ارسال کرد. آنها انتظار داشتند که در حدی معقول این کتاب پیش خرید شود، چرا که ناشران کمتر برای انتشار کتاب‌های سنگین و وزین که ممکن است فروش آنها چندان قابل توجه نباشد، سرمایه‌گذاری می‌کنند. عجیب آن که کتاب دیگر، که یک رمان بود مورد توجه قرار گرفت و کتاب اقبال نه. من نامه‌ای پر از سوز دل نوشتم با این مضمون که چرا در عمل از فرهنگ خودی و علوم انسانی خودی استقبال نمی‌شود؟ قصد و هدف من از بیان این صحبت‌ها این نیست که چرا کتاب من خریداری نشده، بلکه منظورم این است که نهاد‌های متولی و حمایت‌کننده باید با دیدی گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر به موضوع نگاه کنند.

اقبال متفکری بود که تفکرش همه‌جانبه بود. از همین روست که اندیشه‌هایش رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرند. حرفی را که او مطرح کرده، تفکری است که تا در جهان اسلام به درستی به تحقق نپیوندد، ما همچنان در سیطره قدرت دیگران خواهیم بود. در نتیجه ما باید مستقل باشیم و مستقل عمل کنیم و این نکته تنها در عمل رنگ حقیقت به خود می‌گیرد.



کاوه رحمانی

به جرأت می توان گفت که انتشارات سپاه پاسداران یکی از ناشران فعال علمی کشور است. شاهد این مدعا انتشار ۲۵۰۰ جلد چاپ نخست در دوره قبل نمایشگاه کتاب تهران است. انتشارات سپاه که کارش را از همان روزهای آغاز شکل گیری اش در روزهای نخست پیروزی انقلاب آغاز کرده است، علاوه بر انتشار کتاب در حوزه مطبوعات نیز فعال بوده است. در مجموع، توجه به مسائل بومی و نظریه پردازی در این عرصه، در دیگر پژوهش های سپاه نیز دارای بیشترین اهمیت اند، چنانچه خاطرات سرداران سپاه، به منظور شناخت تکنیک های بومی دفاع مقدس، یکی از برنامه های این مجموعه فرهنگی است. آنچه در ادامه می آید، گفت و گویی با سردار رمضان شریف، رییس اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه انجام شده است. وی یکی از اهداف این انتشارات را ترویج علم در قالب های علوم انسانی، مهندسی و عمرانی، پزشکی و علوم نظامی عنوان کرده است.

سردار رمضان شریف رییس اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه:

بومی کردن علم، مهم ترین هدف ماست

خوانندگان باید عرض کنم که این تحقیقات در دنیا بی نظیر و منحصر به فردند. همین طور در مورد علوم انسانی، مذهبی-عقیدتی و مسائل علمی آن هم برنامه ها و پژوهش هایی داریم که برای پرسنل ما و جامعه ای که با ما مرتبط اند انجام می شود. به همین دلیل است که ما وقتی در مورد تولید علم صحبت می کنیم، ناظر بر این بخش از برنامه های ماست. به عنوان نمونه، ما در نیروی دریایی سپاه به این نکته اعتقاد داریم که یک نیروی دریایی بومی را راه اندازی کرده ایم که بر اثر پژوهش ها و تولید مقاله و کتاب بوده است. این موارد درباره نیروی هوایی و زمینی هم وجود دارد.

چنان که گفتید، توجه به دستاوردهای علمی برای انتشارات سپاه در اولویت است. شما تا چه اندازه به دستاوردهای علمی متاخر در ایران چون فناوری فضایی، نانو تکنولوژی و انرژی هسته ای توجه دارید؟

البته موضوع انرژی هسته ای از مسائل خاصی است که در کشور متولی دارد و از آنجایی که این فناوری کارکرد نظامی ندارد، ما به دنبال آن نیستیم.

به هر حال انرژی هسته ای موارد غیر نظامی هم دارد که می تواند مورد توجه شما باشد، مثلا کارکردهایی که در علوم پزشکی و حتی کشاورزی دارد...

بله، آنچه را من در مورد تحقیقات علمی مطرح کردم، ناظر بر همین بحث است. مجموعه دانشگاه امام حسین (ع) در حال انجام پژوهش های گسترده ای است که بسیاری از آنها در قالب کتاب منتشر می شوند و در اختیار افکار عمومی قرار می گیرند.

برای نمایشگاه بین المللی کتاب تهران چه برنامه هایی دارید؟

ما در نمایشگاه کتاب تهران کتاب هایی را عرضه می کنیم که به حوزه های عمومی مربوطند. این کتاب ها و پژوهش هایی که انجام شده، کمک فراوانی به فعالیت های عمرانی داشته اند. شما اگر به دانشگاه های مختلف هم سری بزنید، خواهید دید که بسیاری از کتاب ها و مقالات منتشر شده در انتشارات سپاه، به عنوان متون معتبر در آنها تدریس می شوند. این، افتخاری است برای استادانی که در مجموعه سپاه به پژوهش مشغولند.

ما دو نوع حضور در نمایشگاه کتاب تهران داریم. نخستین نوع حضور ما ارائه فهرستی از تازه های نشر انتشارات سپاه پاسداران است. این بخش از حضور ما در غرفه جنبی نمایشگاه برگزار می شود که نمایه ای از آثار سپاه از نمایشگاه پیشین تا نمایشگاه حاضر در آن ارائه است. نوع دیگر حضور ما در قالب غرفه هایی اند که بخش های مختلف انتشاراتی ما در نمایشگاه دارند و آثار خود را در معرض فروش قرار می دهند. این حضور در قالب غرفه هایی که دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه بقیه الل (عج)، مرکز تحقیقات اسلامی حوزه نمایندگی، کنگره های شهیدان استان خراسان، کرمان و...، مرکز انتشارات نیروی دریایی، هوایی و... برپا می کنند، برگزار می شود. همین طور مراکز چون روایت فتح نیز محصولات خود را در نمایشگاه عرضه می کنند. یعنی ما ماموریت داریم تا به نوعی پژوهش های خود را در اختیار افکار عمومی بگذاریم، چه به صورت نمایه و چه به صورت جزئی تر در غرفه ها. این به مخاطبان کمک می کند تا به طور سازمان یافته تری به دغدغه های خود بپردازند و آثاری مرتبط با تخصص خود بیابند.



سرگذاشته ایم، مسائل فرهنگی و علمی در سرفلوحه کار ما قرار گرفته و ماموریتی است که مراکز علمی ما برای آن بیشترین اهمیت را قائل اند. برای مثال، اگر ما در حوزه عمرانی کشور چون سدسازی وارد می شویم، سعی می کنیم که علمی و درست عمل کنیم. برخی از این طرح ها چنان اند که پیمان کاران داخلی قدرت انجام آن را ندارند و اغلب رقیبان ما خارجی ها هستند. در این طرح باید به ویژه با برنامه و طرح های بیشتری حاضر شویم. به همین دلیل است که آن شاخه ای که در مورد برنامه های عمرانی فعالیت می کند، باید کارهای پژوهشی علمی و دقیقی را سرفلوحه کار خود قرار دهد که قاعدتا به تولید نرم افزاری و علم در کشور کمک کرده و برنامه ها و طرح های عمرانی را تسهیل می کند.

اما در مورد دفاع مقدس. درست است که دفاع مقدس به پایان رسیده است اما نظریه پردازی بومی سازی کارکرد نیروهای نظامی و دفاع مردمی و برداشت های دقیق آن موضوعی جاری و ساری است. از آنجایی که مایک دفاع مقدس بومی داشتیم، باید آن را برای نسل های بعد به شکلی بومی نظریه پردازی کنیم. مثلا ما در مرکز دانشگاه امام حسین (ع)، در دافوس، برای آنکه متون تحصیلی دانشجویان خود را برای کادر افسری تامین کنیم، نیاز به منابعی داریم که باید به صورت بومی تولید شوند. در نتیجه مرکز اسناد تحقیقات جنگ سپاه، ماموریت دارد تا با تجزیه و تحلیل مسائل دفاع مقدس و عملکرد سپاه در آن، متون علمی متناسب با شرایط، فرهنگ و جغرافیای ما را ترسیم و برای تدریس آماده کند. بنابراین بخش عمده تولیدات مراکز دفاع مقدس ما را «خاطرات» تشکیل می دهند. البته این خاطرات به این منظور جمع آوری می شوند تا به نوعی برای دانشگاه های ما تولید علم کنند. در دانشگاه بقیه الله (عج) هم به مسائل بومی توجه ویژه ای داریم. مثلا یکی از برنامه های عمده ما در این دانشگاه، شیوه مقابله با گازهای شیمیایی و اثرات مخرب آن است. به هر حال در روزهای دفاع مقدس، ما در این زمینه آسیب های زیادی را متحمل شدیم. ما بارها مورد هجوم دشمن یعنی قرار گرفتیم. از همین رو پژوهشگران ما در دانشکده بقیه الله (عج) کارهای زیادی را در این مورد انجام داده اند و کارهای دیگری را هم پیش رو دارند. برای اطلاع شما و

به عنوان مثال سال گذشته ۸۰ عنوان از تازه های نشر ما به این حوزه برمی گشت. همین طور ما در مراکز استان ها، مراکز را با عنوان «کنگره سرداران شهید» داریم که این مراکز هم کتاب هایی را درباره شهدا و سرداران آن استان ها منتشر می کنند. در این عرصه نیز کتاب های قابل توجهی منتشر می شوند. به عنوان نمونه، در کنگره استان خراسان که سال گذشته برپا شده بود، ۵۰ کتاب داشتیم که در نمایشگاه عرضه شدند و امسال هم از استان هایی که کنگره خود را برگزار می کنند، کتاب هایی خواهیم داشت.

بخش دیگری از انتشارات سپاه در اختیار قرارگاه سازندگی است. ما در این مرکز، کارهای علمی و پژوهشی در مورد سازندگی را دنبال می کنیم. از جمله این فعالیت ها که بالطبع در قالب کتاب نیز منتشر می شوند می توان به پروژه هایی چون سد سازی، راه سازی و نفت و گاز اشاره کرد. ما همچنین مرکز بزرگ دیگری داریم که زیر نظر دانشگاه شهید محلاتی حوزه نمایندگی و با عنوان مرکز تحقیقات اسلامی حوزه نمایندگی فعالیت می کند. ما در این مرکز کتاب هایی را که در حوزه معارف اسلامی، علوم انسانی و فرهنگی - سیاسی قرار دارند، منتشر می کنیم. البته در حوزه های نیروهای هوایی، زمینی و دریایی هم مرکز انتشاراتی داریم که این انتشارات مسائل مربوط به آنها را پوشش می دهد. مثلا عملیات هایی را که انجام داده اند، بررسی می کنند. آیا مراکز که تحت مدیریت انتشارات سپاه کار می کنند، از سیاستگذاری واحدی پیروی می کنند؟ همان طور که گفتید، در سال های شروع انقلاب، این سیاست های فرهنگی، در جهت تبیین آرمان های سپاه قرار داشتند اما اکنون روزهای اول انقلاب و دفاع مقدس را پشت سر گذاشته ایم. ممکن است اگر سیاستگذاری واحدی وجود دارد، آن را بفرمایید.

به نکته خوبی اشاره کردید. بخش مهمی از مسؤولیت های سپاه، ناظر و وابسته به زمان است. یعنی در روزهای اول انقلاب، تبیین اهداف و آرمان های انقلاب و سپاه که از ارکان آن محسوب می شد، اولویت اول ما بود. در روزهای دفاع مقدس نیز مسائل مرتبط با این موضوع برای ما بیشترین اهمیت را داشت. اکنون هم که آن روزها را پشت

سابقه فعالیت انتشارات سپاه به چه زمانی برمی گردد؟ انتشارات سپاه از بدو ورود و تاسیس این نهاد در روزهای نخستین انقلاب، کارش را با جدیت آغاز کرد. این فعالیت پیش از شروع دفاع مقدس، به شکل متمرکزتری انجام می شد. کسانی که آن روزها به یادشان مانده، حتما نشریه «پیام انقلاب» را به خاطر دارند. این نشریه که از جمله نشریات تاثیرگذار بود، اهداف، سیاست ها و برنامه های سپاه را در آن روزهایی که نشریات انگشت شماری منتشر می شدند، به اطلاع عموم می رساند. در کنار این نشریه، نشریه دیگری به نام «امید انقلاب» فعالیت می کرد که مختص جوانان منتشر می شد. نشریه «نهال انقلاب» نیز مخاطب کودکان و نوجوان داشت. جدای از این، انتشارات سپاه نشریه «کودک مسلمان بلوچ» را منتشر می کرد و می کند که می توان آن را پرتیراژترین نشریه استانی دانست. یعنی از سال ۶۰ این نشریه تنها نشریه استانی است که با تیراژ و استقبال زیاد به کار فرهنگی خود ادامه داده است. این نشریه در نظر سنجی ها، یکی از نشریات موفق از نظر تداوم انتشار و استقبال خوانندگان بوده است.

سپاه در حوزه های فرهنگی دیگر هم فعالیت های قابل دفاعی انجام داد. اما با ورود به جنگ تحمیلی و گسترش ماموریت ها و کارکردهای سپاه، فعالیت های جدیدی نیز افزوده شدند که با تاسیس انتشارات دیگری همراه بود.

ممکن است کمی در مورد این مراکز فرهنگی بگویید؟ آنچه ما در حال حاضر با عنوان مجموعه انتشارات سپاه داریم، مراکز آن اند که در ادامه عرض می کنم. ما هر ساله در نمایشگاه کتاب تهران شرکت می کنیم و آثاری که تحت نظارت سپاه منتشر می شوند را در اختیار افکار عمومی قرار می دهیم. به عنوان نمونه، سال گذشته با ۲۵۰۰ عنوان کتاب جدید در نمایشگاه و در غرفه انتشارات سپاه حضور داشتیم.

تمام این عناوین، چاپ اول و جدید بودند؟ بله. این تعداد عناوین در فاصله نمایشگاه کتاب قبلی تا نمایشگاه حاضر منتشر شده بود. البته ممکن است شروع چاپ چند عنوان از این کتاب ها به قبل از نمایشگاه برگردد، اما انتشار آنها بعد از نمایشگاه بوده است.

این کتاب ها توسط ناشران مختلفی که زیر نظر سپاه کار می کنند، منتشر می شوند؟

ما دو مرکز نشر دانشگاهی بزرگ داریم که بخشی از کتاب ها را منتشر می کنند. یکی از این مراکز، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) است که در واقع در رشته های مختلفی که در این دانشگاه تدریس می شوند، کتاب هایی را منتشر می کند. بخشی از کتاب های این انتشارات دانشگاهی، مربوط به تحقیقات و پژوهش هایی اند که توسط دانشجویان و استادان آن انجام می شوند. در نتیجه، بخش مهمی از کتاب های ما به مرکز انتشارات سپاه برمی گردد. دومین مرکز انتشارات دانشگاهی ما در دانشگاه بقیه الله (عج) فعال است. در این مرکز کتب و نشریات مرتبط با پزشکی و شاخه های مرتبط با آن منتشر می شوند.

به جز این دو مرکز دانشگاهی، ما «سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه» را داریم. در این مرکز و چنانچه از نامش نیز برمی آید، کتاب های مرتبط با دفاع مقدس منتشر می شوند. این کتاب ها بیشتر در حوزه نظریه پردازی، عملکرد سپاه در این رویداد تاریخی و تبیین دفاع مقدس منتشر می شوند.



نگاهی به فعالیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه مکتوبات

شورایی برای تعالی قلم

از جمله مولفه‌های حدود قانونی نشر کتاب، مباحث دینی و اخلاقی، مباحث مربوط به سیاست و اجتماع، حقوق و فرهنگ عمومی اند. معاون ارتباطات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به این پرسش که مصوبات این شورا چگونه به اجرا درمی‌آیند؟ می‌گوید: «به دلیل این که شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادی سیاستگذار است، با تصویب سیاست‌ها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط با مصوبات را مأمور رسیدگی به مصوبه‌ها و اجرایی کردن و اقدامات عملیاتی آن می‌کند.»

وی درباره سیاست‌های حمایتی این شورا به پژوهش‌ها و تحقیقات اشاره می‌کند و می‌گوید: «از سیاست‌هایی که از چند سال گذشته دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را در پیش گرفته، می‌توان به انتشار نتایج تحقیقاتی اشاره کرد که در واحدهای

ارشاد اسلامی درباره کتاب و رشد آن قابل مشاهده اند. در خارج از کشور نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی را در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به تصویب رسانده است که ارزش‌ها، آرمان‌های دینی، اسلامی و میراث فرهنگی ما را از طریق ترجمه کتاب‌های ارزشمند فارسی و راه‌اندازی نهضت ترجمه - متناسب با سیاست‌های فرهنگی کشور - در سایر کشورهای مرتبط توزیع و تبیین کند که با گذشت دو سال از بحث ترجمه در این سازمان، رشد و فعالیت‌های خوبی در این زمینه صورت گرفته اند.» وی حدود قانونی نشر کتاب را از دیگر اهدافی برمی‌شمارد که در این شورا توجه خاصی به آن شده است و بیان می‌کند: «در این باره برای جلوگیری از عوارض منفی، سوءاستفاده و اشاعه لابی‌گری‌های فکری و اخلاق در حقوق عمومی، ملاحظاتی صورت می‌گیرد تا فضای سالمی برای نشر کتاب فراهم شود.»

اسلامی و ایرانی، حمایت از ترجمه و نشر آثار ارزشمند به زبان‌های دیگر، کمک به توسعه آموزش غیر رسمی افراد جامعه از طریق ارتقای سطح دانش و مهارت‌های همگانی، از محورهای مقرر شده دولت در سیاست‌های حمایتی و هدایت اهل قلم در انتشار کتابند.

در این باره، حامد فتحعلی خانی رییس اداره انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی، بازنگاری مصوبه «سیاست‌ها و ضوابط نشر» که سال ۶۷ تصویب شده بود را از اقدامات اخیر این شورا بیان می‌کند و می‌گوید: «نسخه تصویب شده آن هنوز در اختیار رئیس جمهور است.» و هنوز به مبادی ذریع ابلاغ نشده است. دکتر نگاهداری نیز درباره نحوه عملکرد و تأثیرات داخلی و خارجی مصوبات این شورا این گونه اظهار می‌کند: «فعالیت‌های حوزه مکتوبات شورا در داخل کشور از طریق گزارش‌های وزارت فرهنگ و

دگرگونی‌هایی که انقلاب اسلامی در نظام ارزشی و اعتقادات جامعه ایران به ارمغان آورد، تحولات عظیم و بنیادینی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی ایجاد کرد که بخش‌های عینی و غیر عینی فرهنگ نیز از این بازتاب‌ها بی‌نصیب نماندند.

در پی صدور پیام نوروزی امام خمینی (ره) در فروردین ۱۳۵۹ نقطه عطفی در تاریخ انقلاب فرهنگی ایجاد شد که به موجب آن، دانشگاه‌ها، فضاها، آموزش و حوزه نشر به عنوان بخشی از ابزارهای انتقال و تعلیم فرهنگ، تحولات شگرفی را تجربه کردند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه مکتوبات به ویژه کتاب، هم سیاستگذاری‌هایی را به انجام رساند و هم خودش به انتشار آثاری مکتوب اقدام کرد که در این گزارش به هر دو موضوع اشاره می‌شود. دکتر بابک نگاهداری معاون ارتباطات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، با اشاره به این که یکی از حوزه‌های فعالیت و سیاستگذاری این نهاد به تحولات و سیاست حاکم بر نشر بازمی‌گردد، عنوان می‌کند: «در دو دهه پیش در این حوزه مصوباتی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر و به سازمان‌ها و نهاد‌های مرتبط ابلاغ شد اما به تازگی و در راستای تحولات جدید این حوزه، شورا اقدام به بازنگاری سیاست‌های نشر کتاب کرد که این کار طی جلسات ۶۵۳ و ۶۵۴ (آذرماه سال ۸۸) آغاز شد.»

شورای انقلاب فرهنگی، حق انتشار کتاب را از حقوق احاد ملت بر شمرده است که بدون مجوز قانونی قابل سلب نیست. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید سیاست‌های هدایتی و حمایتی لازم را در حوزه تالیف، ترجمه و انتشار کتاب‌های متناسب با نیازهای جامعه امروز اعمال کند و از طریق این سیاست‌ها، تشویق و ترغیب لازم را به عمل آورد. تقویت و ترویج امر پژوهش، تبیین و ترویج اصول، ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، احیای میراث مکتوب و توسعه فرهنگ و تمدن

در سیاست‌های کاری این مرکز جایی ندارند، بیان می‌کند: «ما به طور تخصصی عمل می‌کنیم و ناشران دیگر در این وادی فعالیت دارند.»

رمان و جاودانگی دفاع مقدس

«انتشارات ارتش جمهوری اسلامی» از دیگر موسساتی است که به نشر فعالیت‌ها و عملیات‌های انجام شده در دفاع مقدس و دستاوردهای نوین این تشکیلات می‌پردازد و تاکنون بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب با موضوعات مسائل نظامی، فرهنگی، اجتماعی و دفاع مقدس منتشر کرده است. سال قبل نیز ۳۰ عنوان اثر را به چاپ رساند که از آن میان می‌توان به «پرواز تا بی‌نهایت» که به چاپ‌های دوازدهم و سیزدهم رسید، اشاره کرد.

این نشر که به مدیریت سرهنگ حمید بوربور اداره می‌شود، در رویکرد‌های جدید خود توجه به بحث اسطوره‌های ارتش را در اولویت قرار داده و می‌کوشد در مراسم بزرگداشت افرادی که به عنوان اسطوره در این تشکر به کسب مدال فتح نائل شده‌اند، آثار منتشر شده آنها را نیز ارائه کند.

سرهنگ بوربور با بیان این که علاوه بر انتشارات ارتش، بخش‌های دیگری نیز داریم که در زمینه نشر فعالیت دارند عنوان می‌کند: «در عرصه دفاع مقدس ناشران گوناگونی در سازمان‌ها و نهادها رقابت سالمی دارند که انتشارات ارتش یکی از آنهاست. انعکاس و انتقال آنچه در دفاع مقدس گذشت، به نسل‌های آینده از وظایف ماست و در این راه استفاده از مکتوبات یکی از بهترین راه‌ها به شمار می‌رود.»

وی در ارزیابی کلی از کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر درباره ارتش و دفاع مقدس به رشته تحریر



وی درباره اهمیت پرداختن به فعالیت‌های ارتش و کتاب‌هایی که درباره دوران دفاع مقدس به رشته تحریر درمی‌آیند، می‌گوید: «علاوه بر علاقه مردم و عموم افراد جامعه که دوست دارند از تمامی رخداد‌های دوران جنگ و دفاع مقدس آگاه شوند، آگاهی از رخداد‌ها، عملیات‌ها و این که کشورمان تا رسیدن به این مرحله چه مصائبی را پشت سر نهاده است، از دلایل تالیف و انتشار این آثارند.» سرهنگ مرئی با بیان این که فعالیت و تالیف در حوزه آثاری نظیر رمان و داستان که غیر مستقیم به فعالیت‌های ارتش جمهوری اسلامی می‌پردازند،

به مناسبت گرامیداشت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران

مانور قلم در نبرد کاغذ و جوهر

بر آثار تخصصی این حوزه، به نشر کتاب‌هایی برای مخاطبان عمومی نیز همت می‌گمارد که اغلب آثار راهبردی و در زمینه‌های استراتژیک اند.

سرهنگ مرئی با بیان این که اغلب این آثار علاوه بر سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، کاربردهای نظامی نیز دارند، عنوان می‌کند: «در حوزه عملیات روانی نیز برای نظامیان، مدیران و عموم مخاطبان آثار جامعی را تدوین و منتشر می‌کنیم که از آن میان می‌توان به کتاب‌های «عملیات روانی و تبلیغات» و «عملیات روانی در سیره نبوی و علوی (ع)» اشاره داشت.

نیازسنجی از وضعیت جامعه و توجه به تغییر و تحولات جهانی به ویژه اقداماتی که دشمن در زمینه جنگ نرم آغاز کرده است، از عرصه‌هایی اند که ناشران و نویسندگان ارتش با نگاه ویژه استراتژیکی به آنها می‌نگرند و برای مخاطبان خاص و عام خود، دیدگاه‌های متنوعی را ارائه می‌دهند که بر پایه علم و روایات استوارند.

مدیر نشر دافوس، حوزه دفاع مقدس را از زمینه‌های عمده کاری ناشران ارتش می‌خواند و می‌افزاید: «در این حوزه می‌توان کتاب «حماسه سرزمین خورشید» نوشته سرنا کیانی را نام برد که در آن تمامی عملیات‌های دفاع مقدس به طور مختصر همراه تاریخچه‌ای از جنگ و عملیات نیروهای مختلف برای عموم مردم تشریح شده‌اند.»

فرهاد طلوعی: ۲۹ فروردین ماه، روز ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی است. در این گزارش بر آنیم تا با نگاهی به انتشارات فعال این عرصه و حوزه‌هایی که در آن قلم فرسایی شده است، از آنچه در این وادی می‌گذرد، تصویری مکتوب ارائه کنیم.

ارتش جمهوری اسلامی ایران که از مهم‌ترین ارکان دفاعی و حفاظتی این سرزمین به شمار می‌رود، از تالیف کتاب و برقراری ارتباط با حوزه چاپ و نشر غافل نبوده است و با استفاده از مراکز و موسسات نشر و همت حافظان ایران، گوشه‌هایی از زحمات و تلاش این نهاد را برای حفظ و حراست ایران عزیز بر سطرهای کاغذ به ودیعه می‌نهد.

در این حوزه می‌توان به انتشارات دافوس آجا (انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران)، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی، انتشارات دانشکده افسری امام علی (ع)، انتشارات ایران سبز (وابسته به هیأت معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی) انتشارات حفظ آثار دفاع مقدس و ... اشاره کرد.

از این میان، سراغ انتشارات دافوس آجا که با مدیریت سرهنگ سید مجتبی مرئی اداره می‌شود، می‌رویم. این مرکز در حوزه تاکتیک‌ها، علوم و فنون نظامی فعالیت دارد و براساس برنامه‌های آموزشی که در سطوح کارشناسی ارشد دارد، علاوه



مروری بر فراز و فرودهای کتاب‌های درسی در سال ۸۹-۱۳۸۸

تغییرات فراوان برای محتوای بهتر



طراحی و تدوین برنامه درسی ملی، گامی اساسی در راستای تحول در آموزش و پرورش است. عنصر برنامه آموزشی و درسی، نظام معلمي و تربیت نیروی انسانی، مهمترین مولفه‌هایی اند که در برنامه درسی ملی به آن توجه شده است و در صورت مناسب بودن، باید در کتاب‌ها نیز نمود پیدا کنند.

سال تحصیلی ۸۹-۸۸ از سال‌های پر تغییر در متون کتاب‌های درسی به شمار می‌آید. کارشناسان و مولفان کتاب‌های درسی در این سال فعالیت زیادی را انجام داده، برخی از کتاب‌ها به صورت جدید التالیف و برخی با اصلاحات زیاد همراه شدند. همچنین جلسات نقد و بررسی زیادی نیز از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی برگزار شد. حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش، درباره رویکرد اصلی تغییر کتاب‌های درسی گفت: کتاب‌های درسی باید با ساختار جدید نظام آموزش و پرورش هماهنگ و متناسب‌سازی شوند. بنابراین بر اساس تغییرات کنونی، محتوای کتاب‌ها نیز تغییر خواهند کرد.

بهرام محمدیان، رئیس سازمان برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، یکی از مشکلات کنونی کتاب‌های درسی را عدم تطابق آن با موازین دینی دانست و یادآور شد: متأسفانه همه کتاب‌های درسی بر اساس موازین دینی تألیف نشده‌اند و در این زمینه اشکالاتی وجود دارد. ارتقا، تقویت آموزشی، توسعه مشارکت همه جانبه، بهسازی منابع انسانی و ارتقای جایگاه علمی، تربیتی آموزش و پرورش و بهبود کیفیت خروجی‌های آن، مورداهتمام برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی اند.

بخوانیم و بنویسیم

از جمله دروسی که در این سال تحصیلی دچار تغییر و تحول شد، کتاب‌های فارسی «بخوانیم و بنویسیم» دوره ابتدایی بود. این کتاب‌ها در زمینه تصویرگری، گرافیک و خط و نزدیک کردن آن به عناصر هویت ایرانی، بهسازی شدند.

در این باره «دکتر فاطمه رمضانی» معاون برنامه‌ریزی دوره ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، با ابراز امیدواری از تغییرات کتاب‌های درسی سال ۸۹-۸۸ اظهار داشت: این تغییرات و یکسان‌سازی الگوهای تألیفی کتاب‌های درسی، در سایه تشکیل منظم و مستمر شورا و حضور هماهنگ نمایندگان و کارشناسان، محقق شد.

حسینی، مدیرکل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی نیز عنوان کرد: کتاب «بخوانیم و بنویسیم» اول تا پنجم ابتدایی از لحاظ خط تحریری و تصویرسازی با تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سال جدید عرضه شده است.

قرآن کریم در مدارس ابتدایی

دکتر حجة الاسلام بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تصریح کرد: ارتقای سطح آموزش قرآن کریم در پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی، برای توانمندسازی دانش‌آموزان در قرانت قرآن در دوره ابتدایی است. متأسفانه تاکنون دانش‌آموزان بعد از فارغ‌التحصیلی نیز برای قرانت و روان‌خوانی قرآن کریم با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند که با آسیب‌شناسی این بخش، افزودن بر ساعات درس قرآن و پرهیز از پراکندگی این درس، امیدواریم روخوانی و روان‌خوانی دانش‌آموزان بهبود یابد.

وی در این باره توضیح داد: این طرح سال ۸۷ در ۳۰ درصد مدارس ابتدایی اجرا شد. سال ۸۸ نیز با رفع کاستی‌های موجود ۷۰ درصد کلاس‌های سوم ابتدایی تحت پوشش طرح آموزش قرآن قرار گرفتند

مختلف شورای عالی انقلاب انجام شده‌اند. اکنون با ایجاد و راه‌اندازی شورای نشر و بررسی پژوهش‌هایی که برای انتشار ارسال می‌شوند، نشر عمومی این آثار پیگیری می‌شود.»

حامد فتحعلی‌خانی رئیس اداره انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به این که دبیرخانه عالی شورای انقلاب فرهنگی علاوه بر نشر و کتابخانه تخصصی خود در سطوح گسترده‌تر و در وادی سیاستگذاری نقش اصلی خود را ایفا می‌کند، عنوان می‌دارد: «با وجود آن که در کارنامه سال قبل خود انتشار ۳۰ عنوان کتاب را به ثبت رسانده‌ایم، در رویکردهای جدید، چاپ و انتشار پژوهش‌هایی در نظر گرفته شده‌اند و انتشار مجموعه گزارش‌هایی از هیأت نظارت و ارزیابی علمی و فرهنگی زیرمجموعه‌ها را در دستور کار داریم.»

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای کارشناسی هرچه بهتر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۵ با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد و همچنان زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی، تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غربزدگی از فضای فرهنگی جامعه، تمهیم سواد، تقویت و بسط روح تفکر و علم‌آموزی و تحقیق و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال علمی و فرهنگی، حفظ و احیاء و معرفی تالیفات و آثار اسلامی و ملی، همراه نشر افکار و آثار فرهنگی انقلاب اسلامی و ایجاد و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به ویژه با ملل اسلامی، از اهداف اصلی تشکیل این شورا به شمار می‌آید. این شورا ۱۳ عضو حقوقی و ۲۲ عضو حقیقی دارد. اعضای حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی را افرادی نظیر دکتر محمود احمدی‌نژاد، صادق لاریجانی، سید عزت‌الله ضرغامی، سید مهدی خاموشی، منیره نوبخت، سید شهاب‌الدین صدر و ... تشکیل می‌دهند.

درآمده اند، می‌گوید: «باید در حوزه‌های مان نویسی و داستان‌های بلند فعالیت بیشتری داشته باشیم چرا که پیش از این در حوزه روزنامه‌نگاری تحمیلی و داستان‌های کوتاه اقدامات متعددی صورت گرفته، اما از آنجا که تأثیر آثار غیرمستقیم و ماندگاری آنها بیشتر است، باید به این قالب‌ها نیز توجه شود.»

علاوه بر رخدادهایی که ارتش در آن سهم عمده‌ای داشته است یا وقایعی که تنها به این تشکیلات مرتبط می‌شود، آگاهی از دستاوردهای ارتش و فعالیت‌های جاری آن نیز از موضوعاتی به شمار می‌آیند که می‌توانند دستمایه تالیفات متعددی شوند.

در این باره، مدیر انتشارات ارتش معتقد است: «پیگیری و معرفی فعالیت‌های جدید بر عهده روابط عمومی هاست. آنها از طریق فیلم و سریال و نشریات متعددی که داریم، به نشر این اخبار می‌پردازند که از این میان می‌توان به چهار ماهنامه این تشکیلات نظیر نشریه صف، نشریه ذوالفقار، خانواده ارتش و نشریه سرباز اشاره کرد.»

در نگاهی کلی به این نتیجه می‌رسیم که به دلیل حساسیت کار نیروهای ارتش و سهم عمده‌ای که در پایداری نظام جمهوری اسلامی دارند و همگان، به مثابه نمادی از قدرت آنها را می‌ستایند، آگاهی از فعالیت‌ها و پیشینه اقدامات این تشکیلات علاوه بر متخصصان و افرادی که در این وادی به طور حرفه‌ای اشتغال دارند، برای عموم مردم به ویژه کودکان و جوانان از جذابیت‌های خاصی برخوردار است.

مهارت‌های زندگی» نیز برای فرهنگیان تألیف شده و از سال جدید در مدارس توزیع خواهد شد.

زبان جدید برای دوره راهنمایی

از جمله کتاب‌هایی که برای سال تحصیلی ۸۹-۹۰ جدید التالیف خواهند بود، کتاب زبان انگلیسی دوره راهنمایی تحصیلی است.

عفت‌السادات شهرتاش، کارشناس مسوول درس زبان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، در این باره گفت: کتاب‌های زبان انگلیسی در آینده با برنامه درسی ملی همسو خواهند شد. با توجه به این که دو دهه از تدوین کتاب‌های زبان انگلیسی دوره راهنمایی می‌گذرد، جلسات زیادی در وزارت و شورای عالی آموزش و پرورش برای آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی تشکیل شده‌است. یکی از مشکلات کنونی کتاب‌های درسی زبان در کشور، ترویج آموزش صرف ترجمه از زبان‌های مختلف است. آموزش زبان باید دوسویه شود و کتاب‌های درسی با نگاه جامع و کامل، دایره‌المعارفی از مفاهیم اصلی و معانی فرهنگ ایرانی-اسلامی تألیف شوند.

الهام باسرخ، سرگروه کمیسیون ارزشیابی شهرستان‌های استان تهران و سرگروه زبان انگلیسی مناطق نیز تصریح کرد: با توجه به اهمیت نقش معلم در آموزش زبان خارجی، با تغییر کتاب‌ها، شیوه تدریس معلمان نیز تغییر خواهد کرد. ساختار جملات باید به صورت ناخودآگاه از سوی دانش‌آموز یاد گرفته شود. بهترین روش آموزش زبان در ابتدا، شنیدن و صحبت کردن صرف و سپس نوشتن و گرامر است. همچنین نیاز به وجود کتاب کار نیز برای دانش‌آموزان احساس می‌شود.

معصومه نجفی، کارشناس گروه پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، یکی از مشکلات کنونی کتاب‌های زبان را تصاویر آنها دانست.

همچنین، محمد مهدی ناصری کارشناس مسوول گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، از تغییر کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ خبر داد. وی با بیان این که «کتاب جامعه‌شناسی سال سوم دبیرستان در سال تحصیلی جدید تغییرات ویرایشی و جزئی خواهند داشت» تصریح کرد: «البته برنامه مفصل مطالعات اجتماعی برای پایه‌های سوم دبستان تا پایان دوره راهنمایی، اکنون در حال بررسی است.»

و امسال تمامی کلاس‌ها در همه مقاطع، مورد پوشش طرح قرار خواهند گرفت. همچنین برای اجرای طرح بهسازی نیروی انسانی، سه کتاب راهنمای معلم برای درس هنر، قرآن کریم و هدیه‌های آسمانی نیز تألیف شده‌اند.

ریاضی دوره متوسطه

دیگر منبع آموزشی که در سال جاری دچار تغییر و تحول شد، کتاب‌های ریاضی دوره متوسطه بودند. در این باره دکتر وحید عالمیان، کارشناس مسوول دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، با اشاره به این که کتاب‌های جدید ریاضی برای رشته‌های تجربی، ریاضی و فنی و حرفه‌ای تألیف شده‌اند، گفت: کتاب ریاضیات باید پاسخگوی ذهن فعال دانش‌آموزان باشد و انگیزه کافی برای مطالعه آن‌ها را فراهم کند.

وی درباره کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی توضیح داد: کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی نیز اوایل دهه ۶۰ نگاشته شده‌اند که پس از آن چندین مرتبه اصلاح به صورت جزئی، بازنویسی و با رویکردهای جدید همراه شدند.

حجت‌الاسلام علی صادقی میاب، معاون دوره راهنمایی تحصیلی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، درباره مشکلات کتاب‌های ریاضی دوره راهنمایی تصریح کرد: اکنون باید فرهنگ تربیتی و بومی در کتاب‌ها نهادینه شود، در حالی که تصاویر کتاب‌ها از دانشمندان ایرانی خالی است. کتاب‌های درسی به عنوان سند ملی در تمامی دنیا مطرح‌اند، بنابراین تغییرات آن نیز باید هماهنگ با دیگر بخش‌ها صورت گیرد.

به گفته وی، کتاب راهنمای معلم «آداب و

شهرتاش: آموزش زبان

باید دوسویه شود

و کتاب‌های درسی با نگاه

جامع و کامل، دایرةالمعارفی

از مفاهیم اصلی و معانی

فرهنگ ایرانی - اسلامی

تألیف شوند



شعر سهراب سپهری، دعوت به فضای فراسو و بازیافتن دوست غایب است. کمتر کسی است که شعر سهراب را خوانده باشد و روزنه‌ای به جهان شهودی نیافته و تنفس ظریف اشیاء را حس نکرده باشد. اما همین شعر در جاهایی خوانندگان آگاهش را برمی‌آشوبد؛ آن گونه که از خواندن شعر سپهری دست کم برای مدتی دست می‌شویند. با این حال، هیچ منتقد منصفی کتمان نمی‌کند که بعضی از اشعار سپهری میراث درخشان شعر فارسی است. در آستانه سی‌امین سالمرگ شاعر «هشت کتاب»، با مرتضی کاخی درباره جاذبه و دافعه شعر سهراب به گفت‌وگو نشستیم.

گفت‌وگو با مرتضی کاخی درباره شعر سهراب سپهری به مناسبت سی‌امین سالمرگ شاعر

شعر سپهری، جهانی و انسانی است



هم ریختن خانواده کلمات و ترکیب تصادفی آنها به مجموعه بيشماري استعاره و مجاز و حتی تمثیل دست می‌یابد؛ بی‌آنکه درباره هیچ‌یک آنها از قبل اندیشه و حس و حالتی و تأملی داشته باشد. دقیقاً مثل کسی که دارد جدول کلمات متقاطع روزنامه‌ای را حل می‌کند و همزمان با پر کردن خط افقی جدول متوجه می‌شود که سر و کله کلمات روی خط عمودی پیدا شده است. به زعم این منتقدان، از جمله شفيعی کدکتي، این نوع شعر یک بیماری فرهنگی است که حاصل نسل خردگريز است. نظر شما در این باره چیست؟

این مهم‌ترین سؤالی است که می‌شود درباره شعر سپهری مطرح کرد. در شعرهای اولیه سهراب این نوع شعر به چشم نمی‌خورد. حتی در «صدای پای آب»، «حجم سبز» و شعرهای خوب دیگر سهراب این موضوع به چشم نمی‌خورد، اما مقدمات این نوع شعر فراهم شده است: «تاطلوع انگور چند فرسخ راه است» و «دل خوش سیری چند» یعنی شکستن نظام طبقاتی کلمات و از نظمی به نظم دیگر پریدن؛ با این حال این شعرهای سپهری به دل می‌نشینند. اما در کتاب «اما هیچ، ما نگاه» که راجع به آن حتی منتقدان آگاه هم کم حرف زده‌اند، شعرهای سهراب جدولی شده است. او دانسته یا ندانسته - در کارهای اجتماعی دانسته یا ندانسته فرقی نمی‌کند و در هر دو حالت فرد مقصر است - سرود یاد مستان داد و آتانی که مایه ندارند این نوع شعر سرودن را یاد گرفتند و مشغول بافتن شعر شدند و از تعجبی که با شکست طبقاتی کلمات ایجاد می‌شود، لذت می‌برند. این شعر بی‌صاحب و بی‌پدر و مادری که امروزه بعضی از جوانان می‌گویند و با پول خودشان به اصرار چاپ می‌کنند، حاصل همین نوع شعر و شاعری است. این نوع اشعار باعث شده حتی مردم شعر خوب را نخوانند و ناشران هم شعر خوب را چاپ نکنند. این نوع شعر در تصنیف هم رسوخ کرده و سلیقه و ذائقه مردم را تغییر داده است و به این سادگی نمی‌شود با آن مبارزه کرد.

پس از آن‌جا که بخش عمده‌ای از شاعران جوان تحت تأثیر سهراب به سرودن شعرهای جدولی پرداختند، می‌شود گفت که سهراب خواسته یا ناخواسته در انحراف شعر معاصر فارسی مقصر است!

قطعاً ناخواسته بوده و قطعاً شاعران بزرگ دیگری در نقاط مختلف دنیا این تجربه‌ها را انجام داده‌اند. اما این نوع شعر در هیچ جای دنیا جا نمی‌افتد و جای نگرانی نیست. مطمئن باشید زبان فارسی به راه خودش ادامه می‌دهد و هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. امکان ندارد زبانی که بر دهان فردوسی، حافظ و مولانا جاری شده، آسیب ببیند.

و کنار هم می‌چینند. عظمت‌های حقیر زمانه را خوش نفرین می‌کند اما از کنار حقارت‌های عظیم با یک نوع بلندنظری اشرافی می‌گذرد. سپهری مثل شعرش نرم و بی‌آزار و آرام است. سپهری به انتها درجه روانی، بی‌پیرایگی، لطافت، زیبایی، فساد ناپذیری و ضدیت با ابتذال رسیده است. خود او چون صبح صادق و شعرش چون خود او است. بیش از هر شاعر دیگری، غیر از فروغ، در شعرش حاضر است و شعرش در آن ته‌نشین شده است. با این همه، شعر او را اندکی لوکس، ناپهنگام و باغ تفرج می‌بینم. وقتی «حجم سبز» را می‌خوانم، هیچ شعر دیگری را دوست نمی‌دارم و به برتولد برشت دشنام می‌دهم که به چه اجازه‌ای برای ذوق و شوق دیگران تکلیف تعیین کرده و خط و نشان کشیده است. (برشت می‌گوید: در این دوران سخن گفتن از زیبایی تقریباً جانی است.) اما وقتی از آن حال باز آدمم و قضایا حالی‌ام شد عهد می‌کنم تا مدتی شعرهایش را نخوانم. من آرزوی روزی را می‌کنم که شعر، شعر سپهری باشد و بس. و به اشعار بنی بشر دیگری نیاز نباشد.»

خیلی جالب است، این احساس دوگانه‌ای را که شما نسبت به شعر سپهری داشتید، برای اغلب خوانندگان شعر سپهری هم اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد نوجوانان و جوانان (نمی‌خواهم بگویم دختران جوان) بیشتر طرفدار شعر سپهری اند. شاید دلیلش، سوازی نشان دادن زیبایی‌های زندگی، ویژگی‌های زبانی شعر سپهری است؛ این‌که او همه چیز را برای خواننده‌اش ساده و روان می‌کند و انگار فقط به فکر لذت بردن اوست.

من با قسمت اول حرف تان هم موافقم اما نظرم دقیقاً این نیست. درباره این‌که می‌گویید علت این امر ویژگی‌های زبان سپهری است، باید بگویم که به هر حال شعر چیزی است که در زبان اتفاق می‌افتد و هر شاعری با زبان خاص خودش می‌تواند در شعرش حرف‌هایش را بزند و ساکت نماند. اما همانطور که گفتیم سهراب یک شاعر ایده‌آلیست تصور می‌شود و آن روزهایی که مردم را در خیابان می‌کشند، درد سهراب این بود که چرا هیچ‌کس زاغچه‌ای را لب دیوار جدی نمی‌گیرد. لطافتی که سپهری داشت بارانی بود که در یک کویر می‌بارید. اما در هوای کویر، که فقط به این فکر می‌کنید زنده بمانید تا فرار کنید، این حرف‌ها چقدر قشنگ است؟ به همین دلیل، الان برای راحت کردن خودم می‌گویم سپهری یک شاعر جهانی بود، خطایش انسان و انسانیت و اخلاق انسانی بود. می‌گفت مسائل اجتماعی و سیاسی روز را بگذاریم کنار. ما باید انسان خوبی باشیم. او در مورد خوبی و آرامش و محبت می‌گفت ولی آن زمان این چیزها نبود و حتی چندان جای آرزو کردنش هم نبود. ما فقط می‌گفتیم مردم را نکشید، خرخره مردم را فشار ندهید. اما حالا فکر می‌کنم سهراب چه جامعه قشنگی را توصیف کرده بود. برای ساختن یک جهان خوب و پاکیزه دلم می‌خواهد روزی برسد که شعر فقط شعر سپهری باشد.

بعضی از منتقدان شعر سپهری معتقدند که این شاعر در اغلب اشعارش مثل: «خیالی می‌کردیم/ میان متن اساطیری تشنج ریاس/ شناوریم» از «شعر جدولی» بهره‌برداری اسرافکارانه می‌کرده و توصیفی که از «شعر جدولی» می‌دهند این است که شاعر آن از به

ولی بعضی وقت‌ها که می‌بینم سپهری هیچ اشاره‌ای به جور زمانه نکرده است، تا مدت‌ها کتاب او را نمی‌خوانم.»

سهراب می‌گوید زندگی قشنگ هم هست؛ نگاهش کن. الان فکر می‌کنم که سهراب اولاً دروغ نگفته و شعاری نداده که خودش اصلاً دنبالش نباشد. دوم اینکه شعر او یک شعر انسانی است. هر جا انسان باشد و به حرمت انسانیت اهمیت بدهد، شعر سهراب سپهری هم هست.

یکی از ویژگی‌های شعر سپهری، عصیان علیه تمدن و بازگشت انسان به سوی طبیعت است که به انحاء و عبارات مختلف در شعر او دیده می‌شود. این دلستگی به طبیعت، در سلوک خود شاعر هم بوده است، به طوری که اواخر عمرش به کاشان برگشت و در آنجا زندگی می‌کرد. این طبیعت‌گرایی که سپهری آن را به اوج رساند، آیا در ادبیات فارسی، چه کهن و چه معاصر، سابقه‌ای داشته است؟

اینکه سهراب طبیعت‌گرایی را در ادبیات فارسی به اوج رسانده بود یا نه، می‌شود کنار گذاشت؛ یعنی اندازه‌گیری نکنیم. اما اگر طبیعت‌گرایی را در ادبیات فارسی بررسی کنیم، به شعر خیلی از شاعران از جمله گلچین گیلانی می‌رسیم. خود نیما هم طبیعت‌گرا بود. ولی سهراب از طبیعت‌گرایی منظور خاصی دارد. البته وقتی کتاب «مرگ رنگ» و کتاب‌های اولیه سهراب را که قبل از «هشت کتاب» منتشر شدند، می‌خوانید زیاد طبیعت‌گرایی ندارد. تصور سهراب در شعر، یک تصور نقاشانه است، حتی گاهی گرفتار شعر آبستره می‌شود، مثل نقاشی آبستره.

عجیب است که من در هیچ یک از نقاشی‌های سهراب، یک آدم ندیدم. همه طبیعت است؛ تنه درخت، گیاه و اینطور چیزها. نمی‌خواهم از این نتیجه‌ای بگیرم، اما نمی‌خواهم بی‌نتیجه هم بمانم. بهتر می‌دانم که اینجا بخشی از همین کتاب «روشن‌تر از خاموشی» را که ۲۲ سال پیش منتشر شد بخوانم. آن روزها سال‌های زیادی از مرگ سهراب نمی‌گذشت و شهرتش در اوج بود و کسی نمی‌توانست قداست او را بکاهد. «سپهری شاعر دلتنگی و تنهایی است و خود دلتنگ و تنها. گویی مرغی است که آشنایش را برای ساختن برچی از سیمان و فولاد در هم ریخته‌اند و او با خاطری آزرده و آوایی ظریف و معصومانه و حق به جانب یاد ایام شکوه و فخر و عصمت را مز موزه می‌کند. او یکی از نمونه‌های برجسته شعر نوستالژیک را به دست داده است. شعرش ظریف و لطیف است اما چندان که باید و شاید غریب نیست. شورانگیز است اما چندان شعورانگیز نیست. سپهری مثل یک کدبانوی نظیف و باضبط و ربط، آحاد و افراد شعرش را انتخاب می‌کند

سپهری یکی از نمونه‌های برجسته شعر نوستالژیک را به دست داده است. شعرش ظریف و لطیف است اما چندان که باید و شاید غریب نیست. شورانگیز است اما چندان شعورانگیز نیست

آقای دکتر، شما در جایی گفته‌اید که سهراب یکی از چهار شاعری است که نسبت به نیما یوشیج، بلافصل‌اند. می‌شود به رابطه سهراب و نیما پردازید و اینکه سپهری چه طور میراث‌خوار نیماست؟

من کلمه «میراث‌خوار» را به کار نبرده‌ام؛ چون این کلمه بیشتر در امور سیاسی و اقتصادی به کار می‌رود. اما اگر بخواهیم بگوییم چه چیزهایی از نیما برای سپهری مانده، اول از همه باید به زبان متفاوت در شعر اشاره کنیم. نیما دیگر تعبیرات و تشبیهات کلاسیک را به کار نمی‌برد در این زمینه نوآوری‌هایی انجام داد. دوم، تصویر و تفکر است. مهم‌ترین پیام شعر نیما این است که می‌گوید شعر باید ابژکتیو باشد. شعر سوژکتیو که شاعر پیش خودش تصورات ذهنی کند، فایده‌ای ندارد. شعر باید برای شاعر اتفاق افتاده باشد. «من قایم نشسته به خشکی...» یا «آی آدم‌ها» یا بقیه شعرهای نیما، همه برای او اتفاق افتاده است. ولی او مثل یک خبرنگار، وقایع را عیناً نمی‌نویسد؛ ابداً. نیما این وقایع را درونی می‌کند. یعنی این ابژکتیو به عینیت، به سوژکتیو به ذهنیت شاعر تبدیل می‌شود و شاعر بر اساس آن، شعر می‌گوید. یکی هم سبک شاعری نیماست؛ سهراب از وزن شکسته‌ای که نیما پیشنهاد کرده بود، استفاده کرد. البته قبل از نیما هم این موضوع پیشنهاد شده بود ولی جا نیفتاده بود. نیما این کار را تئوریزه و به نظریه تبدیل کرد. در بعضی جاها نیما قافیه را هم به کار می‌برد. همانطور که اخوان و شاملو هم این کار را کرده‌اند، اما شعر سهراب تفاوتش این است که قافیه ندارد. البته سهراب در اوایل عمرش شعر کلاسیک مثل قصیده می‌سرود، ولی در شعر نو این ترس را دارد که شاید قافیه او را به پراکنده‌گویی بکشاند. چون برای قافیه، شاعر باید کلمات و چیزهایی بیآورد که به این قافیه ختم بشود و رعایت کردش کمی گرفتاری دارد. سهراب آزادانه تر شعر می‌گوید؛ یعنی ضرباهنگ و موسیقی بیرونی شعر را، که وزن باشد، رعایت می‌کند. اما به موسیقی میانی شعر عقیده ندارد و عمل نمی‌کند. در عین حال به موسیقی درونی، یعنی هم‌نشینی کلمات، ملتزم است.

جز این، شعر سهراب با شعر نیما تفاوت دیگری ندارد؟

چرا، یک تفاوت دیگر هم هست. نیما مسائل اجتماعی دوران خود را به صورت سمبلیک [=نمادین] در شعر خود بیان کرده است. مثلاً «من قایم نشسته به خشکی...» یک مسئله سیاسی است ولی در عین حال نیما نمی‌خواهد صریحاً شعر سیاسی بگوید. ممکن است ترس از داغ و درفش بوده باشد. شاعر که نگفته من پهلوام، ممکن است هم نیما پیش خود گفته باشد لزومی ندارد من این کار را بکنم، همین که شعر مرا اهل اصطلاح و اهل اشاره می‌فهمند، کافی است و می‌دانند وقتی من، اینجا، در این دوره، این قدر از سیاهی شب حرف می‌زنم، منظورم چیست. اما سپهری به این صورت سراغ مسائل اجتماعی نرفته است. او شعر ملایم‌تری بیان کرده است؛ مگر در چند غزلی که گفته. البته سال ۶۶ -هنگاهی که جوان بودم- وقتی کتابم با نام «روشن‌تر از خاموشی» منتشر شد، عقیده‌ای داشتم که امروز دیگر به آن معتقد نیستم. در مقدمه این کتاب نظرم را در مورد همه شاعران گفته‌ام؛ در مورد سپهری هم. خلاصه‌اش این است که می‌گویم: «بعضی وقت‌ها که شعرش را می‌خوانم خیلی لذت می‌برم،



علیرضا بهرامی که پیش از این اولین مجموعه شعرش با عنوان «تا آخر دنیا برایت می نویسم» در قالب غزل منتشر شده بود، این بار مجموعه اشعار سپیدش را با عنوان «وقتی که برف می بارد» توسط نشر آموود روانه بازار کتاب کرده است. وی در این مجموعه اشعار غنایی خود را گردآورده است.

دلتنگی های بهرامی در «وقتی که برف می بارد»

شعر، قالب خودش را انتخاب می کند

دلیل اینکه این مفاهیم کلیشه ای شده و این خطر وجود دارد که اثری تکراری با مفاهیم کهنه خلق شود، برای بیان این مفاهیم شعر سپید را مناسب یافتیم.

شما در شعرهایتان علاقه ای به بازی های زبانی ندارید و با زبانی ساده و روان شعر می گوید. از این نمی ترسید که بگویند شعرهایتان برای مخاطب عام است؟

این موضوع، هم دلیل کلی دارد و هم دلیل جزئی. دلیل جزئی این است که من با این نوع شعر گفتن راحت تر هستم و از آن لذت می برم. اما دلیل دیگر این است که می خواستم از شاعرانی که در قرون گذشته سیر می کنند و با استفاده از واژگان دشوار دنبال تشخیص می گردند، بری باشم. شاید بعضی از بزرگان ما اغلب فکر می کردند تشخیص یافتن یعنی دوری از زبان کوچه و بازار. اما بازی های زبانی و کلامی تا زمانی که اعتدال را حفظ کنند به زیبایی شعر کمک می کنند و کاربرد افراطی آن که همواره از آن دوری جستهم، موجب می شود، مخاطب عادی شعر از شناخت آن عاجز شود.

لطفا کمی درباره مجموعه شعر سومتان؛ (اصلا مهم که نیست) توضیح بدهید.

این مجموعه شامل شعرهای نیمایی و شعرهای سپید بلند است که در شعرهای نیمایی این مجموعه برخلاف اشعار نیمایی، غلبه وزن عروضی دیده نمی شود.



است. بیشتر در سرودن غزل سعی می کنم به زبان عامه و محاوره نزدیک باشم و به همین دلیل این ویژگی در محتوا نیز بازتاب پیدا کرده است. اما زمانی که این غزل ها را می سرودم بهانه تغزلی نداشتم، اگر هم بهانه ای بوده، اتفاق ناگواری بوده و من خواستم حس و حال درونی ام را بیان کنم و قالب غزل برای این بیان انتخاب شده. البته برخی معتقدند شعر قالب خودش را انتخاب می کند. مثلاً غزل به دلیل پیشینه تغزلی اش، قالب مناسبی است برای بیان مفاهیم عاشقانه. اما به

نیز بازتاب پیدا کرده است. من همواره سعی کرده ام دو نکته را در شعرهایم رعایت کنم؛ اول اینکه اگر بیان مذهبی دارم بر اساس صداقت و یقین قلبی باشد. دیگر اینکه استفاده از آنها بر اساس نکات زیباشناسی باشد. چرا که انسان یک فطرت زیباشناسانه دارد و سعی می کند سخت ترین لحظه های زندگی اش را با بیانی زیبا و دلنشین بیان کند. این یک پارادوکس است، یعنی ما سخت ترین لحظه ها را در شعر به گونه ای بیان می کنیم که مخاطب از خواندن لذت می برد. از ویژگی های بارز این مجموعه درونمایه تغزلی آن است و برخلاف مجموعه شعر اولتان که به موضوعات گوناگون، آن هم در قالب غزل پرداخته اید، در این مجموعه به چیزی جز عشق و دلتنگی نمی پردازید. دلیل این انتخاب چه بود؟

در مجموعه اول با وجود اینکه در قالب غزل منتشر شده اما شعرهای عاشقانه کمتر است و بیشتر مباحث اجتماعی محور معنایی آن را تشکیل می دهد. اما در نغدهایی هم که بر شعرهای مجموعه اول نوشتند از من به عنوان شاعر لحظه های دلتنگی و انتظار نام برده اند. حتی در برخی از نغدها گفتند که در بطن غزل ها، جنبه های اعتراضی نهفته است. من خیلی به این مسائل فکر نکرده ام چون شعر گفتن من بیشتر جوششی است. البته یک شاعر حرفه ای، سعی می کند نسبتاً تعادلی میان جنبه های کوششی و جوششی اش برقرار کند. بنابراین در تغزلی شدن شعرها تعمد نبوده

چطور شد که به جای چاپ اشعار در قالب های گوناگون، در مجموعه اول غزل هایتان و در مجموعه دوم اشعار سپیدتان را منتشر کردید؟

علت خاصی نداشتم. می خواستم مجموعه شعرهای چاپ می شود، شبیه کسکول ها که همه قالب های شعر را در خود دارند، نباشد. البته اولویت دادن به غزل در مجموعه اول، به این دلیل بود که سابقه بیشتری در سرودن غزل داشتم و کارم را با سرودن شعر کلاسیک آغاز کرده ام. بنابراین مجموعه اخیر تقریباً مکمل مجموعه قبلی است و زمانی حاصل ۱۵ سال تجربه شعری ام تکمیل می شود، که شعرهای نیمایی و سپید در مجموعه ای که آماده انتشار است، منتشر شود.

در این مجموعه شعر یک سری از مفاهیم مذهبی مثل لحظه های انتظار، پرننگ است. البته تلاش شده این حالات در بطن شعرها پنهان شود. برداشت شما در این خصوص چیست؟

در شعرهای من هیچ اصراری بر نمایاندن تفکرات مذهبی به چشم نمی خورد. یعنی نه اصراری بر استفاده از مولفه ها و تمایلات مذهبی شعر دارم و نه به دنبال تکذیب مذهبی بودن آنها هستم. اگر چنین برداشتی از شعرهایم می شود به این دلیل است که فکر می کنم یک سری از مفاهیم، زبان مشترک بشری است که مذهب نیز یکی از این مفاهیم مشترک است و اگر این مفاهیم در زندگی من پرننگ است بنابراین در شعرهایم

این مجموعه با آنکه در قالب داستان کوتاه منتشر شده اما به لحاظ حجم و محتوا به داستانک یا همان داستان های مینی مال شبیه است. فکر نمی کنید «ارواح مرطوب جنگلی» مجموعه داستانی مینی مال است؟

داستانک یا داستان مینی مالیستی اصول خودش را دارد. غیر از کوتاهی حجم که از عناصر قطعی هم به شمار نمی رود، در مینی مالیزم آنچه اهمیت اساسی دارد، استفاده حداقلی از عناصر داستان است، به نحوی که هم افاده معنا کند و هم جایی برای کاستن بیشتر نداشته باشد. در این گونه داستان ها شخصیت پردازی، فضا سازی، لحن و... یعنی همه عناصر داستانی حضور دارند اما در حداقل استفاده! گمان نمی کنم در داستان های مجموعه «ارواح مرطوب جنگلی» چنین اتفاقی افتاده باشد. البته من به استفاده ضروری و بجای عناصر داستانی و پرداخت آنها اعتقاد ویژه دارم.

داستان های این مجموعه به ویژه «مرگ مولف و مولفه و تالیف»، تلاش نویسنده برای رسیدن به فرم تازه را نشان می دهد. فکر می کنید تا چه اندازه در این زمینه موفق بوده اید؟

شکی نیست که فرم برایم اهمیت دارد. فکر می کنم هر داستانی برای روایت به فرم ایده آلش نیاز دارد. در واقع متنی را می توان داستان نامید که فرم مناسب رایافته باشد. از طرفی راجع به هیچ داستانی نمی توانم فارغ از فرم روایی اش قضاوت کنم و این بدان سبب است که فرم را به هیچ وجه فارغ از داستان یا عنصری مضاعف بر آن نمی دانم، بلکه معتقدم فرم تمام داستان است که حتی بخشی از آن. این یک رابطه ارگانیک است که نمی شود از آن چشم پوشید. در مورد داستانی که اشاره کردید «مرگ مولف و مولفه و تالیف» نمی دانم چقدر مجازم توضیح بدهم. همین قدر بگویم که گاه نویسنده آنقدر با یک داستان یا یک ایده کلنجار می رود که در نهایت تمام آن را فنا می کند. در این

محسن حکیم معانی، داستان نویسنده:

نویسنده باید تجربه های متنوعی داشته باشد

«ارواح مرطوب جنگلی» در برگیرنده ۱۳ داستان کوتاه نوشته محسن حکیم معانی است که توسط انتشارات ققنوس منتشر شده. حکیم معانی، نویسنده این اثر، تلاش کرده است با زبانی ساده و روان و تجربه فرمی تازه، هزار توهای پیچیده زندگی انسانی را روایت کند.

داستان، قصه ای شروع می شود اما هیچ وقت به پایان نمی رسد، چون نویسنده روی تک تک کلمات و اصطلاحات جمله اول داستانش مکث می کند و دائماً خودش توضیح می خواهد. در چنین شرایطی نهایتاً یا قصه ای متولد نمی شود یا اگر بشود اثری خالی از توان و تاثیر خواهد بود که اینجا دیگر مرگ همه چیز است. فکر می کنم این نوع نگاه بیشتر به سبب آن است که نقطه شروع نویسنده یک لحظه، تصویر، جرقه یا یک جمله است در حالی که برای نوشتن داستان باید بیشتر از اینها داشت و آن گاه شروع کرد. یعنی نمی شود از یک جرقه یا تصویر صرف قصه ساخت. قصه باید حول محور آن تصویر شکل بگیرد و اتفاق بیفتد.



در حالی که برعکس، خیلی از ما ایرانی ها سنگ بنای قصه مان را بر همان تک تصویر یا جرقه می گذاریم و جمله اول را می نویسیم و جلو می رویم.

خوانش آسان اثر محصول زبان بسیار ساده و روان و تلاش نویسنده برای رسیدن به فرم تازه است. این شیوه برای جذب مخاطب بیشتر به کار رفته است؟

اگر فرم آسان یا پیچیده است به خاطر ساده فهم شدن داستان ها نبوده، بلکه گمان کرده ام این فرم برای روایت این داستان مناسب است. گفتم که داستان رافارغ از فرمش نمی توانم ارزیابی کنم. البته خواننده برایم مهم است و معتقدم خواننده حق دارد

قصه بخواند، نه اینکه دانما با فرم سر و کله بزند. فرم باید متناسب با داستان باشد و در آن حل شود. البته نگاهم به داستان در این سال ها تغییرات زیادی داشته است و این نگاه های متعدد و متنوع در داستان های این مجموعه هم قابل مشاهده است. نمی دانم چقدر حق دارم این حرف را بزنم، اما گمان می کنم این داستان ها از لحاظ فرم هم با یکدیگر تفاوت های بسیار دارند و نمی توان در یک کلام فرم آنها را ساده یا پیچیده خواند.

داستان های شما در این مجموعه از اصول ثابتی پیروی نمی کنند به شکلی که گاهی حادثه محور است که در انتها ضربه اصلی را بر ذهن مخاطب وارد می کند و گاهی موقعیت محور؛ مثل «همیشه سرباز و عصا» که شخصیت در موقعیت های بغرنجی همچون هزار توهای قصه های بورخس به سر می برند. این ناهماهنگی ناخودآگاه بود یا انتخابی؟

بله درست است. داستان ها یک اسلوب واحد ندارند. فضاهای متنوعی هم دارند. زبان ها و نثرهای متنوعی هم دارند. این همه به چند دلیل است. اول این که معتقدم حالات متفاوت داستان ها به حالات متغیر و متفاوت نویسنده ارتباط دارد. دیگر این که به جز دلیلی که بر شمردم، مجموعه حاضر مجموعه ای نیست که داستان هایش ظرف یک سال و دو سال

نوشته شده باشند. این اولین مجموعه داستان من است. من ۳۴ سال دارم و سال هاست می نویسم؛ از دوران دبیرستان. تمام این سال ها فقط نوشته ام و روی هم تلنبار کرده ام. چند تایی در نشریات چاپ شده اند اما کتاب، نه. این مجموعه منتخبی است از آن همه داستان. البته برخی از این داستان ها با دید امروزی من نقص های فراوانی دارند که اگر قرار بود بعضی از آنها را امروز می نوشتم یقیناً اجرای دیگری در کار بود. اما نخواستم آنچه را روزی می اندیشیدم و فکر می کردم درست است، به کلی نادیده بگیرم یا زیر و زبرش کنم. می خواستم این مجموعه، پرونده ای باشد از تمام این سال ها. فکر می کنم پرونده این سال ها را با انتشار یک مجموعه منتخب دیگر ببندم و بروم سراغ کارهای جدید.

حوادث دوران جنگ تحمیلی و اثرات آن بر زندگی مردم، درونمایه اصلی بخشی از داستان های شماست. چطور شد که به این مقوله پرداختید؟

از جنگ متنفرم. جنگ بد است. بدی جنگ را ما خوب می فهمیم. ما؛ یعنی مردمی که هشت سال جنگیده ایم. من این را قبلاً هم گفته ام، نسل ما یعنی متولدین دهه پنجاه را باید بچه های جنگ نامید. این نسل اگر چه حضور مستقیم در جبهه نداشته یا کمتر داشته است، اما جنگ را با گوشت و پوستش درک کرده و حتی می خواهم بگویم جنگ جزئی از ماهیتش شده. یادمان نرفته که مهم ترین بازی دوران کودکی مان جنگ بازی بود و بچه ها تقسیم می شدند به عراقی ها و ایرانی ها، یادمان نرفته که چه افتخاری به حضور پدران و برادرانمان در جبهه می کردیم و اگر هیچ کس را در جبهه نداشتم چقدر سرشکسته بودیم. امن می گویم نسل ما نوستالژی آزیز قرمز دارد. حساب نسل قبل فرق می کند. آنها کارهای بزرگ کردند، انقلاب کردند، جنگیدند؛ اما نسل ما سوخت. هیچ کار بزرگی نکرد که بماند. پاسوز قبلی ها هم شد!



نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

خانواده سالم؛ واقعیت و شاید هم دست نیافتنی

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه ادبیات در دو جلسه جداگانه در حوزه های دفاع مقدس و روانشناسی به بحث و گفت و گو نشستند.

انسانی، امر قابل توجهی در روانشناسی مثبت گراست. ستیر با نگاهی به خود و شرایط پیرامونش اوج گرفت. وی نخستین فردی بود که واژه «مهندسی خانواده» را مطرح کرد که امروز توسط دیگر روانشناسان مطرح می شود. او با ترسیم الگوهای ارتباطی، بحث زبان تن را در چهار الگو مطرح کرد. بحث قوطی کرم هایی که در کتاب مورد توجه قرار گرفته، نشان دهنده روابط درهم تنیده خانواده هاست. افراد در این خانواده ها به جای یکدیگر فکر و احساس می کنند و حرف می زنند. به عنوان مثال این افراد به یکدیگر کمک می کنند، اما هیچ یک جایگاه واقعی و فردی خود را ندارند. نگاه نویسنده این کتاب به این مساله، آسیبی جدی است که اگر روابط در خانواده درهم تنیده بشود، تبدیل به گره ای کور خواهد شد. ستیر اعتقاد دارد که خانواده سالم، هم یک واقعیت است هم یک آرمان و شاید دست نیافتنی. در بحث مثلث های کتاب و سپر بلا شدن، ستیر معتقد است که در خانواده ها به اصطلاح یک نفر «توسری خور» است. این مساله باعث حفظ تعادل می شود، زیرا تمام فشارها بر این فرد وارد می شود و دیگر افراد در امان باقی می مانند. بنابراین، بر اساس نظر نویسنده، افراد برای به دست آوردن مزیتی تلاش می کنند تا با یکدیگر تبانی کنند. لذا، تشبیه مثلث سازی به این معناست که سه نفر در یک رابطه ناسالم قرار دارند، اما هیچ یک به تنهایی قادر به تصمیم گیری نیستند، بنابراین هر کس تابع رفتار دیگری است. ستیر با اشاره به احساس مثلث سازی و تبانی می نویسد: «در میان اعضای خانواده، برخی خودی و برخی غیر خودی محسوب می شوند، بنابراین گاهی عده ای از چیزی خبر ندارند و عده ای از تمامی اخبار خانواده آگاهند.»

به نظر نویسنده، خانواده های باز و بسته، هر دو انتهای افراط و تفریط اند. ستیر تمامی نکات کتاب را به زبان ساده بیان می کند. نقشه خانواده ای که «مینوچین» از بزرگ ترین خانواده درمانگران ساختنی مطرح کرده، واژه ای است که ستیر در کتاب خود طرح کرده است. در حوزه خانواده درمانی تاکنون کتاب های اندکی تالیف شده اند و همیشه تنها نقل قول هایی از افراد مطرح شده و هنوز جای خالی بسیاری در این بخش احساس می شود، بنابراین می توان گفت که پس از ستیر هنوز کتاب های قابل توجهی تالیف نشده اند.

داستان آهنگین است و داستان با موسیقی خاصی شروع می شود. داستان کتاب «طوفان و زنبق» قهرمان زایی ندارد و به جای آن قهرمان زدایی دارد و در واقع از معدود داستان های جنگی است که قهرمان ندارد. همه شخصیت های این داستان قهرمانند. اگر چه این افراد (جانبازان) در جامعه کنونی و از نظر جسمی ناتوانند اما این تضاد و پارادوکس به زیبایی اثر افزوده است.

منیر السادات موسوی، نویسنده کتاب: این اثر ایزودیک است و راوی، دانای کل نیست. نوع پردازش شخصیت های داستان نیز بر اساس همذات پنداری مخاطب با قهرمانان داستان انتخاب شده است. در این کتاب که توسط انتشارات نوآور به چاپ رسیده، خاطرات جانبازان جنگ تحمیلی در ساختاری داستان گونه و به هم پیوسته و در یک آسایشگاه روایت شده اند.

رمان «جنگ و عشق» (اثر برگزیده سومین دوره جایزه کتاب فصل در سال ۱۳۸۶ و جایزه ادبی فردا در تابستان سال ۱۳۸۷)، داستان «پرستوهای بی قرار» (برگزیده نخستین دوره جایزه ادبی یوسف) و «فصل رزهای صورتی» از جمله آثار منتشر شده منیر السادات موسوی اند.



نخستین خانواده درمانگری است که جنبش درمانگری را با دیدگاه مددکاری و مثبت در دنیا راه اندازی کرده است.

باید بتوانیم آموزه های کتاب ستیر را منتقل کنیم. نویسنده در کتاب آدم سازی معتقد است که خانواده جهانی امروز، کارکرد موثری در جامعه ندارد و تقریباً غیر مسوول است. وی در بخش دیگری از کتاب خود بیان می کند: «آرزویم این است که یک شب پنج میلیارد انسان روی کره زمین اصول زندگی مثبت و برابر را یاد بگیرند، البته از زمان تالیف این نوشتار چند سال گذشته و جمعیت کره زمین اکنون بیشتر شده است. به هر حال جای چنین کتابی تاکنون در جامعه ایران خالی بود. کتاب های دیگری نیز از این

نخستین خانواده درمانگری است که جنبش درمانگری را با دیدگاه مددکاری و مثبت در دنیا راه اندازی کرده است.

باید بتوانیم آموزه های کتاب ستیر را منتقل کنیم. نویسنده در کتاب آدم سازی معتقد است که خانواده جهانی امروز، کارکرد موثری در جامعه ندارد و تقریباً غیر مسوول است. وی در بخش دیگری از کتاب خود بیان می کند: «آرزویم این است که یک شب پنج میلیارد انسان روی کره زمین اصول زندگی مثبت و برابر را یاد بگیرند، البته از زمان تالیف این نوشتار چند سال گذشته و جمعیت کره زمین اکنون بیشتر شده است. به هر حال جای چنین کتابی تاکنون در جامعه ایران خالی بود. کتاب های دیگری نیز از این

برنامه این هفته سرای اهل قلم

- سرای اهل قلم خانه کتاب این هفته میزبان برگزاری شش نشست خواهد بود. این برنامه ها عبارتند از:
 - شنبه (۲۸ فروردین): ساعت ۱۷ تا ۱۹؛ نقد و بررسی کتاب روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز و همزمان با آن نشست مقالاتی درباره دین.
 - یکشنبه (۲۹ فروردین): ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰؛ نقد و بررسی کتاب «عروس بید» با حضور بلقیس سلیمانی، بهناز علیپور و یوسف علیخانی.
 - دوشنبه (۳۰ فروردین): نقد و بررسی «تاریخ اساطیری ایران» با حضور عسگر بهرامی و قادری.
 - سه شنبه (۳۱ فروردین): ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ شعرخوانی.
 - چهارشنبه (اول اردیبهشت): نقد و بررسی «فلسفه برای کودکان» با حضور دکتر سعید ناجی.

و تحریکی در دوران جنگ، افراد را برای حضور در جبهه با حماسه و الگوسازی و آگاهی مخاطبان برای دفاع تشویق می کند. در حالی که ادبیات بازدارنده بعد از جنگ، ادبیاتی است که پیامدهای مخرب جنگ را نشان می دهد.

ترسیم زندگی جانبازان برای مخاطبان جوان به فراموشی سپرده شده است در حالی که زندگی هر یک از جانبازان می تواند سوژه ای برای یک داستان بلند باشد. متأسفانه در ایران هنوز پرداختن به جنگ در ادبیات جا نیفتاده است و نوعی جناح بندی در میان نویسندگان این حوزه و بی توجهی به نگاه رئالیستی در داستان ها باعث شده که آثار شاخص و درخشان در این حوزه انگشت شمار شوند.

نگاه خاص برخی نویسندگان به ادبیات جنگ مانع پرورش دیدگاه بازدارندگی در این حوزه شده و به ادبیات داستانی دفاع مقدس آسیب رسانده است. به نظر من، جنگ برای هر کسی یک معنی دارد و ترسیم فضای جنگ توسط یک زن بسیار ارزشمند است. با وجود این که داستان را یک زن نوشته است، ولی صحنه های تلخ در آن با دقت توصیف شده اند و این از نقاط قوت کتاب به شمار می آید. ضرباهنگ

دلیلی برای در حاشیه ماندن ادبیات دفاع مقدس



نشست نقد و بررسی کتاب «طوفان و زنبق» نوشته منیر السادات موسوی، با حضور احسان عباسلو به عنوان منتقد در سرای اهل قلم برگزار شد.

احسان عباسلو، منتقد ادبی: یکی از مشکلات داستان نویسی در حوزه جنگ، عدم سوژه یابی توسط نویسندگان است و غفلت در جست و جوی سوژه های ناب در ادبیات پایداری، یکی از دلایل در حاشیه ماندن دفاع مقدس در ادبیات ایران به شمار می رود. ادبیات دفاع مقدس شامل ادبیات دوران جنگ و بعد از جنگ است که در این نوع ادبیات دو رویکرد ترغیبی و تحریکی و بازدارنده ایجاد می شوند. ادبیات ترغیبی

آفتاب مهتاب چه رنگه ؟

گردآورنده: ثمینه باغچه بان / تصویرگر: حدیثه قربان
انتشارات سروش / چاپ اول ۱۳۸۸
۲۸ صفحه / ۱۲۰۰ تومان



کتاب های کودکان هر یک رنگی دارد و بویی... این کتاب، مجموعه ای از شعرها و بازی های کودکان سرزمینمان ایران است. این شعرها و بازی ها می تواند بارها در هر کتابی به شکلی تنظیم و نقاشی شود و با شخصیتی نو جلوه کند.

در این مجموعه سعی شده است ضمن پایبندی به اصل مثل ها و بازی ها، چند خطی هم به آنها قلمه زده شود. علاوه بر این نمونه هایی از مثل های ترکی و کردی هم در آن آمده است تا کودکان بدانند که در سرزمین گسترده ما ایران، زبان های دیگری هم هست.

در مثل عروس می بریم کوچه به کوچه این کتاب آمده است:

عروس می بریم کوچه به کوچه / براش می پزیم
آش آلوچه / آش آلوچه لذیذ / عروس خانم عزیزه /
اسفند و اسفند دونه / اسفند سی و سه دونه / عروسو
بردند به خودونه / قصه ما تمومه!

پایه ماه

ابوذر آهنگر / نشر باختن / چاپ اول ۱۳۸۸
۱۲۶ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



«پایه ماه» داستان بلندی است از ابوذر آهنگر، نویسنده متولد سال ۱۳۵۹. داستان چنین شروع می شود: «صد سال سیاه هم نمی تواند اثر در دیار و وهم ناک خاطره ای را که از در تنگ

چشم بر جان می نشیند و دم به دم در تمام وجود رسوب می کند و در تمام مدت زندگی از جزء جزء اندام بر درون می چکد و به آهستگی گوی هستی را با غضب ذوب می کند، از جان آدمی بزداید. به سان لکه سمجی که کیف ناک و نفرت آور خویشتن را رها سازد و بر روح می چسبید و رسوخ می کند...»
آهنگر در این کتاب تیتز نثری شبیه نثر قطعه های ادبی دارد تا داستان پردازی و روایت. از این روست که اگر مخاطب چنین نثری را لاقال از نظر سلیقه نپسندد، پی گرفتن داستانی ۱۲۶ صفحه ای برایش کسالت بار می شود.

به سختی پولاد به نرمی لبخند

داستانی از زندگی شهید سید اسدالله لاجوردی
ساسان ناطق / انتشارات سوره مهر
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۰۸ صفحه / ۱۶۰۰ تومان



کتاب حاضر، روایتی داستانی است از زندگی سید اسدالله لاجوردی است که از قهرمانان انقلاب محسوب می شود و ساسان ناطق آن را به رشته تحریر در آورده است.

شهید لاجوردی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش فعالی داشت و با توجه به شناخت جریانات سیاسی کشور، در سمت دادستانی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و در برخورد با جریانات فکری و سیاسی ضد انقلاب و وظیفه سنگینی پذیرفت. وی به تعقیب و خنثی کردن توطئه های گروهک های معاند سیاسی، به ویژه گروهک فرقان و منافقین پرداخت و در این زمینه تلاش های فراوانی کرد. مقارن با پایان جنگ تحمیلی، لاجوردی به ریاست سازمان زندان های کشور

منصب شد و با توجه به شرایط دشوار زمانی و مشکلات عدیده ای که پس از جنگ گریبانگیر ایران شده بود، توانست هم در عرصه تربیت و بازپروری مجرمان و هم در عرصه مدیریت سازمان زندان ها به توفیقات زیادی دست پیدا کند. وی در سال ۱۳۷۶ از ریاست سازمان زندان ها کرد و اقدامات تأمینی تربیتی کشور استعفا کرد و بار دیگر به حجره کوچکش در بازار تهران بازگشت. شهید لاجوردی در اول شهریور ۱۳۷۶ توسط اعضای گروهک منافقین مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.

به آن چشم ها نگاه کن

روایتی از زندگی شهید سرلشکر منصور ستاری
عزت الله الوندی / نشر شاهد
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۹۶ صفحه / ۱۴۰۰ تومان



کتاب حاضر زندگی نامه داستانی شهید سرلشکر منصور ستاری است. البته پیش تر نیز نویسندگانی براساس زندگی این شهید بزرگوار آثاری را منتشر کرده بودند.

سرلشکر شهید منصور ستاری در سال ۱۳۲۷ در روستای ولی آباد ورامین به دنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری و با درجه ستوان دومی از دانشگاه فارغ التحصیل شد. ستاری در کنکور سال ۱۳۵۴ در رشته برق و الکترونیک قبول شد.

بعد از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی مانند دیگر دلاوران برای دفاع از میهن پا به میدان نبرد گذاشت. طرح های وی در سیستم پدافند هوایی و راداری نیروی هوایی توانایی نیروی هوایی را در سرنگونی هواپیماهای دشمن دوچندان کرد. در سال ۱۳۶۲ به سمت معاون عملیات پدافند نیروی هوایی ارتش منصوب شد و پس از آن به رغم تلاش های او به سمت معاونت طرح و برنامه ریزی نیروی هوایی منصوب شد و بالاخره در سال ۱۳۶۵ به سمت فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و تا زمان شهادت عهده دار این مسؤولیت بود.

سرلشکر شهید منصور ستاری در ۱۵ دی ماه سال ۱۳۷۳ مصادف با سالروز میلاد امام حسین در لباس آبی نیروی هوایی همراه یازده نفر از پرسنل نیروی هوایی به دیدار مولایش شتافت.

موسیقی عاشورا

تورج زاهدی / انتشارات سوره مهر
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۳۶ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



وقتی دهه عاشورا آغاز می شود، همه ما، بی توجه به این که میزان تعهد، قید و صاحب قدمی مان چقدر است، گوش جان به نوحه هایی می سپاریم که در رثای سرور شهیدان حسین بن علی (ع) خوانده می شود.

وقتی با آنها دم می گیریم و ترجیح بندها را به اتفاق هم تکرار می کنیم، این گونه مرثی که همگی به کمک موسیقی و در دستگاه ها و مقام های موسیقایی بیان می شوند، از کودکی در ضمیر ناخود آگاه ما نقش می بندند و در تمامی عمر، همراه و در یاد ما می ماند. پس از استیلای عرب، ایران استقلال خود را از دست داد و تا سال ۲۰۶ هجری زیر نظر خلفای عرب اداره می شد. در این سال بود که طاهریان در خراسان قیام کردند و از زیر سیطره خلفای عرب بیرون آمدند؛ بدون این که از اعتقادات خود دست بردارند و خللی در عقاید اسلامی شان ایجاد شود. این نکته نشان می دهد که ایرانیان اگر چه حکومت خلفا را بر نمی تابیدند، ولی به میل خود، اسلام را پذیرفته و بر اصول مترقی و کمال یافته آن گردن نهاده بودند. تاریخ موسیقی مذهبی ایران نیز پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان، از همین تاریخ آغاز می شود و

در این میان، مساله مهم این است که نقطه آغاز موسیقی مذهبی در ایران پس از اسلام، با مراسم موسیقی در دهه عاشورا آغاز می شود. مراسم عزاداری محرم، درست مانند آنچه در زمانه کنونی ماهمه ساله در کشور پهناور ایران برگزار می شود، از قرن هفتم هجری قمری در ایران مرسوم شد که به نحو تداوم یافته ای تا امروز، دوام آورده است. کتاب حاضر دربرگیرنده بخش های نگاه تاریخی، موسیقی مذهبی، نقدی بر قطعه عاشورا، برای پیانوی تنها، اثر جواد معروفی، پی نوشت ها، نت ها و منابع برای عاشورا و موسیقی است.

سوار بر سورتمه آن تور شوپنهاور

یاسمینا رضا / ترجمه: حامد فولادوند
انتشارات عطایی / چاپ اول ۱۳۸۸
۹۶ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



در سال ۱۹۸۰، لویی آلتوسر، فیلسوف نامدار فرانسوی و استاد میشل فوکو و ژاک دریدا، همسر خود را خفه کرد.

کتاب حاضر به این جنایت عجیب اشاره دارد و

حامد فولادوند، مترجم این اثر، پی گفتاری با عنوان «چرا برخی از فیلسوفان زن خود را می کشند؟» تدوین کرده که در این کتاب هم منتشر شده است. این کتاب نوشته یاسمینا رضا، نویسنده ایرانی الاصل ساکن فرانسه است.

سحرگاهی از روزهای دهه هشتاد میلادی لویی آلتوسر فیلسوف نامدار فرانسوی همسرش را سوار بر سورتمه آرتور شوپنهاور با تکه پرده ای سرخ تزیین می کند. خبر این حادثه وحشتناک به سرعت در جهان پخش می شود و فیلسوف مجنون روانه بیمارستان می شود.

میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه از رسانه ها می خواهد برای حفظ اعتبار و آبروی این اندیشمند نامدار جنینال به پا نکنند.

یاسمینا رضا نمایشنامه نویس موفق بر اساس این رویداد هولناک، داستانی نوشته است با سبک و سیاقی غیر متعارف، به روایت چهار راوی مختلف. «سوار بر سورتمه آرتور شوپنهاور» کتابی خواندنی است که به بهانه جایگاه زن در فلسفه به فلسفه رفتاری فیلسوف ها نیز می پردازد. اگر چه این اثر جنبه نمایشی نیز دارد، اما نمایشنامه نیست بلکه در حقیقت داستانی اقتباسی از زندگی «آل توسر» فیلسوف مارکسیست فرانسوی و ماجرای قتل همسر اوست.

سفرهای گالیور

جانانان سویت / به روایت اریش کستتر
ترجمه سپیده خلیلی / نشر افق / چاپ اول ۱۳۸۸
۱۰۸ صفحه / ۱۵۰۰ تومان



گالیور پزشک جوانی است که در سفر دور و درازش قدم به سرزمین هایی عجیب می گذارد. او به دست آدم هایی اسیر می شود که به اندازه انگشت دست هستند.

سفرهای گالیور رمانی هجوآمیز از جانانان سویت (۱۶۶۷-۱۷۴۵) نویسنده ایرلندی است که در ۱۷۲۰ نوشته شد و در ۱۷۲۶ انتشار یافت. این کتاب به طور ناشناس منتشر شد، اما همه می دانستند که نویسنده آن سویت است. رمز و رازی که با انتشار آن همراه بود افسانه ای آفرید مبنی بر این که الگزاندر پوپ دست نوشته آن را به عمد در جلو در انتشارات موت رها کرد.

رمان شامل چهار بخش یا سفر است. در بخش نخست، گالیور، سوار بر کشتی یک بازرگان، نقل می کند که چگونه کشتی اش غرق می شود و به جزیره لیلیوت می افتد که مردمانش شش بند انگشت قد دارند. مردم لیلیوت از خواب و خستگی گالیور استفاده می کنند و او را با صدها رشته کوچک می بندند و در زیر زمین، تا پایتخت خود حمل می کنند؛ آنجا، گالیور

که از سر احتیاط به بند کشیده شده است، با قد خود مردم را شگفت زده می کند و بسیار موجب سرگرمی شاه و درباریان می شود. گالیور، که به سبب رفتار نیک آزاد شده و زبان آن سرزمین را نیز آموخته است، با آداب و قوانین و عرف و عادات مردم لیلیوت آشنا می شود. بدین ترتیب، با خبر می شود که امپراتوری لیلیوت از مدت هایش درگیر تجزیه به سبب جنگ های داخلی است که میان پاشنه بلندها و پاشنه کوتاه ها در گرفته است. به علاوه، مردم این سرزمین سال هاست با امپراتور بلغوسکو در جنگ اند که بر جزیره همسایه سلطه یافته است. منشأ این جنگ مجادله میان نوک کوچکی ها و نوک بزرگی هاست. در مورد این مساله مهم که معلوم شود تخم مرغ را باید از کدام نوک شکست؛ نوک بزرگی های ترک وطن کرده نذربلغوسکا پناه یافته اند که دقیقاً قصد دارد لیلیوت را اشغال کند. با مداخله گالیور، که کشتی های بلغوسکو را مانند اسباب بازی به دنبال خود می کشد و ناوگان او را تصرف می کند، امپراتوری نجات می یابد. گالیور را غرق در افتخارات و عنوان ها می کنند. اما درباریان حسود خواهان نابودی اش می شوند و...

این رمان بارها از سوی مترجمان نام آشنا و ناآشنایی به فارسی برگردانده شده است.

۵۵ افسانه ترکمنی برای نوجوانان

به روایت عبدالصالح پاک / انتشارات قدیانی
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۴۰ صفحه / ۴۰۰۰ تومان



کتاب حاضر چنان که از نامش پیداست دربرگیرنده ۵۵ افسانه کوتاه ترکمنی است. نان و عسل، پند پدر، پیرمرد همبزم شکن و تخم طلا، سه شرط روباه، مرد فقیر و بدبخت، پادشاه مرغ ها، پادشاه و انگور

جادویی و... عنوانین افسانه هایی هستند که عبدالصالح پاک آنها را انتخاب کرده است.

در افسانه «دختر پادشاه و سه هدیه سحر آمیز» آمده است: «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. زیر گنبد نبود، پادشاهی بود. او دختر زیبایی داشت مثل پنجه آفتاب. او علاوه بر زیبایی، بسیار زرنگ و باهوش بود و از هر انگشش هزار هنر می بارید. به همین دلیل، خواستگاران زیادی داشت. پادشاه گفته بود که هر کس بتواند هدیه ای سحر آمیز و بی همتا تهیه کند، می تواند با دخترش ازدواج کند...»

جاری حکمت

محمی الدین حائری شیرازی / سازمان چاپ و انتشارات
چاپ اول ۱۳۸۸ / دوره ۶ جلدی / هر جلد ۹۶ صفحه



قیمت دوره ۴۴۰۰ تومان
صنعت ایجاز یکی از روش های ادبی است که همواره مورد اقبال بسیاری از حکما و ادبا بوده است. از سوی دیگر یکی از روش های کارآمد تبلیغی قرآن کریم بهره گیری از

تمثیلات مناسب در القای نصایح و اندرزهای خود برای تأثیر گذاری بیشتر در دل خوانندگان بوده است. «جاری حکمت» برگرفته از آثار و گفتار استاد محمی الدین حائری شیرازی است که در شش دفتر در قطع جیبی توسط سازمان چاپ و انتشارات منتشر شده است. مجموعه ای از پند و اندرز هاست که در شناخت بیشتر دنیا و آخرت، و ارتباط آن دو با یکدیگر به صورت هشدارهایی مطرح شده است. این روش نگارشی که نوعی نشانه شناسی است همواره در آثار علمای اعلام و حکمای اسلام مشهود است، به نحوی که نمونه بارز آن اثر دیرپای شیخ مصلح الدین سعادی شیرازی یعنی «گلستان» است. استاد محمی الدین حائری شیرازی با سابقه دیرینه ای که در تعلیم و تربیت اسلامی دارد به خوبی توانسته است مطالب عمیقی را با بهره گیری از روش های یاد شده برای نسل امروز در جملاتی کوتاه و موثر بازگو کند.



صفحه به صفحه با گردشگران

سرزمین ما از اندک شمار کشورهای است که به خاطر چشم اندازهای طبیعی و دیدنی اش همیشه مورد توجه گردشگران و جهانگردان بوده است. در کنار طبیعت زیبا و چهار فصل ایران، آنچه به کشور ما جاذبه های گردشگری کم ماندنی بخشیده، تاریخ کهن و بناهای پرشماری است که از گذشته های دور این سرزمین به یادگار مانده است. همه اینها زمینه ساز رونق صنعتی به نام گردشگری است.

گردشگر، سیاح و توریستی است که برای تفریح و شناخت فرهنگ ها و طبیعت های گوناگون قدم در راه می گذارد اما او نیاز به راهنمایی دارد که در کمترین زمان ممکن، اطلاعاتی درباره مناطق دیدنی و بناهای تاریخی را در اختیارش بگذارد. یک کتاب راهنمای گردشگری خوب، نیاز چنین گردشگری را پاسخ می دهد. اما آیا هر کتابی که شتابزده فراهم آمده باشد، می تواند در پیچ و خم راه ها و دیدن شهرهایی که لبریز از بناهای تاریخی اند گردشگرانی را راهنمایی کنند که حتی ممکن است زبان بیگانه ای داشته باشند و چیزی از گذشته تاریخی و فرهنگی سرزمینی که در آن گام گذاشته است، ندانند؟

روشن است که هر گردشگری در صدد یافتن مجموعه ای از اطلاعات و دانستنی های منسجمی است که راهنمای مطمئن او در سفر باشند. اطلاعات و آگاهی های درست، می تواند تضمین کننده سفری خوش و خاطره انگیز باشند و در بهره وری از زمان و جلوگیری از هدر رفتن وقت، به کمک گردشگر بیایند. این دست کتاب ها باید به گردشگر کمک کنند تا مسیرهای درست را انتخاب کند، جاهای دیدنی را بیابد، محل های مناسب اقامت را به آسانی پیدا کند و از همه مهم تر، همراه داشتن آن راحت باشد.

به همین دلیل است که کیفیت چاپ، قطع و اندازه و میزان درستی و دقت اطلاعاتی که در آن کتاب ها عرضه می شود، بسیار اهمیت دارد. به همه اینها باید صفحه آرای چشم نواز و انتخاب عکس های مناسب را نیز افزود. تهیه چنین راهنمای گردشگری میسر نخواهد بود مگر آن که نویسنده رنج جمع آوری اطلاعات میدانی و کتابخانه ای را بر خود هموار کند و کتابی را در اختیار گردشگر بگذارد که مطمئن باشد در جایی از سفر برای او سودمند خواهد بود و بدون پرس و جو از دیگران و صرف هزینه های هنگفت و غیر ضروری، می تواند جاهای دیدنی را پیدا کند و با پیشینه تاریخی محل بازدید آشنا شود.

یک کتاب راهنمای گردشگری مناسب، حتما باید دربردارنده اطلاعات تاریخی نکته یابانه و به هم پیوسته ای از مکان های بازدید گردشگران باشد. البته قرار نیست که خواننده چنین کتاب هایی را در دالان های تو در تو تاریخی گم کنیم، اما به هر حال لذت دیدن یک بنای تاریخی در گرو داشتن حداقل آگاهی هایی است که ناشیانه و باری به هر جهت فراهم نیامده باشند. اطلاعات پراکنده، گردشگر را سردرگم می کند و اگر بخواهد به منابع بیشتری دست پیدا کند، ناگزیرش می سازد که با اتلاف وقت به پرس و جو بپردازد، بدون آن که مطمئن باشد که به آنچه می خواهد دست پیدا می کند.

در یک کتاب راهنما، نشانی ها باید دقیق و روشن آورده شده باشند، تا خواننده بتواند محل های مناسب برای کسب اطلاعات تکمیلی از مراکز گردشگری و میراث فرهنگی منطقه را بیابد. دو زبانه بودن این کتاب ها یک ضرورت است، چرا که شمار زیادی از گردشگران مناطق تاریخی و طبیعی ایران، مسافرانی به شمار می آیند که با زبان مقصد آشنایی ندارند. داشتن نام نامه و فهرست اعلام در پایان کتاب، دسترسی به اطلاعات جمع آوری شده را سرعت می بخشد.

موارد دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار داد تا کتاب های گردشگری را به منابع با ارزشی از اطلاعات کارآمد تبدیل کند. همانند گردآوری مطالب کاربردی، برگزیدن زبان نوشتاری روان و ساده و پرهیز از پراکنده گویی که تنها برای رفع تکلیف کنار هم چیده شده اند و در نهایت نیز آگاهی های درخور اهمیت و ثمر بخشی از آنها به دست نمی آید. روز آمد بودن اطلاعات نیز ضرورت دارد. نشانی ها مدام در حال دگرگونی اند، دادن اطلاعات درست به گردشگر، سفر بهتر و پربارتری را برای او تدارک می بیند. داشتن نقشه ها و راهنمای جاده ها یک ضرورت دیگر چنین کتاب هایی است. ذکر محل های اقامتی، هتل ها، رستوران ها و شماره تلفن های ضروری هر محل نیز کمک می کند تا گردشگر با آسودگی بیشتری سفر خود را آغاز کند.

شمار کتاب های گردشگری که چنین ویژگی هایی داشته باشند، نایاب و دور از دسترس نیست. اما دیدن بسیاری از کتاب هایی که با قلمی پریشان نوشته شده اند و اطلاعات دست و پا شکسته ای را تحویل خواننده داده اند، ضرورت تهیه کتاب های سودمندتری را نشان می دهد که متناسب با پیشینه تاریخی و فرهنگی ما و راهنمای درست طبیعت پرجاذبه و فراموش نشدنی ایران باشند.

شماری از کتاب های گردشگری، درباره مبانی نظری و تعریف ها و اصول این صنعت است. آگاهی از مباحث این کتاب ها خواننده را با چارچوب های علمی و شیوه های برنامه ریزی صنعت گردشگری آشنا می کند. کتاب دکتر مهدی کاظمی به نام «مدیریت گردشگری» (انتشارات سمت - چاپ سوم ۱۳۸۷) از شمار این دست کتاب هاست. مسائل طرح شده در کتاب مذکور به صنعت جهانگردی و توریسم اختصاص دارد و در ۱۰ فصل تدوین شده است. مقدمه ای بر گردشگری، عناصر صنعت گردشگری، انگیزش و رفتار در گردشگری، مدیریت بازاریابی گردشگری و گردشگری در قرن بیست و یکم، از جمله فصل های کتاب یاد شده اند.

بهرام نجبران و محمدزاهدی نیز در کتاب «شناخت گردشگری» (نشر چهارباغ - ۱۳۸۷) در ۱۰ فصل مجزا، به موضوعاتی می پردازند که با تاریخچه و دلایل گردشگری، انواع و انگیزه ها و آثار و دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این صنعت ارتباط می یابد. در پایان نیز چشم اندازهای آتی صنعت گردشگری را بررسی می کنند. ضمن آن که توجه به آثار زیست محیطی و توسعه پایدار گردشگری نیز مد نظر قرار گرفته است.

کتاب «گردشگری فرهنگی» نوشته فیروز دولت آبادی و رحیم یعقوب زاده (دانشگاه آزاد اسلامی - ۱۳۸۷) نیز منبعی درخور توجه و کاربردی است. در این کتاب انواع و گونه های گردشگری فرهنگی

معرفی شده است. افزون بر این که شامل پیشنهادها و راهکارهایی برای برنامه ریزی و ایجاد فضای بیشتر در این زمینه است. عناصر و آثار گردشگری از دیگر مباحث مطرح شده در کتاب «گردشگری فرهنگی» است. از سوی دیگر، نویسندگان مطالعه ای تطبیقی درباره این پدیده انجام داده اند و وضعیت فعلی گردشگری ایران را بررسی کرده اند تا راهکارهایی برای برطرف کردن موانع گردشگری عرضه شود.

«مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری» از دکتر رحیم حیدری (انتشارات سمت - ۱۳۸۷)، شامل مباحثی از قبیل اصوات صنعت گردشگری، توسعه صنعت گردشگری و مدیریت صنعتی و بازاریابی گردشگری و کتاب «مدیریت گردشگری فرهنگی» نوشته پرسیلا بونی فس با ترجمه محمود عبدالله زاده (دفتر پژوهش های فرهنگی - ۱۳۸۷) دو منبع قابل توجه دیگر در این زمینه است.

طبیعی است که تعداد زیادی از کتاب های گردشگری به معرفی شهرها و مراکز دینی و جاذبه های طبیعی آنها اختصاص دارند. مجموعه ۱۳ جلدی «شهرستان های استان تهران در آینه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» از انتشارات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران) از زمره این گونه کتاب هاست. در این مجموعه، گزیده ای از مهم ترین آثار و ابنیه تاریخی و اماکن گردشگری استان، همراه صنایع دستی شاخص آن معرفی شده است. نقشه ای از پراکنده گی آثار تاریخی و اماکن گردشگری شهرستان به همراه فهرستی از این آثار در پایان هر جلد آمده است. مجموعه یاد شده به شیوه عکس محور تهیه شده و دربردارنده ۳۵۰ فریم عکس است. احسان میراب زاده نگارگر متن های مجموعه را برعهده داشته است.

«اطلس گردشگری شهر و شهرستان کرج» زیر نظر سعید بختیاری و از انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی (۱۳۸۵) نیز یادکردنی است. کتاب «شاهرواد قاره کوچک» به سرپرستی مجتبی رحیمی هم تلاش دیگری است که به معرفی و شناخت ۱۴۰ جاذبه توریستی شهرستان شاهرود می پردازد و گامی مؤثر برای معرفی جاذبه های گردشگری این شهرستان با توجه به تنوع اقلیمی آن است.

«سیمای گردشگری استان همدان» تدوین ابوالحسن فاطمی (انتشارات سازمان ایرانگردی و جهانگردی استان همدان - ۱۳۸۰) کتاب دیگری است که باید از آن یاد کرد. وجود آثار فراوان تاریخی شهرستان همدان، علاوه بر موقعیت جغرافیایی، جاذبه های هنری و اقتصادی آن ویژگی خاصی به این استان داده است و این امکان را فراهم ساخته است تا همدان تبدیل به یکی از مراکز مهم گردشگری ایران شود. کتاب یاد شده کوششی در همین راستاست و به معرفی جاذبه ها و توانایی های گردشگری این استان می پردازد. کتاب «سیمای گردشگری همدان» در ۱۳ فصل فراهم شده است و به مباحثی از قبیل طبیعت و محیط زیست همدان، تاریخ و معماری و تاسیسات گردشگری استان توجه کرده است.

کتاب های «میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی» از مسعود عالم پور رجیبی (نشر احساس - ۱۳۸۳)، «راهنمای میراث فرهنگی و گردشگری قم» تدوین فخرالدین صابری و ابوطالب ربیع نیا (نشر عیلام - ۱۳۸۵)، «جاذبه های گردشگری اورامانات، غار قوری قلعه» نوشته محمد خالدی (موسسه فرهنگی و هنری کوثر - ۱۳۸۳) نیز از شمار کتاب هایی است که به شناخت، معرفی استان ها و جاذبه های سیاحتی آنها می پردازند.



کتاب های ایرج افشار سیستانی درباره استان های اردبیل، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و جاهای دیگر، که با عنوان عمومی «میراث فرهنگی و گردشگری، جاذبه های طبیعی، تاریخی، فرهنگی، هنری و زیارتی» منتشر شده اند (انتشارات قلم آشنا - ۱۳۸۳) نیز منابع با ارزشی به شمار می آیند که آگاهی های یکدستی را در اختیار خواننده می گذارند. «اصفهان و گردشگری» نوشته دکتر حسن بیک محمدی (انتشارات مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل - ۱۳۸۶) نیز کتابی است که به شناخت ابعاد گوناگون تاریخی، فرهنگی، هنری و جغرافیایی این شهر کمک می کند. کتاب مذکور در ۷ فصل تدوین شده است و شامل مباحثی درباره جغرافیای تاریخی و جاذبه های تاریخی - فرهنگی اصفهان و یادآوری نکاتی در برنامه ها و سیاست های توسعه صنعت گردشگری است. درباره جاذبه های گردشگری روستاهای ایران نیز کتاب «راهنمای گردشگری، یکصد روستای شگفت انگیز ایران» نوشته حسن زنده دل و دستیارانش (انتشارات ایران گردان - چاپ دوم ۱۳۸۸) مأخذ جالب توجهی است.

در اینجا باید از کتاب «راهیاب ایران» نوشته ناصر کرمی (انتشارات فرهنگ معاصر - چاپ دوم ۱۳۸۸) یاد کرد. این کتاب که با دقت فراوان فراهم آمده است از ارزشمندترین تلاش هادر عرصه انتشار کتاب های گردشگری است. شیوه ارائه اطلاعات در کتاب «راهیاب ایران» با مرکزیت قرار دادن شهر تهران صورت گرفته است. آن گاه هفت مسیر و جاده موجود را محور آگاهی ها و مباحث کتاب قرار داده است. مسیرهای هفت گانه با نام های جاده ابریشم، مارکوپولو، هزار و یک شب، جاده مروارید، جاده کوروش، جاده خزر و جاده شرق خاطره نامیده شده اند. افزون بر این که فصل های ده گانه کتاب شامل راهنمای گویش های محلی، سفرنامه ها، بازی های بومی، انواع غذاهای رایج و موارد آگاهی بخش دیگر است.

«اطلس جیبی گردشگری شهر تهران»، «اطلس جیبی جاده های ایران»، «اطلس جاده های ایران» از جمله کتاب های انتشارات ایران شناسی است. اطلس جاده های ایران، شامل نقشه راه های ایران همراه کروکی مراکز استان ها با معرفی امکانات میان راهی (شامل پمپ بنزین ها، جایگاه های CNG، اورژانس، پلیس راه، تعمیرگاه، مسجد، تلفن اضطراری و ...) است. همچنین دربخشی جداگانه فهرست هتل ها به تفکیک استان و در انتها معرفی جاذبه های طبیعی و تاریخی استان ها را در اختیار گردشگر قرار می دهد. کتاب «راهنمای گردشگری استان ایلام» نوشته جوریه کلانتری، (نمایی از ایران، خلیج همیشه فارس» اثر امیر حسین بختیاری، «نگاهی به ماسوله» و «نگاهی به ایبانه» نوشته فریده گلبو، «آبشارهای ایران» اثر مجید اسکندری و ... هم می تواند یاری بخش گردشگری داخلی و خارجی باشد.

درباره مسائل سفر و نکاتی که هر مسافر و گردشگر باید به آنها توجه کند، کتاب «سفر و گردشگری، دانستنی های مهم ایمنی، بهداشتی، فرهنگی و سرگرمی های علمی در گردشگری» مرجع مفیدی است. این کتاب زیر نظر رضا راعی فر و نویسندگان دیگر تدوین شده است. (نشر نخست - ۱۳۸۶)



متخصصان معتقدند که در کنار انرژی های محدود فسیلی، انرژی های نو مثل انرژی های خورشیدی و بادی نیز درصد کمی کارایی دارند و به همین دلیل انرژی هسته ای تنها چاره کار بشر است. از سوی دیگر کاربردهای فراوان انرژی هسته ای در صنعت، پزشکی، کشاورزی و... سبب شده است تا هر روز دامنه استفاده از این انرژی گسترش یابد. دکتر رضا امراللهی، یکی از متخصصان است که به تازگی کتاب «انرژی هسته ای توسط محصورسازی گداخت لختی» را ترجمه کرده است. دکتر امراللهی دارای دکترای گداخت هسته ای است و به عنوان رییس دانشکده مهندسی هسته ای، در دانشگاه صنعتی امیرکبیر فعالیت می کند. کتاب او نیز توسط انتشارات همین دانشگاه منتشر شده است.

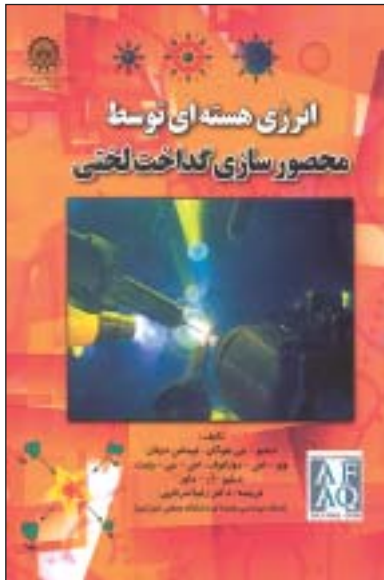
گفت و گو با مترجم کتاب «انرژی هسته ای توسط محصورسازی گداخت لختی»

حفظ محیط زیست راهکار دارد

انرژی های فسیلی همیشه نگران تمام شدن منابع اولیه آنها هستیم. مهم ترین بحث در استفاده از انرژی هسته ای، پسماند آن است که مدیریت نادرست آن، خطرات زیست محیطی فراوانی به همراه خواهد داشت. آیا در کتاب به این نکته مهم اشاره ای شده است؟ اگرچه سوخت های فسیلی مثل زغال سنگ و نفت که مرتباً در آنها به آسمان می رود، آلودگی های زیادی برای محیط زندگی انسان ایجاد می کنند اما این نگرانی در مورد نیروگاه های گداخت وجود نخواهد داشت. چون حجم پسمان یک نیروگاه گداخت طی ۳۰ سال به اندازه یک میز تحریر خواهد بود که آن هم قابل بازیافت و برگشت به طبیعت است.

تا چه اندازه منابع مکتوب در زمینه حوزه انرژی هسته ای حاصل از گداخت لختی وجود دارد؟ در دنیا کتاب و مقالات زیادی در این باره وجود دارد. در ایران هم تا آنجا که توانسته ایم کار کرده ایم و مجموعه حاضر هشتمین کتابی است که در این باره تالیف یا ترجمه کرده ام.

مخاطبان کتاب دانشجویان کدام رشته دانشگاهی اند؟ دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای مهندسی هسته ای (شاخه گداخت)، تا حدودی فیزیک پلاسما و همچنین دکترای رشته های برق می توانند از مطالب این کتاب بهره مند شوند.



برای محیط زیست و لایه ازن ندارد، درحالی که سوخت های فسیلی از جمله نفت، گاز و زغال سنگ خطراتی را برای سلامت انسان و محیط زندگی اش به همراه داشته اند. ذکر این نکته نیز در این باره ضروری است که منبع اصلی تولید انرژی گداخت، هیدروژن است که تا آب هست، وجود دارد؛ اما در

در درازمدت اگر انرژی گداخت از بقیه روش ها ارزان تر نباشد، گران تر از آنها نیز نخواهد بود. در بخشی از کتاب به گداخت مغناطیسی و تولید انرژی هسته ای اشاره شده است. این دو روش چه تفاوتی با هم دارند؟

نسبت سوختی که در گداخت لختی استفاده می شود، در مقایسه با گداخت مغناطیسی، بسیار کمتر است. بنابراین به دلیل حجم اندک مصرف سوخت، گداخت لختی بهتر از نوع مغناطیسی آن است. اما تا امروز که با شما صحبت می کنم، هنوز نیروگاه گداخت لختی در دنیا ساخته نشده و تا عملی شدن تئوری های موجود در کتاب، باید گام های بزرگی برداشته شوند.

آیا به مزیت های استفاده از انرژی هسته ای با کمک گداخت لختی، نسبت به سوخت های فسیلی هم در کتاب اشاره شده است؟

بله. در کتاب گفته شده که استفاده از روش گداخت لختی و ایده گرفتن از آن، واکنشی است که در خورشید اتفاق می افتد و بشر با کمک آن می تواند خورشیدی کوچک بسازد. این روش در مقایسه با استفاده از سوخت های فسیلی ایمن تر است، یعنی اگر انرژی گداخت، ایمن نبود موجودات زنده روی کره زمین طی سالیان متمادی با استفاده از انرژی خورشید، ایمن نمی زیستند و تاکنون وجود نداشتند. همچنین استفاده از گداخت لختی، هیچ آلودگی ای

منظور شما از گداخت لختی در این کتاب چیست؟ گداخت لختی یکی از راه های تولید انرژی هسته ای است که در اثر پیوند یا گداخته شدن هسته های سبک جدول تناوبی مثل هیدروژن، دوتریوم و تریتیوم تولید انرژی می کند. در اصطلاح می گویند این عناصر سبک به هم گداخته شده اند یا با هم جوش خورده اند و انرژی درونشان آزاد شده است. اما در مقابل این روش، شکافت هسته ای نیز وجود دارد که در آن عناصر سنگینی مثل اورانیوم شکافته شده و نوترون آنها آزاد می شود و نتیجه این فعل و انفعالات، تولید انرژی است.

گداخت لختی چه مزیت هایی نسبت به شکافت هسته ای دارد که در این کتاب به آن پرداخته شده؟ در گداخت لختی برخلاف شکافت، پسمان رادیواکتیو یا همان مواد رادیواکتیو، وجود ندارد یا میزان آن در مقایسه با شکافت بسیار کم است. همچنین عنصر تشکیل دهنده گداخت لختی، هیدروژن است که تا آب هست، انرژی گداخت هم وجود دارد. اما در شکافت هسته ای نیاز به اورانیوم است که اگر تمام شود، دیگر انرژی هسته ای نخواهیم داشت.

بازدهی های اقتصادی کدام از این دو روش بیشتر است؟

در حال حاضر قیمت انرژی گداخت از انرژی شکافت بیشتر است که آن هم به دلیل پیچیدگی های تکنولوژیک این روش است. ولی دانشمندان معتقدند.

گفت و گو با دکتر بابک قنبرزاده مولف کتاب «بیوپلیمرهای زیست تخریب پذیر و...»

از پلیمرهای نفتی تا پلاستیک های خوراکی

همچنین اگر این مواد پلاستیکی در کنار چشمه، رودخانه، دریا یا آب های زیرزمینی دفن شوند، مواد سمی آنها وارد این آب ها شده که نهایتاً از منابع آب آشامیدنی انسان سردمی آورند.

با توجه به متن کتاب، آیا تفاوت پلیمرهای طبیعی و آنها که از صنایع پتروشیمی حاصل آمده اند، فقط مرتبط با مونومرها یا همان مواد اولیه تشکیل دهنده شان هستند، یا به مراحل تشکیل و پلیمریزاسیون آنها نیز مرتبط می شوند؟ هر دو عامل در تفاوت های این دو نوع پلیمر نقش دارند. مونومرهای اولیه، پلیمرهای «زیست تخریب پذیر مواد خوراکی» اند که می خوریم و از آنها انرژی می گیریم یا اسیدهای آمینه بدنمان را تامین می کنیم. درحالی که مواد اولیه پلیمرهای سنتزی نفت است و قابل خوردن نیست. اما مراحل پلیمریزاسیون این پلیمرها نیز با یکدیگر تفاوت دارند که سبب می شوند هر یک خصوصیات فیزیکی ویژه ای داشته باشند. مثل خواص حرارتی، مکانیکی، حرارتی، نفوذپذیری و غیره که در بعضی موارد پلیمرهای سنتزی بهتر و در مواردی دیگر بیوپلیمرها ارجحیت دارند.

پس با توجه به خصوصیات فیزیکی که برای بیوپلیمرها در کتاب ذکر شده، این نوع پلیمرها کاستی هایی هم دارند؟

درآمد. اما این نوع پلیمرها با پلیمرهای نفتی تفاوت های دیگری نیز دارند که به یک مورد آنها اشاره می کنم. از جمله آن که بیوپلیمرها که مهم ترینشان پلیمرهای نشاسته، سلولز و پلی لاکتیک اسیدند از یک منبع منتهای یعنی طبیعت تولید می شوند، درحالی که منشا پلیمرهای سنتزی نفت است و همیشه نگرانی پایان آن وجود دارد.

شما در این کتاب به استفاده از پلیمرهای طبیعی تاکید کرده اید. استفاده از پلیمرهای نفتی چه مضراتی برای سلامت انسان و محیط زیست دارد؟

پلیمرهای سنتزی آسیب هایی را به محیط زیست انسانی وارد می کنند که از دو جنبه قابل بررسی اند. این آسیب ها

ناشی از آلودگی های ظاهری و پنهانند که به آنها اشاره می کنم. آلودگی های ظاهری یا بصری این نوع پلیمرها، به علت انباشته شدن پلاستیک ها و بطری های آلوده در مناطق مختلف ایجاد می شوند که نمونه هایی از آنها را در جنگل های شمالی کشور مشاهده می کنیم. اما آلودگی های پنهان پلیمرهای نفتی وارد آب یا خاک می شوند که به سلامت انسان آسیب جدی وارد می کنند. به این طریق که وقتی پلاستیک ها در خاک دفن می شوند در طول زمان مواد سازنده آنها یعنی همان پلیمرها افت می کنند و مواد افزودنی شان که سمی اند حاصلخیزی خاک را از بین می برند.

گسترش بحث استفاده از پلاستیک ها در دنیا، از نتایج پیشرفت تکنولوژی است که تنها به رفاه و آسایش بشر می اندیشد. ایران نیز به عنوان یک کشور نفتی و صاحب سوخت های فسیلی، به سرمایه گذاری عظیم برای تولید پلیمرها که از مواد اولیه پلاستیک ها هستند، اقدام کرده است و بنا به گفته کارشناسان، باید برای جلوگیری از تأثیرات منفی این مواد، به راه حل های علمی و منطقی اندیشید. دکتر بابک قنبرزاده، یکی از این متخصصان است که استفاده از بیوپلیمرهای طبیعی را به جای پلیمرهای نفتی به ویژه در بسته بندی مواد خوراکی را در این باره مفید می داند. دکتر قنبرزاده در حوزه کاربردهای بیوپلیمرهای زیست تخریب پذیر در بسته بندی مواد غذایی تحصیل کرده است و به عنوان عضو هیات علمی گروه مهندسی صنایع غذایی در دانشگاه تبریز فعالیت می کند. گفت و گوی زیر به مناسبت انتشار کتاب «بیوپلیمرهای زیست تخریب پذیر و خوراکی در بسته بندی مواد غذایی و دارویی» با او انجام شده است. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر منتشر شده است.

منظور شما از بیوپلیمرهای زیست تخریب پذیر و خوراکی، کدام نوع از پلیمرها هستند که در این کتاب به آنها پرداخته اید؟

بیوپلیمرهای زیست تخریب پذیر، شامل پلیمرهای کربوهیدراتی و پروتئینی اند که گیاهان یا حیوانات آنها را برای پاسخگویی به نیازهای طبیعی شان تولید می کنند. چون این نوع پلیمرها برخلاف پلیمرهای نفتی که سالیان دراز در طبیعت بدون تغییر باقی می ماند، توسط میکرو ارگانیسم ها به سرعت تجزیه می شوند و کاربردهای تکنولوژیکی و صنعتی بسیاری

بله. کاستی های آنها به خواص مکانیکی این نوع پلیمرها مربوط می شوند که از پلیمرهای سنتزی ضعیف ترند. البته در دنیا تلاش می شود تا خواص مکانیکی بیوپلیمرها به پلیمرهای سنتزی شبیه شود و به همین منظور از فیلم های سلولزی، نشاسته ای به جای فیلم های پلی وینیل الکل استفاده می کنند.

دخالتم انسان در تولید بیوپلیمرها، آنها را از حالت طبیعی شان خارج نمی کند؟

در کتاب به این نکته اشاره شده که مونومرها و پلیمرهای طبیعی در طبیعت وجود دارند و فقط انسان آنها را در صنعت و آزمایشگاه به شکل نهایی که یک فیلم، ورق یا بسته بندی است تبدیل می کند. به همین منظور بیوپلیمرهای طبیعی مواد افزودنی اضافه می کنند که هر پلیمر برای هدف مورد نظر آماده شود. باید به این نکته نیز اشاره کنم که این افزودنی ها خاصیت زیست تخریبی این پلیمرها را تغییر نمی دهند و آنها را از حالت طبیعی و اولیه شان خارج نمی کنند. پس از این تغییرات مشاهده می کنیم که این پلیمرها قادرند دوباره در مدت کوتاهی به طبیعت بازگردند.

چرا در این کتاب درباره کاربرد بیوپلیمرها در همه صنایع سخنی نگفته اید؟

کاربرد پلیمرهای زیست تخریب پذیر در صنایع غذایی و دارویی از دیگر صنایع بیشتر است و حتی می توانم بگویم این نوع پلیمرها در صنایع دارویی کاربرد فراوان تری دارند. اما وفور کاربرد آنها در بسته بندی غذا و دارو به آن معنی نیست که نمی توانیم از بیوپلیمرها در صنایع دیگر نیز استفاده کنیم. همان طور که امروز شاهدیم از پلیمرهای زیست تخریب پذیر در بسته بندی تاسیسات الکترونیکی و همچنین تولید قاشق، چنگال، چاقو و لیوان یک بار مصرف در دنیا استفاده می کنند.





«همخونه» اولین رمان مریم ریاحی بود که از سوی انتشارات پرسمان در سال ۸۶ چاپ و منتشر شد. این رمان به محض انتشار با اقبال جامعه کتابخوان روبه رو شد، چنان که در طول مدتی کوتاه به چاپ بیست و سوم رسید. مریم ریاحی متولد ۱۳۵۸ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی به دنبال موفقیت اولین رمانش به صرافت چاپ و انتشار دومین رمان خود «بی ستاره» برآمد؛ زمانی که تاکنون پنج بار تجدید چاپ شده است. «کسی می آید» سومین رمان ریاحی نیز منتشر شده است. وی هم اکنون رمان جدیدی در دست نگارش دارد که سعی دارد پس از تجربه سه رمان، اثری متفاوت عرضه کند تا مخاطبان جدیدی جذب آثارش شوند.

گفت و گو با مریم ریاحی

هر نویسنده‌ای به مشوق نیاز دارد

متفاوت نوشتنم. به همین خاطر با اقبال کمتری روبه رو شد. عده‌ای آن را دوست ندارند. به خاطر فرم نوشتاری آن که با آثار دیگر متفاوت است. در صورتی که من برای نوشتن این رمان سبک خاصی را در نظر داشتم. می‌خواستم زمانی متفاوت با رمان قبلی بنویسم. من احساس می‌کنم «بی ستاره» یک سروگردن از رمان «همخونه» بالاتر است. اما کسی نمی‌آید بگوید این رمان، کار قشنگی است. افرادی که این رمان را بیشتر پسندیدند انگشت شمار بودند. کسانی بودند که تحصیلات بالایی داشتند یا دانشجوی بودند و شناخت عمیقی از ادبیات داشتند. در رمان «بی ستاره» می‌خواستم تبحر و توانایی ام را در داستان‌نویسی و نثر نشان بدهم. می‌خواستم زمانی متفاوت بنویسم. من هم مثل هر نویسنده‌ای دوست دارم خواننده داشته باشم، دوست دارم آنچه را می‌نویسم خوانده شود.



شما در رمان «همخونه» بیشتر به موضوع داستان فکر می‌کردید. در رمان «بی ستاره» زبان را اصل قرار دادید. فکر می‌کنید در آثار بعدی به کدام عناصر بیشتر توجه می‌کنید؟

نویسنده‌ای موفق است که هم به موضوع و مضمون بیندیشد، هم زبانی مناسب برای آن مضمون پیدا کند. یعنی موضوع و زبان باید متناسب هم باشند. نویسنده اگر به موقعیت داستان، موفقیت و شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، فضای فرهنگی و اخلاق عمومی و ... توجه کند، قطعاً اثر موفق‌تری عرضه خواهد کرد.

گاهی یک سوژه بکر، یک موضوع تازه به ذهن نویسنده خطور می‌کند و وقتی آن را روی کاغذ می‌آورد، دیگر به فکر، نوع زبان، نوع نثر و ساختار متفاوت برای آن نیست. انتخاب سوژه مناسب و بکر در موفقیت رمان خیلی مهم است، اما اگر در کنار آن به دیگر عناصر زیبایی‌شناختی رمان هم توجه جدی شود می‌توان امیدوار بود اثری که نوشته و منتشر می‌شود با اقبال عمومی روبه‌رو شود و نظر مخاطبان را جلب کند قبلاً یک رمان خوانده بودم که از نحوه زبان و شیوه به کارگیری جملات و واژگان و لهجه‌ای که در روایت پر دازی آشکار بود، متوجه شدم نویسنده این رمان از کدام استان است. یعنی لهجه نویسنده در نوشتارش مشخص بود. از فعل‌هایی که آورده، از متمم‌هایی که استفاده کرده، از حرف‌های اضافه که در متن به کار گرفته نشان می‌داد که این نویسنده متعلق به کدام شهرستان یا کدام استان است. یک نویسنده آگاه و باتجربه نباید در نثرش چنین خطاهایی راه پیدا کند.

کتاب‌هایی را که می‌نویسید، آیا قبل از چاپ در اختیار کسی می‌گذارید که بخواند و نظر بدهد؟
نه. من فقط یک خواهر زاده دارم که تقریباً هم سن و سال من است. وقتی زمانی در دست نوشتن دارم، در هر فرصتی بخش‌هایی از آن را برایش می‌خوانم. یعنی گاهی اوقات پشت تلفن، گاهی حضوری. بعد هم نظرش را جویا می‌شوم. نویسنده در هر حال به تشویق نیاز دارد. متأسفانه من مشوق ندارم.

من نیاز دارم به کسی که به من گوش کند، وقتی رمانم را می‌خوانم. متأسفانه من خواننده منتقد ندارم که رمان را قبل از چاپ در اختیارش بگذارم تا مرا از ضعف و قوت آگاه کند.

انگلیس را بشناسم. دوست داشته‌ام ولی شاید زمینه لازم را نداشتم. یا شاید آن فرصت و امکان را نداشتم که تمام وقت به این حوزه بپردازم.

فکر می‌کنید چه عواملی سبب شد که نخستین رمان شما، «همخونه» بیست و دو بار چاپ شود؟
من فکر می‌کنم رمان «همخونه» به خاطر زبان ساده و سوژه اش، مورد استقبال قرار گرفت و در مدت کوتاه بیست و دو بار چاپ شد. آن حس تعلیقی که در این اثر به کار گرفتم، خوب جواب داد. یعنی خواننده وقتی داستان را شروع می‌کند، می‌خواهد بداند که بعد چه شد؟ یا شخصیت‌هایی که در این میان حضور دارند، چه می‌شوند. من سعی کردم این شخصیت‌ها و نوع روابط آنها با یکدیگر خیلی دور از ذهن نباشد. بعد باورپذیری شخصیت‌ها و موضوع داستان است. یعنی همه این مولفه‌ها و عناصر دست به دست هم می‌دهند تا یک اثر برجسته شود و مورد توجه طیف گسترده‌ای از مخاطبان قرار گیرد.

واقعیت این است که من خیلی رمان ایرانی می‌خوانم. چندی پیش رمانی از نویسنده‌ای می‌خواندم که دیدم شخصیت اصلی و محوری داستان در زندگی اش هیچ چیز کم ندارد. یک شخصیت با آن همه ویژگی‌های منحصر به فرد و کامل، باید به دنبال چه چیزی باشد؟ زیبایی، ثروت، خانه، ماشین، زندگی عالی و ... شخصیتی با این همه امتیازات، کعبه آمال و آرزوهای هر کسی است. شخصیتی که هیچ دغدغه و مشکلی نداشته باشد، دیگر شخصیت داستانی نیست. نویسنده هیچ‌گه‌ای در زندگی این شخصیت باقی نمی‌گذارد که خواننده به دنبال گشودن آن گره باشد.

موضوعی که در اغلب جلسات داستان‌نویسی مطرح می‌شود، بحث رمان عامه‌پسند است؛ دو مقوله‌ای که از هم بسیار متفاوت‌اند. رمان عامه‌پسند، عموماً سطحی و آبکی است، در حالی که رمان عامه‌پسند دارای مولفه‌های ویژه‌ای است که انبوه مخاطبان را جذب می‌کند. آثار شما در کدام دسته قابل ارزیابی است؟

واقعیت این است که من داستان‌خوانی را از همان رمان‌های عامه‌پسند شروع کردم تا به رمان‌های جدی و عمیق‌تر رسیدم. رمان‌هایی که در جشنواره‌های مختلف جایزه گرفته‌اند. بعضی وقت‌ها که این دسته از رمان‌ها را می‌خوانم، با خودم فکر می‌کنم که چرا از بین این همه رمان منتشر شده، این رمان برنده جایزه شده است؟ چه ویژگی‌هایی دارد، یا چه مولفه‌های زیبایی‌شناختی آن توجه می‌شود.

شخصاً رمان می‌خوانم که حتی اگر یک ساعت هم شده از زندگی روزمره خودم بیرون بمانم و وارد فضای داستان شوم. برای چه من هنوز در این سن و سال دوست دارم بنشینم و «بابا لنگ دراز» بخوانم؟ برای این که هنوز همان لذت اولیه‌ای که از مطالعه این رمان بردم، در مطالعه مجدد هم نصیب من می‌شود. اما فلان رمانی را که سال گذشته برنده جایزه شده است، نه تنها از مطالعه آن لذت نمی‌برم، بلکه بخش‌هایی از آن هم برای من قابل درک نیست. یا آن را نیمه‌کاره رها کرده‌ام، چرا که به نظرم چفت و بست داستان، حساب شده و محکم نیست.

بسیاری از نویسندگان جدی و آثار نخبه‌پسند خیلی تلاش می‌کنند آثاری خلق کنند که مخاطب عام داشته باشد. هر نویسنده‌ای دوست دارد رمز و راز اثری را که مخاطب عام پیدا می‌کند، کشف کند و آن را در آثار خود لحاظ کند. نظر شما چیست؟
مهم‌ترین رمز و راز موفقیت یک اثر صداقت نویسنده است که خواننده در مواجهه با اثر به راحتی این صداقت را متوجه می‌شود. نویسنده‌ای که با مغلق‌نویسی و پیچیده‌گویی مخاطب را سردرگم می‌کند و به بیراهه می‌برد با اقبال عمومی روبه‌رو نمی‌شود. ساده‌گویی و ساده‌نویسی بهترین راه برای جذب خواننده است.

ابهام و پیچیدگی باید در ذات داستان باشد، نه در جملات پیچ‌درپیچ و کلمات مبهم و نامفهوم. من نثر رمان «بی ستاره» را در مقایسه با رمان «همخونه»

واقعیت این است که نوشتن را از دوران مدرسه شروع کردم. نوشتن خاطره، گردآوری شعرهای شاعران معروف در دفترچه‌ها و نوشتن انشاء در کلاس و تشویق معلم‌ان انشاء زمینه‌های نوشتن را برایم فراهم کردند و به من انگیزه نویسندگی دادند. استادان ما تشویقمان می‌کردند که بنویسیم. حتی موضوعات ساده و پیش پا افتاده یا هر سوژه‌ای که به ذهن ما می‌آمد، آن را به روی کاغذ می‌آوردیم. در واقع این کارها یک نوع تمرین نویسندگی بود. من شخصاً علاقه زیادی به نوشتن داشتم. حالا نه این که خاطره و انشاء را خوب می‌نوشتم بلکه نفس نوشتن و نویسندگی را دوست داشتم. وقتی خاطره خیلی ساده را روایت می‌کردم، آنقدر خوب و خواندنی از آب درمی‌آمد که دوستان و همکلاسی‌هایم از مطالعه آن لذت می‌بردند.

هیچ وقت تجربه نوشتن داستان کوتاه داشته‌اید؟ قلم زدن در کدام عرصه راحت‌تر است، داستان کوتاه یا رمان؟

من چند داستان کوتاه هم نوشته‌ام. نوشتن داستان کوتاه را راحت‌تر می‌دانم. نوشتن داستان کوتاه به خاطر این راحت‌تر است که در لحظه نوشته می‌شود. احتیاج به پیش زمینه و پس زمینه ندارد و آن احساسی که درباره سوژه دارید، با همان تازگی به متن منتقل می‌شود. دست نویسنده در نوشتن داستان کوتاه انگار بازتر است. ضمناً نویسنده داستان کوتاه باید خیلی باهوش باشد، آنهایی که در این عرصه نام‌آور شدند، افراد برجسته و باهوشی بودند و خیلی هم نکته‌سنج.

هیچ وقت نقد داستان و رمان را جدی گرفته‌اید؛ آیا رمان‌هایی که منتشر کرده‌اید. مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند؟

نقد‌هایی که در زمینه داستان باشد، می‌خوانم. نقد داستان، نقد رمان به ویژه داستان‌ها و رمان‌هایی را در این سال‌ها نوشته می‌شوند، با کنجکاوای بیشتری می‌خوانم. ولی مطالعه نقد را به شکل مداوم و بی‌گیر دنبال نمی‌کنم. واقعیت این است که من هم مشکلات تحصیل در دانشگاه را دارم و هم گرفتاری‌های خانه و خانه‌داری را. بهانه‌گیری نمی‌کنم ولی همه این مسائل دست به دست هم می‌دهند تا آن‌گونه که باید و شاید به شکل حرفه‌ای به دنبال نقد نباشم.

شما داستان‌های کوتاه نویسندگان کلاسیک و برجسته جهان را خوانده‌اید یا می‌خوانید؟

من مطالعه داستان کوتاه را خیلی دوست دارم و داستان کوتاه هم زیاد می‌خوانم. از نویسندگان گذشته شروع کردم تا نویسندگان امروز. مثلاً داستان‌های کوتاه نویسندگان نسل امروز، از داستان‌های روح‌انگیز شریفیان تا داستان‌های ارسطویی، همه را می‌خوانم. داستان‌های گلشیری، ناهید طباطبایی و ... جزو آن دسته از داستان‌هایی هستند که خیلی روی آنها تمرکز می‌کنم. از بین نویسندگان بزرگ جهان هم آثار کامو، سارتر و ... را خوانده‌ام. جسته و گریخته آثار بسیاری از نویسندگان جهان را می‌خوانم. یا در دانشگاه آثار هر نویسنده‌ای را که دستور دادند دنبال کنیم رفتیم و خواندیم. اما نه به آن صورت که مثلاً کل ادبیات

قبلاً یک رمان خوانده بودم

که از نحوه زبان و شیوه

به کارگیری جملات و

واژگان و لهجه‌ای که

در روایت پردازی آشکار

بود، متوجه شدم نویسنده

این رمان از کدام استان است

کتاب؛ همچنان محصول محبوب جهانیان



برگزاری اجلاس های متعدد بین المللی برای رهایی از رکود دامنگیر اقتصادی در عرصه جهانی، ناشی از بحرانی بود که از سال ها پیش در اقتصاد قدرت های صنعتی و فناوری دنیا ریشه دواند و طی دو سال گذشته به صورت موج تازه ای از بیکاری و کاهش قدرت خرید عمومی بروز یافت. با وجود اوضاع پیش آمده، بازار محصولات فرهنگی اعم از فیلم، کتاب، مجله و روزنامه تغییر چشمگیری را شاهد نبود و با وجود کاهش فروش کتاب در برخی زمینه های تخصصی، اقبال عمومی نسبت به کتاب های ادبی و فناوری های جدید مانند کتاب دیجیتال نسبت به سال های گذشته افزایش یافت و بازار کتاب در آمریکا و کشورهای اروپایی چون آلمان، فرانسه و بریتانیا سال رضایت بخشی را پشت سر گذاشت. در این گزارش در نظر داریم بازار کتاب در چهار کشور فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا را در سال ۲۰۰۹ مرور کنیم.

فرانسه

بر اساس گزارش موسسه (GFK) که به جمع آوری اطلاعات و داده های بازار مصرف در فرانسه می پردازد، بازار کتاب فرانسه در سال ۲۰۰۹ روزهای خوشی را سپری و رشدی ۳/۴ درصدی را نسبت به سال ۲۰۰۸ تجربه کرد.

درآمد ناشران در سال ۲۰۰۹، ۲/۸ میلیارد یورو بوده که از این مبلغ ۱۵۶ میلیون در بخش فروش دانشنامه ها در مجلدات مختلف، ۱۳۰ میلیون برای واگذاری حق انتشار بوده و ۴۶۸ میلیون کتاب نیز توسط ناشران فروش رفته است.

در سال گذشته میلادی، ۱۶ هزار و ۲۰۵ عنوان کتاب منتشر شده که از این بین ۳۸ هزار و ۲۵۴ آن مربوط به آثار جدید و چاپ مجدد آنها بوده و ۳۷ هزار و ۸۵۱ عنوان آن چاپ مجدد آثار سال های قبل بوده است.

بودجه وزارت فرهنگ و ارتباطات در سال ۲۰۰۹، ۲/۹ میلیارد یورو بوده که از آن بین ۸۳۳/۴ میلیون یورو در بخش کتاب هزینه شده است.

در گزارش رمان های پر فروش فرانسه در سال ۲۰۰۹، پنجاه اثر پر فروش بازار کتاب طبقه بندی شده و ناشرانی مانند «آلبین میشل» و «آکت سود» هر یک با داشتن هفت عنوان در فهرست آثار پر فروش، به عنوان موفق ترین ناشران فرانسه در سال گذشته معرفی شدند.

رمان «نماد گمشده» اثر «دن براون» با وجود حضور در دو ماه آخر سال در بازار نشر، در صدر فروش رمان فرانسه در سال ۲۰۰۹ قرار گرفت. انتشارات «جی.سی.سی.لیته» نیز موفق به فروش ۶۷۴ هزار نسخه از اثر دن براون طی ماه های نوامبر و دسامبر شده بود. پس از آن رمان «سه زن توانا» اثر «ماری ان دیابیه»

فروش کتاب دیجیتال نیز در آمریکا مانند اروپا رشدی قابل توجه داشت و تنها طی ماه دسامبر با ثبت ۱۹۷۱ میلیون دلار رشد ۱۱۹۷ درصدی را نسبت به ماه نوامبر شاهد بودند. ناشران کتاب دیجیتال در آمریکا در مجموع ۱۶۹/۵ میلیون دلار از فروش کتاب های الکترونیک درآمد داشتند. بر اساس گزارش روزنامه لس آنجلس تایمز از آثار داستانی و غیر داستانی پرفروش در ایالات متحده، «نماد گمشده» اثر دن براون نیز با فروشی بالغ بر ۵/۵ میلیون نسخه در صدر فهرست کتاب های پرفروش سال قرار گرفت و پس از آن آثاری مانند «کلبه» اثر «ویلیام پی یانگ»، «جلد دوم و چهارم مجموعه «سپیده دم» اثر «استفانی مهیر»، مجموعه داستان «فورد کانتی» اثر «جان گریشام» و «کمک» اثر «کاترین استاکت» که در آن به زندگی یک زن جوان سفید پوست و دو خدمتکار سیاه پوست او در دهه ۶۰ در منطقه می سی سی پی آمریکا می پردازد، در رده های بعدی قرار گرفتند.

کتاب «خودسری؛ زندگی آمریکایی» اثر «سارا پیلین» نیز پس از حضور در بازار کتاب آمریکا، فروش بسیار قابل قبولی را تجربه کرد. این اثر پیش از انتشار در ماه نوامبر، چندین هفته به عنوان پرفروش ترین کتاب آمازون پیش از ورود به بازار شناخته می شد. کتاب «خودسری؛ زندگی آمریکایی» شامل خاطرات و زندگینامه خود نوشته سارا پیلین، معاون اول سناتور مک کین در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ بود.

انگلستان

بازار کتاب جزیره انگلستان در سال ۲۰۰۹ با فروشی بالغ بر ۷۷۵ میلیارد پوند، نسبت به سال ۲۰۰۸ رشد نداشت، ولی با کاهشی نیم درصدی رکود فاحشی نیز تجربه نکرد. عدم تغییر فراوان در فروش کتاب این کشور نیز ناشی از کاهش ۷۲ درصدی متوسط قیمت کتاب در انگلستان است که همواره به عنوان چاره ای برای مبارزه با رکود بازار، از سوی سیاست گذاران بازار کتاب در نظر گرفته می شود.

دن براون و استفانی مهیر مانند دیگر کشورها، در انگلستان نیز در صدر فروش قرار گرفتند و آثارشان به ارزش ۴۴۷ میلیون پوند در سال ۲۰۰۹ به فروش رسیدند. ۷ میلیون جلد از این دو نویسنده آمریکایی در انگلستان به فروش رسید و به تهنایی ۳ درصد از میزان کل فروش کتاب انگلستان را به خود اختصاص دادند.

اما در جدول پرفروش ترین آثار سال ۲۰۰۹ در انگلستان «کیت اتکینسون» با ارائه رمان «کی خبر خوش خواهد بود؟» از سوی نشر «بلک سوان» در صدر نویسندگان پرفروش انگلیسی قرار گرفت و موفق به ثبت فروشی قریب به نیم میلیون نسخه از اثرش شد.

گزارش اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان، بخش تجارت آنلاین کتاب سهم بسزایی در رشد میزان فروش کتاب در این کشور در سال گذشته میلادی داشته است. با این حال این اتحادیه رقم دقیقی را درباره میزان فروش این بخش ذکر نکرده است.

دسامبر که ماه فرارسیدن خرید کریسمس بود، در هر سه بخش کتابفروشی های سنتی، تجارت آنلاین و بخش خرید لوازم خانگی با فروشی بسیار اندک و مایوس کننده یک درصدی خاتمه یافت.

بر این اساس، بیشترین هزینه سال ۲۰۰۹ در بخش کتاب های جیبی پرداخت شد که میزان فروش آن ۹/۲ درصد بود.

در بخش فروش کتاب با جلد های ضخیم، کاهشی ۰/۳ درصدی مشاهده شد و میزان فروش کتاب های صوتی نیز در حدود ۹/۶ درصد کاهش یافت، اما در بخش فروش کتاب های داستانی در حدود ۹/۶ درصد افزایش رخ داد که کتاب های جنایی با افزایش ۲۰ درصدی فروش، بیشترین میزان در این بخش را به خودشان اختصاص دادند.

آمریکا

انجمن ناشران آمریکا ماه دسامبر ۲۰۰۹ گزارشی از میزان فروش کتاب در آمریکای سال ۲۰۰۹ ارائه کرد و از رشد ۴/۱ درصدی فروش کتاب در این کشور خبر داد. ناشران آمریکایی در مجموع ۱۷۲ میلیارد دلار از بازار فروش کتاب در کشورشان برداشت کردند.

که موفق به دریافت گنکور ۲۰۰۹ نیز شد، با شمارگانی بالغ بر ۴۱۸ هزار نسخه توسط نشر گالیمار در بازار کتاب عرضه شد. جایگاه سوم متعلق به فروش ۳۹۹ هزار نسخه ای رمان «روز نخست» اثر «مارک لوی» و نشر «روبر لافون» بود و «گریز زیبا» رمان اخیر «آنا گاولدا» با ۳۷۰ هزار نسخه فروش تنها در دو ماه آخر سال، در مکان چهارم قرار گرفت. «بدون تو چه خواهیم بود؟» اثر «گیوم موسو» (نشر خو) با ۳۳۴ هزار نسخه، «هزاره» (جلد اول) اثر «استیگ لارسن» (نشر آکت سود) با ۳۲۸ هزار نسخه، «شب نخست» اثر «مارک لوی» (نشر روبر لافون) با ۳۱۰ هزار نسخه، «هزاره» (جلد دوم) اثر «استیگ لارسن» (نشر آکت سود) با ۲۸۲ هزار نسخه، «انجمن ادبی علاقه مندان به پوست سبب زمینی» اثر «ماری آن شافر» (نشر نیل) با ۲۸۲ هزار نسخه و «هزاره» (جلد سوم) اثر «استیگ لارسن» (نشر آکت سود) با ۲۷۲ هزار نسخه فروش، در جایگاه های بعدی قرار گرفتند.

آلمان

کشور صنعتی آلمان نسبت به فرانسه از این نظر دو برابر رشد داشت و فروش کتاب در این کشور با ۶/۴ درصد افزایش و کسب درآمدی بالغ بر ۴/۵ میلیارد یورو، نسبت به سایر کشورها رشد بالاتری را شاهد بود. در حالی که کتابفروشی های سنتی همواره نیمی از درصد فروش سالانه کشور را به خود اختصاص می دادند، در سال ۲۰۰۹ میزان فروش در این بخش تغییر عمده ای نسبت به سال پیشین نداشت، اما طبق

بیست و یکم تبدیل کرده است.

پروفسور «رابرت لنگدان» نیز مانند «راز داوینچی» قهرمان اثر تازه دن براون است که در پی یافتن اسرار مخفی لژ فراماسونری در واشنگتن است. دن براون، در خلق سومین داستان معمایی پروفسور «لنگدان»، قدم به دنیای فراماسون ها گذاشته و در حل معمای یک هرم سنگی، خواننده را قدم به قدم به دنبال خود می کشد.

به گفته شبنم سعادت، مترجم نسخه فارسی رمان «نماد گمشده»، ویژگی قابل توجه آثار براون در کنار روایت جذاب داستان، ارائه اطلاعات جالب و جدید به خواننده است. وی در این باره می گوید: «حتی برای من به عنوان یک مترجم نیز بارها پیش آمد که لحظه ای سرم را از کتاب بلند کنم و بگویم: «پس که این طور، من نمی دانستم!» او می افزاید: «متن داستان در ضمن روان بودن، پیچیدگی های خاص خودش را داشت و در عین امروزی بودن، در بخش هایی دارای توصیفات ادبی بود و من وظیفه خود می دانستم که بخش های توصیفی را بی کم

«نماد گمشده» اثر دن براون

محبوبیت و شهرت دن براون پس از انتشار «راز داوینچی» در سال ۲۰۰۳ به جایی رسید که با وجود سپری شدن هشت ماه از سال ۲۰۰۹ و انتشار «نماد گمشده» در ماه سپتامبر، آن را به پرفروش ترین کتاب جهان در سال ۲۰۰۹ تبدیل کرد و میلیون ها نسخه از این کتاب در پنج قاره جهان به فروش رسید.

دن براون در ۲۲ ژانویه ۱۹۶۴ در نیوهمپشایر آمریکا به دنیا آمد. او نویسنده داستان های ژانر پرهیجان است و هیجان آتش و امدار عناصری چون رمز، کلید، نماد، کد و نقشه ها و طرح و توطئه های پیچیده داستانی است.

آثار براون به بیش از ۴۰ زبان در دنیا ترجمه شده اند و بالغ بر هشتاد میلیون نسخه از آنها در سال ۲۰۰۹ در دنیا به فروش رسیده اند. چنین آمار خیره کننده ای او را به پرفروش ترین نویسنده دهه نخست قرن

و کاست برای خوانندگان نقل کنم و به کلام براون وفادار باشم.» در آثار اخیر دن براون مانند «راز داوینچی» و «نماد گمشده» به کارگیری موضوعات تاریخی و مذهبی نیز باعث بحث و جدل های فراوانی در محافل دینی مسیحی شده بود. با این وجود نویسنده در سایت شخصی اش به صراحت اعلام کرده است که آثارش هرگز آثاری ضد مسیحی نیستند و خود را دارای گرایش های روحانی و متعالی می داند.

کمپانی فیلمسازی «کلمبیا پیکچرز» نیز ماه گذشته میلادی خبر اکران فیلم «نماد گمشده» در سال ۲۰۱۲ را تایید کرد. نگارش فیلمنامه این فیلم برعهده استیون نایت است که فیلمنامه «جزیره شاتر» به کارگردانی «مارتین اسکورسیزی» را در سال جاری میلادی نوشته است. همچنین انتظار می رود در فیلم نماد گمشده، «تام هنکس» نیز مانند فیلم راز داوینچی، در نقش پروفسور رابرت لنگدان ایفای نقش کند، اما هنوز مانند «راز داوینچی» حضور «ران هاوارد» به عنوان کارگردان «نماد گمشده» تایید نشده است.



زهره نبیلی

دل آرا قهرمان علاوه بر بزرگسالان، برای کودکان و نوجوانان هم کتاب ترجمه کرده است. «درختی که زمستان را از سر گذراند»، «کودک، سرباز، دریا»، «بهترین مامان دنیا» و «نامه‌های بچه‌ها به خدا» از جمله کارهایی‌اند که او برای کودکان و نوجوانان ترجمه کرده است. جدیدترین ترجمه از «شازده کوچولو» را هم انتشارات بهجت با ترجمه قهرمان منتشر کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است. او دانش آموخته علوم سیاسی از سویس است و نویسنده‌گانی چون کارلوس کاستاندا و پائولو کوئیلو را به فارسی‌زبان‌ها معرفی کرده است. با او در این باره گفت‌وگو کرده و دلیل ترجمه‌های مختلف از یک کتاب را از زبانش جویا شده‌ایم.

گفت‌وگو با دل آرا قهرمان، به بهانه ترجمه شازده کوچولو

شگفت زده می شوم، پس زنده‌ام!

می‌فرستند و از آن‌الگو می‌گیرند. به این دلیل است که برای بچه‌ها داستان حماسی و قصه تعریف می‌کنند آن هم قصه‌هایی که پر از رمز و راز و معنی و مفهوم است. اما امروز باور به انسان و توانایی‌های او کمرنگ شده. بعضی فکر می‌کنند نیاز بشر امروز به غذای خوب و سرپناه مناسب محدود می‌شود. پس شما شازده کوچولو را اثری نمادین می‌دانید و نه سوررئال؟

عباس پژمان در ترجمه خود از شازده کوچولو، این اثر را سوررئال دانسته و این نگاه و تحلیل اوست اما من، هریک از شخصیت‌های شازده کوچولو را نماینده گروهی خاص از مردم جامعه می‌دانم؛ مثل «منطق الطیر» عطار که هریک از پرندگان یک الگو هستند. به همین دلیل است که کسی، حرف شازده کوچولو را نمی‌فهمد و همه فکر می‌کنند او از سیاره دیگری آمده است: «فقط بچه‌ها می‌دونن دنبال چی هستن. اونا واسه یه عروسک پارچه‌ای وقت صرف می‌کنن و اون عروسک مهم میشه و اگه از شون بگیرن گریه می‌کنن... اونا خوش اقبالن.» راستی این صدای شازده کوچولوست که می‌گوید: «آدمای شماتوی یک باغ پنج هزار تا گل سرخ پرورش میدن... و اون چیزی رو که می‌خوان پیدا نمی‌کنن... با این همه چیزی که دنبالشن می‌تونه تو یک گل سرخ یا کمی آب باشه... چشم‌ها کورن باید با دل جستجو کرد...»

«اون به ستاره خودش برگشته... و حالا دوست دارم شبها به ستاره‌ها گوش بدم مٹ پونصد میلیون زنگوله... واسه شما هم که شازده کوچولو رو دوست دارین مٹ من، به آسمون نگاه کنین، بپر سین بیئی گل رو خورده یا نه؟ اون وقت می‌فهمین که چقدر همه چیز فرق می‌کنه... و هیچ آدم بزرگی هیچ وقت نمی‌فهمه که این مساله چقدر مهمه...!»



اصلا یکی از ویژگی‌های کتاب خوب این است که خود را به یک گروه سنی خاص محدود نکند؛ همان طور که شازده کوچولو یا «هیچ راهی دور نیست» ریچارد باخ، تنها برای بچه‌ها یا فقط از آن بزرگسالان نیستند، بلکه باخواننده‌خودرشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند.

یعنی بچه‌ها متوجه رمز و رازهای شازده کوچولو و لایه‌های مختلف آن نمی‌شوند؟

بچه‌ها، داناتر و باهوش‌تر از آنند که لایه‌های مختلف یک اثر را درک نکنند. کودکان به خوبی می‌توانند شخصیت‌های مختلفی را که در شازده کوچولو حضور پیدا می‌کنند و هریک معرف یک تیپ هستند، درک کنند و حتی اگر قادر به تجزیه و تحلیلشان نباشند؛ آنچه اهمیت دارد این است که کودکان این لایه‌های پنهان را به ناخودآگاه خود

گونه‌ای است که برخلاف زبان فارسی، گفتار و نوشتار در آن یکی است، یعنی فرانسوی‌ها همان گونه که می‌نویسند، می‌خوانند و صحبت می‌کنند. با این وصف چگونه می‌توان تشخیص داد که متن اصلی کتاب به زبان محاوره بوده است؟ من این ایده را از زنده‌یاد محمد قاضی گرفتم. او در ترجمه خود از عنوان «شازده کوچولو» و نه «شاهزاده کوچولو» استفاده کرده است. از سوی دیگر من مترجم، دلم می‌خواهد به زبانی ترجمه کنم که زبان محاوره مردم است و با آن آشنا ترند. بچه‌ها هم، بهتر و بیشتر درکش می‌کنند. بچه‌هایی که دنیا را بهتر می‌بینند و از دیدن آن شگفت زده می‌شوند و این ویژگی کسانی است که زنده‌اند و دنیا برایشان تکراری نشده. اما خواننده «شازده کوچولو»، تنها بچه‌ها نیستند...

با عرفان نظرآهاری به بهانه انتشار کتاب «من هشتمین آن هفت نفرم»

راه بی پایان حضور

وی معتقد است که باید نسل جوان را با عرفان و منابع و متون عرفانی آشنا کرد و این کاری است که خود او از مدت‌ها پیش آغاز کرده و بر آن است تا مفاهیم قرآنی و سخن شاعران و عارفان بزرگی چون عطار و مولانا را ساده، قابل فهم و امروزی کرده و در اختیار انسان هم‌عصر خود بگذارد و با این روش بین دیروز و امروز پُل زده و ارتباط برقرار کند و از این روست که ردپای ادبیات کلاسیک را در جای جای آثار او شاهدیم؛ «من آدمی هزارساله‌ام که هزاران بار گریخته‌ام. به هزار غار پناه برده‌ام و هزاران بار به خواب رفته‌ام. اما هر جا که رفته‌ام، دقیانوس نیز با من آمده است...دیگر اما گریختن و غار و خواب



سیصد ساله به کار من نمی‌آید... چه بگویم که گریختن از این دقیانوس، گریختن از من است و شورش بر او، شوریدن بر خودم.» نظرآهاری، ناامیدی را محکم‌ترین ریسمان در دست شیطان می‌داند و امید، عشق، استواری و دعا را

نظرآهاری بر این باور است که همه آدم‌ها در ابتدای تولد به نوعی عارف‌اند و از دریچه عرفان به جهان می‌نگرند؛ اما هر قدر که جلو می‌روند و بر عقلانیت آنها (عقل جزئی که مانع ایجاد می‌کند و با عشق بیگانه است و گرنه عقل عقل یا عقل کلی با عشق یکی بوده و آن را تأیید می‌کند) افزوده می‌شود، از فطرت خویش فاصله گرفته و از کائنات جدا می‌شوند و روزگار با خدا بودن و با او زیستن را فراموش می‌کنند.

نظرآهاری، زیرساخت‌ها و بن‌مایه‌های فکری ایرانیان را عرفانی می‌داند و می‌گوید: «همه انسان‌ها به اندازه درک، شعور و شناخت خود با عرفان آشنا هستند و با خواندن متون عرفانی، خاطره‌ای ازلی و ابدی در ذهنشان زنده می‌شود و به تنهایی خود پی‌می‌برند؛ چرا که نیازهای فطری و اساسی انسان ریشه‌دار بوده و در طول زمان ثابت است و تنها ظاهر زندگی است که با گذشت روزگار تغییر می‌کند.»

آیا می‌توان از یک اثر چند ترجمه منتشر کرد؟ آن قدر کارهای تازه برای ترجمه وجود دارد که مترجم را از برگردان دوباره و چندباره یک اثر بی‌نیاز می‌کند آن هم زمانی که کار خوبی چون ترجمه محمد قاضی وجود دارد. اما در عین حال، کسانی هستند که با من و ترجمه‌هایم آشنا نیستند و شاید هنوز این کتاب را نخوانده باشند. چرا در ترجمه خود از زبان گفتاری استفاده کرده‌اید؟ زبانی که پیش از این احمد شاملو در ترجمه این کتاب از آن بهره گرفته بود؟

من در ترجمه این کتاب از زبان محاوره بهره برده‌ام تا از یک سو فاصله زبان گفتاری و نوشتاری را به کمترین میزان برسانم، آن هم در روزگاری که همه در ارسال پیامک و نامه الکترونیک (ای‌میل) از این زبان که ساده‌تر و صمیمی‌تر است، استفاده می‌کنند. از سوی دیگر با این زبان، به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک‌تر می‌شوم؛ زیرا بچه‌ها، مخاطبان بسیار جدی و مهمی‌اند و اگر نویسنده یا مترجمی را بشناسند و دوستش داشته باشند، در بزرگسالی هم، نوشته‌ها و ترجمه‌هایش را با اشتیاق می‌خوانند و این تجربه‌ای است که به من ثابت شده؛ کودکی که دیروز «درختی که زمستان را از سر گذراند» یا «کودک، سرباز، دریا» را خوانده‌اند امروز هم مخاطب جدی ترجمه‌های او هستند.

اما در ترجمه کتاب از عبارات شاعرانه یا اصطلاحاتی استفاده کرده‌اید که خاص خود شماست...

سنت آگروپری در نوشتن کتاب «شازده کوچولو» از این زبان بهره برده است؛ زبانی فاخر و شاعرانه. مشکل اینجاست که ما فکر می‌کنیم بچه‌ها از درک و دانش چندانی برخوردار نیستند، در صورتی که آنها همه چیز را درک می‌کنند و از یادگرفتن کلمات تازه لذت می‌برند. از سوی دیگر خود زبان مبدا به

«سهراب نیستم و پدرم تهمت نداد. اما زخمی در پهلو دارم. زخمی که به دشنه‌ای تیز، پدر برآیم به یادگار گذاشته است. هزار سال است که از زخم پهلوی من خون می‌چکد و من نوشدارو ندارم. پدرم وصیت کرده است که هرگز برای نوشدارو، برابر هیچ کیکاووسی، گردن کج نکنم و گفته است که زخم در پهلو و تیر در گرده، خوشتر تا طلب نوشدارو از ناکسان و کسان. زیرا درد است که مرد، می‌زاید و زخم است که انسان می‌آفریند...»

«من هشتمین آن هفت نفرم»، عنوان کتابی از عرفان نظرآهاری، با تصویرگری سحر بردایی است که به ماجرای سگ‌اصحاب کهف می‌پردازد؛ داستانی که از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) به عنوان یکی از کتاب‌های برگزیده سال ۲۰۱۰ شناخته و معرفی شده است.

نظرآهاری در این کتاب، چون آثار پیشین خود «در سینه‌ات نهنگی می‌تپد»، «چای با طعم خدا»، «بال‌هایت را کجا گذاشتی»، «هر قاصدکی یک پیامبر است» و... به عرفان پرداخته و در این باره می‌گوید: «عرفان، گوهر پنهان همه ادیان و برداشتی شهودی از جهان و هستی است که به انسان کمک می‌کند تا حس بهتر و خوشایندتری از جهان داشته باشد؛ چرا که جهان، دارای معنا و مفهوم است و حضور زنده و پویای آدمی، جزئی معنادار از هستی به شمار می‌رود.»

لازمه رسیدن و پیوستن به خدا، او انسان را به شناخت خودفرامی‌خواند و معتقد است آدمی تا خود را نشناسد، خدا را نمی‌شناسد و به عظمت او پی نمی‌برد.

جهان در باور او زنده و پویاست و هیچ کس به اندازه بچه‌ها، جنبش و زنده بودن ذرات عالم را درک نمی‌کند و با زبان آنان آشنا نیست. از این رو نظرآهاری معتقد است که دنیای عرفانی در نظر کودکان، جهانی واقعی است و نه شاعرانه و رویایی و کودکان، قادیسان کوچکی‌اند که محرم اسرار ذرات عالم‌اند.

این شاعر و نویسنده، زمین‌راکره کوچکی می‌داند که ابتدا و انتهای ندارد و هیچ کس به نهایت آن نمی‌رسد چرا که رسیدنی در کار نیست؛ فقط رفتن است، حتی اگر اندکی و هر بار که می‌روی رسیده‌ای و خود همچنان رونده این راه است. مرگ در باور او «هدیه‌ای سر به مهر است و حوا بی آن که آن را بگشاید، با اشتیاق از خدا می‌پذیرد.»

نظرآهاری به حکم زن بودن، زنانه می‌نویسد. او در کتاب «من هشتمین آن هفت نفرم» از زلیخا، رابعه و حوا سخن گفته است: «حوا هر روز کودکی به دنیا می‌آورد و فردا او را به خاک می‌سپارد. حوا می‌داند زندگی درنگی کوتاه است و این درنگ را به شکر و شادی و شکوه پاس می‌دارد زیرا خدا این گونه دوست دارد. حوا فرزندش را به خاک می‌دهد، امیدش را اما نه...»

نگاهی به مجموعه داستان ارواح مرطوب جنگلی نوشته محسن حکیم معانی

آمیختگی زبان و تکنیک



ارواح مرطوب جنگلی

ریزش معنایی یک شخصیت هم به گونه‌ای زیبا در این کار ساخته شده است و آقای خ در یک تحول درونی از آدمی اهل مطالعه و دست به قلم، به شخصیتی کاملاً معمولی با دلمشغولی‌های سطحی تبدیل می‌شود، نکته‌ای که ناخودآگاه نارسایی جامعه را در برابر حفظ وجدان‌های بیدار به ذهن متبادر می‌کند: «الآن نه ماه است که از تصمیم آقای خ مبنی بر این که دیگر روزنامه نخواند می‌گذرد و او همچنان در زیرزمین خانه‌اش نشسته است. همسرش به او غذا می‌دهد و برایش سیگار می‌خرد... آنچه این روزها ذهن آقای خ را به خود مشغول کرده، این است که چگونه در عین حال که روزنامه نمی‌خرد و به اخبار رادیو هم گوش نمی‌دهد، ارزش سهامی را که سال گذشته در بورس خریده است تخمین بزند.»

همان گونه که گفته شد در مجموعه حاضر «آن»‌های داستانی وجود دارند که به راحتی نمی‌توان از کنارشان گذشت. این مجموعه دارای داستان‌های متنوعی است که ظاهر در فاصله‌ای دور از هم نوشته شده‌اند و بر همین اساس می‌توان به راحتی به دنیای ذهنی نویسنده اعتماد کرد.

کوتاه سخن این که حکیم معانی در نخستین مجموعه‌اش توانسته توفیقی نسبی به دست آورد که معمولاً در کتاب‌های اول قابل رویت نیست. مجموعه داستان «ارواح مرطوب جنگلی» سال ۱۳۸۸ در شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و با قیمت ۱۹۰۰ تومان توسط نشر ققنوس عرضه شده است.

است تلخی‌های این روایت تاریخی را با ایجاد فضاهای کاملاً داستانی و گویش‌های خوب، پر کند که همین تلاش را می‌توان به عنوان ذهنیت اصلی کار به رسمیت شناخت.

نکته جالب توجه در این کار، نگاه به جزئیات در قالب دلهره‌های شخصیت‌های اصلی است، یعنی بسیاری از شخصیت‌ها به جز رئیس علی، کاملاً مانند یک آدم عادی رفتار می‌کنند، به این معنا که هم ترس دارند و هم شور مبارزه و گاهی هم ناامید از نتیجه مبارزه به گوشه خلوت خود پناه می‌برند و سودای پیروزی را در سر می‌پروراند.

این زیر و بم‌های شخصیتی در بسیاری از موارد، کار و لی‌زاده را از درافتادن در ورطه کسالت نجات داده‌اند و ای‌کاش او در مورد شخصیت‌های منفی هم بیشتر به عناصر درونی توجه نشان می‌داد و با نگاهی تک بعدی به محکوم کردن آنها اقدام نمی‌کرد. به هر شکل کتاب «تاج سر کرانه» را می‌توان در ردیف کتاب‌هایی قرار داد که نه می‌توان از آن گذشت و نه می‌توان به عنوان کتاب بالینی پذیرفت. این کتاب کتابی است که انگیزه خواندن را در مخاطب ایجاد می‌کند و همین ایجاد کنجکاوای نکته‌ای است که بسیاری از کارهای مدعی توان پدید آوردنش را ندارند.

مجموعه داستان «تاج سر کرانه» سال ۱۳۸۸ در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و با قیمت ۲۲۰۰ تومان توسط انتشارات آئینه جنوب منتشر شده است.

جرقه اولیه این داستان تعلیقی به وجود آورده که خواننده را تا پایان کار رها نمی‌کند. نکته جالب توجه این که شخصیت مزبور به هیچ عنوان از بیماری خاص مثلاً عصبی بودن رنج نمی‌کشد و تصمیم آنی او به شدت ریشه در باورهای اجتماعی‌اش دارد: «... در حقیقت آقای خ نمی‌خواست از اخبار آگاه شود و این را وقتی می‌فهمیم که بدانیم همان روز صبح در جواب صاحب دکه روزنامه فروشی که بسته سیگار را جلوی پیشخوان گذاشت و از او پرسید: چرا نمی‌خواهید روزنامه بخوانید؟ گفت: دیگر نمی‌خواهم اخبار را بدانم.»

این داستان که می‌توان از آن به عنوان بهترین داستان مجموعه یاد کرد. دارای ریشه‌های بکر داستانی است که از زوایای گوناگونی قابل بحث است. عمق اصالت روایت در این داستان به گونه‌ای است که هم از جنبه‌های روانشناختی می‌توان به آن نگاه کرد و هم جامعه‌شناسی ظریفی را می‌توان از لابه‌لایش بیرون کشید: «... از آن روز فقط برای صرف غذا آن‌هم به تنهایی از زیرزمین خارج می‌شد. بعد از گذشت ده روز روابط تیره آقای خ و همسرش با اقدامات خیرخواهانه از طرف خانم مجدداً دوستانه شد، چراکه صبح وقتی آقای خ از خواب بیدار شد و برای صرف صبحانه خواست زیرزمین را ترک کند متوجه صبحانه حاضر و آماده‌ای شد که روی میز تحریرش چیده شده بود. آقای خ لبخندی از روی رضایت زد و پشت میزش نشست...»

نویسنده در این بخش از داستان به حرکتی دست می‌زند که می‌توان از آن به عنوان یک طنز تلخ یاد کرد زیرا او بدون هیچ گونه توصیف مستقیمی به خواننده‌اش می‌فهماند که شخصیت بریده از جامعه بیرونی به گونه‌ای دستی بر نوشتن دارد و آدمی معمولی نیست؛ نکته‌ای که مخاطب را بیشتر در مورد او کنجکاو می‌کند.

روزمره بیرون کشیده است. حکیم معانی با ثبت لحظه‌هایی که دیدن آنها فقط مخصوص نگاهی تیزبین است توانسته علاوه بر ساخت کنش‌های داستانی، توجه خواننده‌اش را به سمتی دیگر از سویه‌های زندگی بکشاند، همان گونه که در داستان «عصا» از زبان راوی می‌گوید: «... انسان‌ها هر کدام سلایقی دارند و طبق همان سلیقه‌ها زندگی می‌کنند. اما چنان که در ابتدای امر به نظر می‌رسد این مسئله به هیچ وجه بدیهی نیست. شاید مشکل بتوان فهمید چرا علاقه و سلیقه یک نفر فلان مورد جزئی را بر نمی‌تابد یا جایگزینی به همان بی‌اهمیتی برایش پیدا می‌کند...» این مقدمه که بر داستان «عصا» نوشته شده، گرچه به گونه‌ای یادآور آغاز رمان «بوف کور» هدایت است و راوی به مثابه یک شخصیت همه چیز دان مطرح می‌شود، اما نوع ساز و کار داستان در ادامه نشان می‌دهد که نویسنده خط‌کشی‌های اصولی برای درنفتادن به ورطه تکرار را از قبل طراحی کرده و بر همین اساس، خواننده با داستانی شسته رفته طرف است که به لحاظ حضور در بدنه داستان نویسی امروز، می‌تواند دارای جایگاهی درخور باشد.

یکی دیگر از مواردی که باید درباره مجموعه حاضر به آن اشاره کرد، شیوه‌ای از عصیانگری شخصیت‌هاست که به آثار پست مدرن پهلوی می‌زند. واکنش آنی شخصیت‌ها به وضعیتی که در آن به سر می‌برند و تمایل به برون‌رفت از این وضعیت، حالتی است که در چند داستان این مجموعه به چشم می‌خورد و در داستان «دیگر نمی‌خواهم روزنامه بخوانم» به اوج خود می‌رسد. این داستان که حامل وضعیتی بدیع است، شخصیتی دارد که به ناگهان و درست مانند شخصیت‌های پست مدرن، تصمیم می‌گیرد دیگر روزنامه نخواند و کلنجارهای ذهنی او باعث پدید آمدن وضعیتی داستانی می‌شود که بسیار خواندنی از آب درآمده است.

محسن حکیم معانی در نخستین مجموعه داستانش قصد دارد به حال و هوایی مخصوص به خود در حوزه ادبیات داستانی دست پیدا کند. این نویسنده که بیشتر به عنوان یک فعال ادبی در رسانه‌ها شناخته شده، حاصل کار ۱۰ ساله خود را در قالب ۱۳ داستان عرضه کرده است.

«ارواح مرطوب جنگلی» شاید به لحاظ آنچه نویسنده در پی آن است، توفیق چندانی به دست نیاورده باشد اما مانند بسیاری از کتاب‌های اول، نمی‌توان به راحتی از کنارش گذشت.

یکی از مشخصات بارز این کتاب کارکرد قابل توجه زبانی است، نکته‌ای که باید آن را نجات بخش مجموعه قلمداد کرد. حکیم معانی در این اثر نشان داده است که با گفت و گونویسی رابطه بسیار خوبی دارد زیرا آنچه از زبان شخصیت‌ها بیرون می‌آید به شدت باورپذیر و همسان با شخصیت آنهاست.

تک‌گویی‌های درونی شخصیت اول داستان با تمام ذهنیت مغشوش بسیار خواندنی است و نویسنده به خوبی توانسته است ایرادهای تکنیکی کارش را در پس همین تک‌گویی‌ها پنهان کند «... نمی‌دانم قضیه از کجا آب می‌خورد. شاید بند را آب داده، پسره مزخرف ریفو. همان دیروز صبح که سرگرد شهبازی صدایم کرد و گفت دژبان دم در منتظرم است تا ببرم قضایی، دلم هری ریخت پایین. شستم خبردار شد که یک جایی یک تخمی کاشته آقا زاده و حالا باید گند و گه‌اش را پاک کنم...» این شیوه گفتار عصبی از آن بابت قابل باور است که با حال و هوای شخصیت همخوانی کامل دارد و به قول معروف، گفتار و کردار با هم یک مسیر معین را دنبال می‌کنند؛ نکته‌ای که درباره اغلب داستان‌های این مجموعه صادق است.

نکته دیگر درباره این مجموعه، کشف لحظه‌های داستانی است که نویسنده با دقت تمام از دل زندگی

نیاز به قهرمان‌سازی مساله‌ای است که در همه جوامع بشری رواج دارد و پرداختن از زوایای گوناگون به شخصیت‌هایی که در برهه‌ای از تاریخ نام نیکی از خود به جا گذاشته‌اند، رسمی دیرینه است که حتی در بعضی موارد پا به حریم اغراق و اسطوره‌سازی هم می‌گذارد.

حرف و حدیث‌ها درباره شخصیتی مانند «رئیس علی دولاری» همانند بسیاری از چهره‌های تاریخی، بسیار ضد و نقیض است به گونه‌ای که بعضی از مورخان او را یک فتودال نگران سرمایه‌های خود معرفی می‌کنند و بسیاری دیگر هم او را مدافع بلامنزاع هستی جنوب در دوره زمزمه‌های اشغالگری می‌دانند؛ یعنی همان ذهنیتی که درباره یکی دیگر از شخصیت‌های تاریخی جنوب به نام «میر مهنای بندر ریگی» وجود دارد.

به هر حال رئیس علی، در دوره‌ای از تاریخ معاصر به شخصیتی از نوع دوم تبدیل شد به گونه‌ای که سریالی تولید شد که نام او را بیشتر بر سر زبان‌ها انداخت، گرچه این سریال به لحاظ رعایت اصول تاریخی دارای نقص‌هایی بود اما حاصل، این شد که زمزمه‌های قیام جنوب برای نسل نو آمده بازسازی شد.

این مقدمه از آن جهت تقدیم شد که کتابی که این مطلب به آن می‌پردازد، به اشکال گوناگون یادآور همان سریال معروف است و خواننده‌ای که آن کار را دیده باشد می‌تواند در بخش‌هایی از این کار

نگاهی به داستان مستند «تاج سر کرانه» نوشته محمد ولی زاده

سفری در خاطره یک مبارز

انتظارات خود را معین کند و به خوبی بداند که از یک کتاب خاص چه می‌خواهد، بر همین اساس باید گفت که یک خواننده وقتی سراغ این کتاب می‌رود، باید بداند که به لحاظ تاریخی قرار نیست چیزی به اطلاعاتش افزوده شود بلکه باید به تصور خواندن یک داستان سرگرم‌کننده که برایش زحمت کشیده شده، شروع به خواندن کند.

کتاب «تاج سر کرانه» کتابی است که برای مخاطب عام نوشته شده و نویسنده هیچ گونه ادعایی مبنی بر احاطه بر حوزه داستان ندارد و در واقع کتابی است که می‌توان آن را در یک نوبت خواند و لذت برد بدون آن که بخوایم به مسائلی غیر از خواندن روایت داستانی بیندیشیم.

این داستان به لحاظ فنون نویسندگی در ردیف کارهای خطی قرار می‌گیرد چون قرار است یک شخصیت را از بدو حضور در کار و اوج و فرودها همراهی کند، به همین منظور نویسنده سعی کرده

صحنه‌ها را مجدداً در ذهن خود مرور کند که البته این شاید از نقص کار نباشد زیرا همه کسانی که به گونه‌ای خواسته‌اند درباره شخصیت‌های قیام جنوب کار کنند، با مشکل عمده‌ای به نام ضعف منابع روبه‌رو بوده‌اند، مشکلی که دست نویسندگان را بسته و آنان را مجبور کرده است از زاویه‌ای واحد به کلیت ماجرا نگاه کنند، یعنی همان مشکلی که گریبان ولی‌زاده را هم گرفته است.

به لحاظ حرفه‌ای نباید از یک نویسنده حوزه ادبیات داستانی انتظار داشته باشیم که وجه تاریخی را بیش از وجه تخیلی در کارش دخیل کند چون اگر چنین اتفاقی بیفتد مادیر یک‌بار یک کار خلاقه مواجه نخواهیم بود، یعنی این که نویسنده روایت داستانی

از یک واقعه تاریخی بیش از هر چیز دیگر باید به ساخت و ساز روایت بیندیشد و این مهم در کتاب «تاج سر کرانه» اتفاق افتاده است.

مخاطب باید پیش از خواندن یک اثر حدود





یگانه وصالی

ایزابیل آئنده نویسنده شیلی تبار، مدت دو دهه است که توجه و تحسین جامعه بین المللی را برای ادبیات دلنشینش به خود معطوف کرده است. او برای خلق قهرمانان زن در ادبیات شیلی شهرت پیدا کرده و در رمان «جزیره‌ای زیر دریا» باز هم به آزادی و مبارزه برای رسیدن به آن، اشاره دارد. این رمان در مورد برده جوانی است به نام «زاریته». این زن هم مانند دیگر قهرمانان زن داستان‌های آئنده، برای رسیدن به آزادی، قدم در راه پر پیچ و خمی می‌گذارد و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. گفتگوی حاضر در مورد تفکرات خاص او، در مورد سبک خاص نوشتار او و قهرمانان زن در ادبیات شیلی شکل گرفته است و اینکه چطور به تدریج واقعیت و داستان را به هم آمیخته است. او برادرزاده سالوادور آئنده، رئیس‌جمهور پیشین شیلی است که بر اثر کودتای آمریکایی پینوشه از قدرت کنار رفت.

گفت و گو با ایزابیل آئنده

به تخیل خواننده ایمان دارم

اوایل دهه هفتاد هم تاثیر بسیار مهمی بر زندگی و نوشتن من داشت.

شما یک نویسنده زن هستید. آیا در داستان «طرح ناتمام» برایتان دشوار نبود که از زبان یک مرد روایت کنید؟

به هیچ وجه. من در داستان «خانه ارواح» نیز داستان را از زبان یک مرد روایت کردم. برخی از قسمت‌های کتاب از زبان استفان تروئیا روایت می‌شود که به هیچ وجه برایم دشوار نبود. در داستان «طرح ناتمام» کار برایم آسان تر بود چرا که از راهنمایی‌های شوهرم برخوردار بودم و سپس دریافتیم که شباهت‌های جنسیتی بیشتر از تفاوت‌هاست. اساساً انسان‌ها بسیار به یکدیگر شبیه‌اند ولی ما به جای اینکه شباهت‌ها را درشت نماییم، خود را اسیر تفاوت‌ها کرده‌ایم.

منتقدان، شیوه نگارش داستان‌های شما را رئالیسم جادویی نامیده‌اند. آیا تمام کتاب‌های شما در این ژانر قرار دارند؟

به نظر من هر داستان شیوه خاص خود را برای بیان شدن و هر شخصیتی لحن و سیاق ویژه خودش را دارد. شما نمی‌توانید همیشه یک فرمول را تکرار کنید. رئالیسم جادویی که به شکل چشمگیری در «خانه ارواح» وجود دارد، در کتاب دوم من، «از عشق و سایه‌ها»، به هیچ وجه رد و اثری از خود بر جای نگذاشته و دلیلش هم واضح است، چرا که کتاب دوم را بر اساس یک داستان جنایت سیاسی یعنی ترور سالوادور آئنده در شیلی نوشته‌ام. همچنین در داستان‌های دیگرم نظیر «طرح ناتمام»، «آفرودیت»، «دختر سرنوشت» یا «پرتره قهوه‌ای»، هیچ اثری از رئالیسم جادویی به چشم نمی‌خورد. در حالی که در رمان جدیدم که کاری برای کودکان به نام «شهر دیوان» است، رئالیسم جادویی نقش پررنگ و چشمگیری دارد. گاهی رئالیسم جادویی را می‌توان به کار بست و گاهی نمی‌شود. از سوی دیگر، نویسندگانی چون «تونی موریسون»، «باربارا کینگ سالور» و «آلیس هافمن» در این ژانر بیشتر کار کرده‌اند.

ممکن است کمی هم در مورد شخصیت‌های داستان‌هایتان صحبت کنید؟

وقتی شخصیتی را خلق می‌کنم به دنبال فردی می‌گردم که بتوان از او به عنوان یک مدل برای آن شخصیت استفاده کرد و قاعدتاً اگر آن شخص را در ذهن داشته باشم بسیار راحت‌تر شخصیت‌های قابل باور خلق خواهم کرد. انسان‌ها همیشه پیچیده و پر رمز و رازند و به ندرت همه وجوه شخصیتشان را بروز می‌دهند، به نظر من شخصیت‌های داستان‌ها هم باید اینگونه باشند.

و به عنوان آخرین سوال، آیا کارهایتان را زیاد ویرایش می‌کنید؟

بله، از نظر زبانی. ولی پیرنگ داستان‌هایم را معمولاً ویرایش نمی‌کنم و در آنها تغییر زیادی نمی‌دهم. در واقع کاراکترها داستان زندگی خودشان را دارند و من کنترلی بر آنها ندارم. همیشه دلم می‌خواهد شخصیت‌ها شاد و سرخوش باشند، از دواج کنند، تعداد زیادی بچه به دنیا بیاورند و تا ابد در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند اما هیچ‌گاه اینچنین نمی‌شود. همانطور که قبلاً هم گفتم، پایان‌های خوش را دوست ندارم و به کار من نمی‌آیند.



آگاه نیستم که به نظرم فرآیند غربی است. انگار با داستان‌گویی واقعیت‌های هر چند کوچک را درباره خود، زندگی، مردم و اینکه ساز و کار و دنیا چگونه است، کشف می‌کنی.

یک پایان خوب برای داستان چگونه است؟

واقعاً نمی‌دانم. در داستان کوتاه یک چیز است و در رمان چیز دیگری. در داستان کوتاه پایان از اهمیت فراوانی برخوردار است چون اگر پایان خوبی وجود نداشته باشد، در واقع داستانی در کار نخواهد بود. به نظر من، داستان کوتاه مثل یک پیکان می‌ماند. بدین معنی که از شروع داستان بلدانی چه هدفی را دنبال می‌کنی. اما در رمان چنین چیزی وجود ندارد. شما شروع به نوشتن می‌کنید، نمی‌دانید به کجا می‌روید و با وجود آنکه طرح خاصی در ذهن دارید، به کندی پیش می‌روید. ناگهان درمی‌یابید که باید همه چیز را به هم بزنید، چرا که طرح دیگری را بیشتر پسندیده‌اید. واقعاً تجربه جالب و زیبایی است. در واقع در داستان کوتاه این که چگونه بگویید مهمتر از این است که چه بگویید. منظوری این است که در داستان کوتاه فرم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در رمان، شما می‌توانید مرتکب اشتباه شوید و تعداد کمی از مردم متوجه آن خواهند شد. پایان‌های خوش و شاد را نمی‌پسندم. خودم به شخصه داستان‌های پایان‌باز را بیشتر دوست دارم. من به تخیل خواننده ایمان دارم.

چه کسانی و چه آثاری بر کار شما تاثیر بسزایی داشتند؟

من متعلق به نخستین نسل از نویسندگان آمریکای لاتین هستم که با خواندن آثار نویسندگان آمریکای لاتین پرورش یافته‌ام. قبل از دوران ما، آثار نویسندگان آمریکای لاتین در قاره ما به خوبی توزیع نشده بود. به همین دلیل، در شیلی خواندن آثار دیگر نویسندگان لاتین بسیار سخت بود. من از همه آثار خوب آمریکای لاتین تاثیر پذیرفته‌ام؛ همچنین از نویسندگان روس و انگلیسی. از خواندن این کتاب‌ها چگونگی خلق شخصیت و ریختن پیرنگ و از هزار و یک شب فانتزی را یاد گرفته‌ام. خواندن آثار نویسندگان در

درد است» آیا منظور آن آزادی به معنی عام کلمه است و هزینه‌ای که انسان‌ها برای رسیدن به آن باید بپردازند؟

هنگامی که تصمیم می‌گیرید آزاد باشید، منظور من از آزادی همه اشکالش است، پس باید منتظر عواقب آن نیز باشید. همیشه برای آزاد بودن باید هزینه پرداخت و به نظر من این هزینه در مقایسه با ارزش خود آزادی چیز کم بها و ارزانی است.

کتاب‌هایتان همیشه راجع به عشق و علاقه مندی است. در مورد آن کمی توضیح دهید.

معتقدم که اساسی‌ترین حس در زندگی من عشق و دوستی است. همین احساسات و تعلقات احساسی‌اند که برای من حائز اهمیت‌اند و گر نه مسائل دیگر زندگی زودگذر و میرا هستند.

نظراتان راجع به دنیای ادبیات، منتقدان و جوایز ادبی چیست؟

صادقانه بگویم من عضو هیچ انجمن ادبی نبوده و نیستم. هیچ‌گاه به صورت آکادمیک ادبیات نخوانده‌ام و با هیچ محفل یا گروهی از نویسندگان ارتباط ندارم. در هیچ مسابقه ادبی شرکت نکرده‌ام، به دلیل اینکه تعلقی به این موضوعات ندارم و با دنیای من متفاوت است. دنیای من، شکار موضوع داستان مانند یک ژورنالیست حرفه‌ای، پرداخت آن از لحاظ زبانی و فنی و در نهایت روایت داستان است.

آیا به زبان اسپانیایی هم می‌نویسید؟

آثار داستانی‌ام را فقط می‌توانم به زبان اسپانیایی بنویسم، فقط به زبان خودم. خوشبختانه در سرتاسر دنیا مترجمان خوبی دارم و از این بابت نگرانی ندارم.

داستان‌هایتان را از کجا الهام می‌گیرید؟

من شنونده و شکارچی خوبی هستم. هر کسی داستان خودش را دارد و هر داستانی به نحوی جذاب است، به شرط آنکه به درستی و با لحن و سیاق مناسب تعریف شود. معمولاً خواندن خبرهای روزنامه‌ها الهام بخش من در نوشتن رمان هستند.

چگونه این الهام اتفاق می‌افتد؟ ممکن است کمی توضیح دهید؟

من ده تا دوازده ساعت در یک اتاق تنها می‌نشینم. با هیچ‌کس حرف نمی‌زنم، تلفن را جواب نمی‌دهم، در واقع من فقط یک واسطه یا ابزار برای آن چیزی که ورای من رخ می‌دهد هستم؛ صداهایی که از طریق من به حرف درمی‌آیند. کار من خلق دنیایی داستانی است که متعلق به من نیست. در این مکاشفه چند ساعته چیزهای زیادی درباره خودم و زندگی دریافته‌ام. یاد گرفته‌ام که حتی به آنچه می‌نویسم

من شنونده و شکارچی خوبی هستم. هر کسی داستان خودش را دارد و هر داستانی به نحوی جذاب است، به شرط آنکه به درستی و با لحن و سیاق مناسب تعریف شود

در داستان «جزیره‌ای زیر دریا» ابتدا به خلق شخصیت‌ها پرداختید یا اینکه پیرنگ داستان را ریختید؟

تا قبل از اینکه محل وقوع داستان را بینم فکر نمی‌کردم تا این حد توجه‌ام را جلب کند. من سفری به کشورهای دریای کارائیب داشتم و زندگی سیاهان آزاد در نیو اورلئان مرا به وجد آورده بود، در واقع نه فقط خود نیو اورلئان، بلکه فرهنگی که موسیقی جاز را خلق کرده بود و کاملاً منحصر به فرد و متفاوت از دیگر ایالت‌های آمریکاست. همان‌جا بود که شخصیت «زاریته» در ذهنم شکل گرفت. نمی‌دانم در خواب دیدم‌ش یا زاینده خیال‌پردازی‌های روزانه‌ام بود، ولی به هر حال آن قدر شفاف دیدمش که برای انتخاب نوع لحن و تعریف شخصیتش به مشکل برخوردیم.

کتاب‌های شما معمولاً بین دو درونمایه مشخص متغیرند، خاطرات و رمان‌هایی همراه با کند و کاوهای تاریخی. فکر می‌کنید در هر دو این درونمایه‌ها دغدغه‌ها و شخصیت خودتان را روی کاغذ می‌آوردید؟

من نمی‌توانم راجع به موضوعی که با تمام وجودم آن را حس نکرده باشم، بنویسم. به همین خاطر دائم در حال نوشتن در مورد زنان هستم. چرا که زنان، چون مردان همیشه در جستجوی آزادی و استقلال هستند. در اصل، نوشتن، طرح مسأله «خود» است، حتی اگر از ابتدای کار نوشتن چنین قصدی در کار نباشد. به هر حال شخصیت واقعی شما به عنوان نویسنده از لایه‌های خطی و با اندکی زیرکی، کاملاً در معرض دید است. اما خاطره نوشتن دشوارتر است، چرا که دیگر تنها نیستیم و مجبورم از همه کسانی که در کتاب حضور دارند، کسب اجازه کنم، که البته احساس خوبی از این کار به من دست می‌دهد.

زاریته بعد از اینکه پسرانش را از دست می‌دهد، پسر دیگری را به عنوان فرزند خوانده تحت سرپرستی خود قرار می‌دهد. آیا به همین دلیل این کتاب را به فرزندانتان نیکولاس و لوری دختر خوانده‌تان و بدون ذکر نام دخترتان پائولا که سال ۱۹۹۲ درگذشت، تقدیم کرده‌اید؟

لوری دخترم دوازده سال است که با من همکاری می‌کند. او مسؤول بنیاد من است و با هم در یک دفتر کار می‌کنیم. درباره کودکان، مسائل کاری و هزاران چیز دیگر با هم صحبت می‌کنیم و واضح است که او دختر من است. نیکولاس، پسر من، همیشه به من می‌گوید که به دنبال دختر بچه‌ها می‌گردم تا به خانه بیاورمشان، انگار که می‌خواهم پائولا (خواهر از دست رفته‌ام) را بازیابم. اگر هم چنین کاری می‌کنم کاملاً ناخودآگاه است. به هر حال من علاقه زیادی به زندگی زنان جوان دارم و اصلاً بنیاد من متعلق به آنان است. معتقدم وظیفه زنانی به سن و سال من حمایت و مراقبت از زنان جوانی است که نگران امرار معاش و فرزندانشان هستند. به نظر من داشتن نقش زن سالخورده خردمند جالب نیست؛ شما درست اشاره کردید، قهرمان داستان هیچ تمایزی بین فرزند خوانده و فرزندش نمی‌گذارد. او زندگی‌اش را فدای هر دو می‌کند.

در جایی نوشتید «راه رسیدن به آزادی پر رنج و

مروری بر آخرین کتاب ایزابل آئنده

برده‌هایی به سیاهی تاریخ

آزادی می‌شود. اما آئنده دنیای آزادی را بسیار متفاوت تر از دنیای آزاد ذهن خواننده به تصویر می‌کشد. دنیای آزاد زریته سرشار از ترس و نگرانی‌هایی است که از کودکی با او همراه بوده و لحظه‌ای او را تنها نگذاشته‌اند. روزهای بی‌ارباب و دستورهای اجباری زریته با مشکلات و سختی‌های دنیای آزاد جایگزین شده و داستان‌های دیگری می‌آفرینند. آئنده این بار با نوشتن «جزیره‌ای زیر دریا» داستان خانواده‌پرماجری را بیان می‌کند که باز زندگی بردگان خود گره خورده‌اند. «جزیره‌ای زیر دریا» سراسر داستان‌های پر پیچ و خم و غیرقابل پیش‌بینی است که گاه با تصمیم‌های شخصیت‌های داستان پیش می‌رود و گاه با تغییر اوضاع سیاسی مملکت راه‌های جدیدی جلو پای این افراد گذاشته می‌شود. ایزابل آئنده با نگاه تیزبین و زنانه خود توانسته خواسته‌ها و افکار برده زجر دیده را به بهترین نحو ممکن روی کاغذ بیاورد.

بسیاری، آئنده را به عنوان یکی از نویسندگان خرافاتی می‌شناسند چرا که اعتقاد به خرافات در بیشتر آثارش به راحتی دیده می‌شود؛ گاه در اثری به اوج می‌رسد و گاه در اثر دیگر (مثل «جزیره‌ای زیر دریا») تنها تلنگری به جادوی وودو در قیابلی آفریقایی می‌زند و تاثیر آن را بر زندگی بومیان آفریقایی به طور مختصر بیان می‌کند. آئنده خود با نگرشی سیاسی درباره این رمان حرف می‌زند و نژادپرستان آمریکایی را متهم می‌کند: «گرایش‌های نژادپرستانه در آمریکا رانمی‌توان نادیده گرفت.» و در جایی دیگر در حضور خبرنگاران در راستای معرفی رمان جدیدش می‌گوید: «بسیاری از مردم ساکن ایالات متحده آمریکا، به ویژه افرادی که سنی از آنها گذشته، افراد حقوقی و کسانی که در دنیای نژادپرستانه بزرگ شده‌اند. همچنان از تصور این که اوایما در کاخ سفید همراه خانواده‌اش زندگی می‌کند. متعجب می‌شوند.»

آئنده روزنامه‌نگار و نویسنده ۶۷ ساله آمریکایی لاتین است که مانند بسیاری از نویسندگان این خطه نوشته‌های خود را در سبک رئالیسم جادویی خلق می‌کند. او عموزاده سالوادور آئنده، رئیس‌جمهور مخلوع شیلی است که در سال ۱۹۷۳ در کودتایی با حمایت سازمان جاسوسی آمریکا از قدرت کنار گذاشته شد.

از آئنده در ایران تاکنون بیش از ۱۰ کتاب ترجمه شده که از میان‌انهمی‌توان به رمان‌های «خانه ارواح»، «از عشق سایه‌ها»، «نقش رنگ باخته»، «تصویر کهنه»، «شهر جانوران» و «اشباح مه» اشاره کرد.



می‌کنند که فرار کند. ارباب هم به زریته قول می‌دهد که او را آزاد کند. با مرگ زود هنگام همسر و الموریان، او که بویی از انسانیت نبرده، همسر دیگری اختیار می‌کند. در این بین زریته هر روز را در خانه و الموریان به امید آزادی به شب می‌رساند. روزهای طاقت‌فرسای انتظار زریته تمام می‌شود و الموریان آزادی وعده داده شده را از آن زریته می‌کند. برده

و رود تولوس و الموریان (پسر ارباب) این خانه دچار دگرگونی‌هایی شده است.

تولوس و الموریان ماموریت رسیدگی به فروش مایملک پدر را برعهده دارد، چرا که پدرش در بستر مرگ است. و الموریان در نگاه اول از زریته خوشش می‌آید و او را به عنوان مستخدم به منزل خود می‌برد تا در خدمت همسرش که زنی اسپانیایی است، کار کند. زریته آنجا زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کند، غافل از بازی‌هایی که روزگار برایش به وجود خواهد آورد. روزها بدون اتفاق چشمگیری به شب می‌رسند، اما برای زریته جور دیگری است. او مدام از نگاه‌های اربابش فرار می‌کند. چیزی بیگانه و زنده در آن دو چشم وجود دارد که نمی‌تواند به کسی بگوید. سرانجام زمانی که زریته دیگر راه فراری ندارد، و الموریان از او سوءاستفاده و به وی تعرض می‌کند. کودک زریته در میان اشک و آه و زاری او به دنیا می‌آید و این هنگامی است که و الموریان در مقابل نگاه‌های ملتسانه وی، نوزاد را به ویولت می‌بخشد. ویولت بوزیر زنی خوش صحبت و زیباروست که همه او را می‌شناسند و همراه همسرش که در ارتش خدمت می‌کند، زندگی پر سروصدایی دارند.

در این بین همسر و الموریان کودکی به دنیای آورد که در واقع پدرش (گمبو) برده‌ای است شورشی. هنگامی که تعدادی از برده‌ها به مایملک و الموریان حمله می‌کنند، زریته و گمبو به و الموریان کمک

هنوز هم زندگی برده‌ها و ماجرای تبعیض نژادی و برده‌داری دستمایه خلق آثار ادبی می‌شود و یکی از آخرین این آثار، «جزیره‌ای زیر دریا» اثر ایزابل آئنده، نویسنده شیلیایی است.

«در سن ۴۰ سالگی بهترین شانس را نسبت به برده‌های دیگر داشته‌ام. من، زریته سدللا، مطمئن هستم که سال‌های طولانی باقیمانده از عمرم را متفاوت زندگی خواهم کرد. این اطمینان را ستاره زندگی‌ام که از کودکی هنگام شب به آن خیره می‌شدم، به من داده است. اولین شادی‌های زندگی‌ام را با صدای طبل و موسیقی آفریقایی تجربه کردم. اصواتی که زریته را محو می‌کرد و کودکی شاد باقی می‌گذاشت.»

ایزابل آئنده رمان جدیدش را با این جملات آغاز کرده است، داستانی با عنوان «جزیره‌ای زیر دریا» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. «جزیره‌ای زیر دریا» رمانی است که در زمان معرفی آن به جامعه ادبی کاملاً بعد سیاسی پیدا کرد. این رمان که توسط انتشارات و نتیج بوک به بازار عرضه شد، در سرزمینی رخ می‌دهد که برده‌های سیاه پوست با چهره‌هایی آفتاب سوخته در مزارع نیشکر کار می‌کنند در حالی که کودکانشان دور از سختی و مشقت روزهای بردگی به بازی مشغولند. این رمان داستان بردگان نگون بختی است که در زیر فشار زورگویی اربابان خود از روی ناچاری دم بر نمی‌آورند و روزگار می‌گذرانند.

آئنده نویسنده‌ای ۶۷ ساله است که در شیلی متولد شده و سال‌های پرفراز و نشیب زندگی‌اش را در کشورهای گوناگون گذرانده است. وی در طول این سال‌ها با ملیت‌های مختلف آشنا شده و تاکنون توانسته حدود ۱۸ رمان به رشته تحریر درآورد که بیشتر آنها توسط مترجمان متفاوت به زبان فارسی برگردانده شده‌اند.

زریته نام شخصیت اصلی داستان آخرین رمان آئنده است که او را گاه «تته» صدا می‌زند. زریته پدر و مادرش را ندیده اما می‌داند که مادرش آفریقایی و پدرش دریانوردی سفید پوست بوده است. کودکی زریته در خانه اربابی می‌گذرد. او بدون مادر و پدری که از او در دوران کودکی محافظت کنند و راه و چاه را به او نشان دهند، در دنیای کارهای طاقت‌فرسا و شب‌های طولانی و روزهای داغ بزرگ می‌شود. زریته با توانایی‌های بالایی که دارد موفق می‌شود به عنوان یک برده تمام عیار محور اصلی خانه اربابی شود. خانه بزرگی که بدون دستورهای به موقع زریته حتی یک ساعت هم دوام نمی‌آورد. اما این روزها با

خرافات؛ سرچشمه تخیل آئنده

ایزابل آئنده نویسنده‌ای است که خود زندگی پرفراز و نشیبی را تجربه کرده و توانسته در همه این سال‌ها با قدرت بسیار با مشکلات زندگی‌اش کنار بیاید. یکی از ناراحت‌کننده‌ترین اتفاقات زندگی آئنده مرگ دختر ۲۸ ساله‌اش بود که او را مدت‌ها در غم و اندوه فرو برد. وی در سال ۱۹۹۶ با تاسیس «بنیاد ایزابل آئنده» سعی کرد به غم خود پایان دهد. در روز افتتاح این بنیاد، وی این‌گونه گفت: «این بنیاد فقط و فقط برای ادای احترام نسبت به دخترک ۲۸ ساله‌ام که با مرگ خود خراشی عمیق بر قلبم گذاشت تاسیس کردم. موسسه‌ای که من تاسیس کردم به تشویق زنان و دختران در حیطه ادامه تحصیل و تلاش برای سلامت بیشتر و تامین امنیت آنها می‌پردازد. ما معتقدیم اگر زنان قوی باشند، خانواده‌هایشان را از آسیب‌های اجتماعی محفوظ نگه می‌دارند و در دنیا تغییر بزرگی به وجود می‌آورند.»

او نویسنده‌ای است با اعتقادات خرافی عجیب و غریب. خودش می‌گوید: «اگر وقت از یک زمان خاصی بگذرد، دیگر نمی‌توانم بنویسم. احساس می‌کنم آن نوشته بی روح است.» تاریخی که آئنده از آن حرف می‌زند ۸ ژانویه هر ماه است. او که نخستین رمان خود را در این تاریخ شروع کرده، این روز برایش مفهومی متفاوت دارد. او هنوز هم در ۶۷ سالگی، نوشتن کتاب‌هایش را در همین روز از ماه آغاز می‌کند. وی درباره نخستین رمانش که بعدها «خانه اشباح» نام گرفت و بسیاری آئنده را با این عنوان می‌شناسند، می‌گوید: «خانه اشباح کتابی است که من در ۸ ژانویه آغاز کردم و همیشه برایم شانس آورده. این رمان مثل اثری‌ای من را اسیر خود کرد و بعد از آن توانستم به خوبی دنیای واقعی و فانتزی را از هم تمییز دهم.»

وقتی آئنده از خاطراتش می‌گوید

آئنده با نوشتن ۱۸ رمان توانسته به یکی از نویسندگان مشهور جهان تبدیل شود. او گاه می‌تواند به راحتی به سبک و سیاق جوانان امروزی فکر کند. یکی از سرگرمی‌های وی این‌گونه که خود می‌گوید، نوشتن خاطرات است که وی این عادت را از روزهای نوجوانی همراه خود نگه داشته.

آئنده سرانجام در رمان «حاصل زندگی ما» به بازگویی قسمتی از آن می‌پردازد. او در این رمان توانسته به سادگی با لحن مادرانه‌اش خوانندگان را جذب کند و بسیاری از منتقدان، این رمان را که در سال ۲۰۰۸ میلادی منتشر شده، یکی از بهترین آثار وی می‌دانند. داستان از زمانی آغاز می‌شود که نویسنده خاکستری را که از پیکر دخترش باقی مانده، به جنگل می‌سپارد و سعی می‌کند بدون حضور او به زندگی ادامه دهد.

این‌گونه که خود آئنده می‌گوید پیش از انتشار «حاصل زندگی ما» بسیاری وی را تشویق می‌کردند که سرگذشت پرفراز و نشیبش را در

قالب داستانی منتشر کند. در این اثر خواننده با هر گونه حادثه‌ای روبه‌رو می‌شود. از اعتقاد و درگیری‌های حزبی گرفته تا کشتار و سحر و جادوگری. از ورشکستگی و سیاست تا موفقیت‌های حرفه‌ای و شکست‌های ناگهانی. تولد و مرگ، عشق و نفرت نیمی از این داستان هم نمی‌شود.

پائولا، دختر ایزابل آئنده که بعد از دست و پنجه نرم کردن با یک بیماری سخت و طولانی در ۱۹۹۲ در ۲۸ سالگی درگذشت، دلیل محکمی بود که ایزابل آئنده به نوشتن بیوگرافی ادامه دهد. کتاب، سراسر نامه‌هایی است که ایزابل آئنده به دخترش نوشته تا در زمان نبودش از اتفاق‌هایی که درون خانواده رخ می‌دهد، بی‌خبر نماند. او در این نامه‌ها از ازدواج دوباره همسر پائولا می‌گوید و درگیری‌هایی که حوالی بچه‌دار شدن این زوج در جریان است و در جایی دیگر، از ازدواج نیکو (برادر پائولا) خبر می‌دهد و این که آنها نمی‌توانند بچه‌دار شوند.

وی در نوشتن این نامه‌ها به شدت پیگیر بوده و حتی یک سالی که دخترش در کما بود، این کار را تمام و کمال انجام داده است.

اینک پائولا برای این نویسنده از قالب دختر و ابعاد انسانی خارج و تبدیل به روح خیرخواهی شده که به مادرش الهام می‌بخشد.

خوانندگانی که با آثار ایزابل آئنده آشنا شدند؛ به حضور اشباح در این آثار عادت دارند. اما شاید همیشه جای خالی تله‌پاتی و بینش نسبت به دنیای دیگر به وضوح احساس می‌شد که در «حاصل زندگی ما» جبران شده است. او خود درباره اعتقادش به زندگی ماورایی می‌گوید: «من هم خودم یک لحظه‌اش را باور ندارم اما این دلیل نمی‌شود که درباره‌اش ننویسم. اینها مسائلی‌اند که در ادبیات صورت دیگری پیدا می‌کنند.»

آئنده با چاپ این رمان آغازگر بحث داغی در بین منتقدان بود. این که آیا آئنده واقعا می‌خواست اسرار و روابط خانوادگی‌اش را برملا کند یا این که تنها می‌خواست با به تصویر کشیدن داستان زندگی‌اش، طرفدارانش را با خود آشناتر سازد؟

«حاصل روزهای ما» هفته گذشته با ترجمه نرگس میلانی، توسط انتشارات باغ نو در ۴۵۶ صفحه چاپی منتشر شده است.



انقلاب و امام (ره) در میان صفحات کتاب

«کتاب شناسی انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)» عنوان کتابی به قلم دکتر موسی مهدوی و جمشید منصور قناعی است که از سوی موسسه خانه کتاب منتشر شده.

در نظام جمهوری اسلامی به رغم فشارهای اسکتبار جهانی بر ملت و حاکمیت این کشور به واسطه اندیشه های اسلامی، نویسندگان و اهل قلم به زبان های مختلف به این واقعه بزرگ عصر پرداخته و انقلاب و امام خمینی (ره) را از ابعاد گوناگون مورد بررسی، تحلیل و تفسیر قرار داده اند. از این جهت منابع بسیاری در قالب کتاب، پایان نامه، مقاله همایش، فیلم و نظیر آن منتشر شده است. اکنون در ۳۱ سالگی انقلاب اسلامی، دو تن از محققان با هدف ارزیابی منابع منتشر شده، به فعالیتی مقدماتی با عنوان «کتابشناسی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی» اقدام کرده اند. این کتاب شناسی نسبت به شناسایی و تهیه فهرست کتاب های منتشر شده با این موضوعات اقدام کرده است؛ امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، اندیشه های کلامی و اعتقادی انقلاب اسلامی و اندیشه های سیاسی انقلاب اسلامی، تاریخ انقلاب اسلامی.

«تفاوت ترجمه های قرآن از منظر ایدئولوژی» عنوان کتابی به قلم بهدخت نژاد حقیقی است که از سوی انتشارات سخن منتشر شده. این رساله دانشگاهی پس از بارها بازبینی و اصلاح، سرانجام در پنج فصل تالیف و تدوین شده است. معنای ترجمه، جواز ترجمه قرآن، ایدئولوژی و ترجمه، معرفی متون منتخب و سطوح برخورد ایدئولوژیک با متن، عنوان های

فصل های این اثر را تشکیل می دهند.

«فرهنگ مثنوی» به قلم دکتر سید عبدالرضا علوی از سوی نشر علم منتشر شده است. در تدوین این کتاب تمامی لغات مثنوی، اسامی خاص، اعلام، آیات و احادیث و ابیات عربی آمده است.

«سرچشمه تصوف در ایران» اثر سعید نفیسی از سوی نشر کتاب پارسه با حروفچینی تازه و طرح جلدی جدید به بازار آمد. نفیسی در سال ۴۳ یادآور شده بود که مطالب این کتاب شامل یادداشت هایی است که برای تدریس تاریخ تصوف در دوره دکترای ادبیات دانشگاه تهران فراهم آمده است و مولف تأکید می کند که: «من در این کتاب تنها به نکاتی پرداخته ام که دیگران پیش از من یا بدان ها توجه نکرده اند یا برخی تعصب ها مانع از بیان آنها شده است.»

«هنر ایران در روزگار اسلامی» کتابی به قلم دکتر زکی محمد حسن، با ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی است که از سوی انتشارات صدای معاصر منتشر شده است. این کتاب در ۱۳ فصل، ابتدا به جایگاه ایران در تاریخ هنر و سپس به سبک های ایرانی در هنر اسلامی می پردازد و در ادامه به معماری، نقاشی، جلدسازی، قالیبافی، سفال گری، پارچه بافی، فلز کاری، شیشه و چوب و... اشاره دارد.

«مالک ملک سخن» کتابی است شامل شرح قصاید خاقانی به قلم دکتر عباس ماهیار که از سوی انتشارات سخن منتشر شده. خاقانی در ابداع صور خیال دل انگیز، اگر بی نظیر نباشد، کم نظیر است. آگاهی های او از دانش های متداول دینی در آن روزگار، نظیر علوم

قرآنی و روایی و گفته های مفسران، سیره نویسان، مورخان و عالمان دین و اطلاع بایسته او از دانش هایی چون طب، نجوم، اسطوره های ملی ایرانی، باورهای عامه و... خاقانی را مالک ملک سخن ساخته است.

«دیوان و قشون در عصر صفوی» اثری از ویلم فلور با ترجمه کاظم فیروزمند از سوی نشر آگه چاپ و منتشر شده است. پژوهش حاضر نشان می دهد در ساختار قدرت در دولت صفوی پس از ۱۶۰۰ میلادی که قبایل قزلباش ناکزیر قدرت خود را با گروه جدیدی در پیکره نظام یعنی غلامان تقسیم کردند و خود اینان نیز بعدها به خواججه سرایان پیوستند، جابه جایی عمده ای صورت گرفت. این پراکندن قدرت موجب تشدید قدرت اجرایی سلطنت شد، اما در نهایت به سبب ناممکن شدن اداره کشور به دست سیاستمداران قدرتمند، دولت را فلج کرد. نبود یک اصل راهنما یا ایدئولوژی، این جریان را شدت بخشید و سرانجام زوال سلسله صفوی را سبب شد.

«دایرةالمعارف جوان» کتابی دو جلدی تالیف محمود علمی است که انتشارات بدرقه جاویدان آن را چاپ و منتشر کرده است. فرهنگنامه جوانان، اطلاعات جامع و کاملی در حوزه های مختلف مانند جهان آفرینش، تاریخ، جغرافیا، ادبیات (ایران و جهان) اساطیر ایران و جهان، فلسفه و منطق، ادیان مهم، علوم، هنر، موسیقی و ورزش را دربرمی گیرد. این دایرةالمعارف اطلاعاتی را که نسل جوان لازم دارد، به زبان ساده و شیرین در اختیارش قرار می دهد. «دستور مختصر امروز بر پایه زبان شناسی جدید»

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات نگارستان کتاب با پانزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ اسماعیل اقرووی با پانزده عنوان پرکارترین مؤلف؛ و رضا خوش کیش با دو عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۳۵۰۰ ریال	حزن عظیم؛ زیارت مفجعه زیارت حضرت زینب کبری (س) به ضمیمه زیارت رقیه خاتون (س)؛...؛ محمدرضا جعفری نیا؛ ناشر: احقاف؛ چاپ ۴؛ ۳۲ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۳۰۰۰۰ ریال	L. Meri Statics؛ ناشر: ادنا؛ چاپ ۱؛ ۵۳۶ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۶ مرتبه	فارسی عمومی؛ برگزیده ی متون زبان فارسی و آیین نگارش؛ ناشر: چشمه؛ ۴۰۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۶۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	راهنمای پیشگیری و درمان بیماریهای قلبی عروقی؛ اکبر نیک پزوه؛ ناشر: موسسه پیشگیری و ارتقای سلامت ایرانیان معاصر؛ چاپ ۱؛ ۲۴ صفحه؛ ۴۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰ نسخه	مطالعه پارامترهای جنبش نیرومند زمین (۲۰۰۳ - ۲۰۰۵) با داده های شتابنگاری و لرزه نگاری و توسعه بانک اطلاعاتی؛ ناشر: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن؛ چاپ ۱؛ ۲۳۶ صفحه؛ ۳۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۲۴۸ صفحه	مرجع کامل داروهای ژنریک ایران با اقدامات پرستاری؛ مرجان رسولی؛ ناشر: اندیشه رفیع؛ چاپ ۲؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ ۱۲۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	کافکا در بستر [نمایشنامه]؛ تینا بیر؛ بهرنگ رجیبی؛ ناشر: نیلا؛ چاپ ۱؛ ۲۲۰۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	علوم تجربی ۱ راهنمایی؛ علیرضا خیرخواه؛ ناشر: لوح و قلم؛ چاپ ۱؛ ۱۲۸ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۹۹۰۰۰ ریال	فیزیک پیش دانشگاهی؛ سیروس ارجمندی؛ ناشر: راه علم؛ چاپ ۱؛ ۴۵۶ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۲۸ مرتبه	زبان و ادبیات فارسی پیش دانشگاهی، سوم و دوم دبیرستان؛ محمد جوکار؛ ناشر: بین المللی کاج؛ ۲۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰ نسخه	پاسخ نامه ی ۳۰ مجموعه سوال عمومی؛ پاسخ نامه ی تشریحی سوال های جلد اول؛ درویشعلی ابراهیمی؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ چاپ ۱؛ ۲۰۸ صفحه؛ ۴۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	برگزیده پرسش های چهارگزینه ای ادبیات فارسی پیش دانشگاهی ۴؛ هامون سبطی؛ ناشر: دریاقت؛ چاپ ۱؛ ۶۲ صفحه؛ ۲۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب های افست
	مؤلف *	مترجم	مرد	زن	
۲۷۰	۱۰۶	۵۸۳	۴۶	۱۴۱	۲۴

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۴/۱/۸۹ تا چهارشنبه ۱۸/۱/۸۹، ۷۳۲ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع علوم عملی و سپس علوم اجتماعی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، کودک و نوجوان، آموزشی و کمک درسی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۲۴	۲۲	۲	۱۵	۹	۲۳	۱	۱۷۵۰	۲۱۹
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۷	۱۹	۲۸	۲۳	۲۴	۴۷	۰	۲۴۰۰	۲۴۰
۳	دین	۳۸	۳۰	۸	۳۳	۵	۳۵	۳	۲۶۰۹	۲۱۲
۴	علوم اجتماعی	۹۴	۸۳	۱۱	۶۶	۲۸	۹۳	۱	۱۹۳۱	۲۸۸
۵	زبان	۲۳	۲۱	۲	۱۵	۸	۲۱	۲	۳۷۴۸	۳۶۶
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۷	۲۰	۷	۱۱	۱۶	۲۷	۰	۱۹۵۲	۳۴۸
۷	علوم عملی	۱۶۴	۱۰۱	۶۳	۹۸	۶۶	۱۶۲	۲	۲۷۸۲	۲۹۵
۸	هنر	۲۹	۲۲	۷	۲۱	۸	۲۷	۲	۲۱۲۴	۲۰۲
۹	ادبیات	۹۳	۸۲	۱۱	۵۶	۳۷	۸۹	۴	۱۶۵۰	۲۹۱
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۸	۲۵	۳	۱۶	۱۲	۲۷	۱	۳۰۹۶	۲۰۵
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۷۵	۷۵	۰	۲۰	۵۵	۷۵	۰	۳۶۰۲	۱۷۹
۱۲	کودک و نوجوان	۹۰	۶۸	۲۲	۲۸	۶۲	۹۰	۰	۳۵۹۳	۶۶
	جمع بندی	۷۳۲	۵۶۸	۱۶۴	۴۰۲	۳۳۰	۷۱۶	۱۶	۲۵۲۰	۲۴۲

* «تالیف»: به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۹۰۰۰۰ ریال	قصه هایی برای پسران؛ درک هال؛ شیما فتاحی؛ ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه؛ چاپ ۲؛ ۱۶۲ صفحه؛ ۵۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۹ مرتبه	حسنی به مکتب نمی رفت و ۱۹ مثل و مثل دیگر؛ محمدرضا یوسفی؛ ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه؛ ۸۸ صفحه؛ ۶۶۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	تنها نرو خیابون، خطر داره بچه جون؛ مریم مرشدی؛ ناشر: فرهنگ امروز؛ چاپ ۲؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	قصه های شبانه؛ آن مکی؛ کامیار جولایی؛ ناشر: جولیا؛ چاپ ۳؛ ۹۶ صفحه؛ ۱۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۷۶ صفحه	یک دارن شان؛ فرزانه کریمی؛ ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه؛ چاپ ۵؛ ۲۲۰۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰۰ ریال



گام به گام با آماده سازی نمایشگاه بیست و سوم

مصلا، چشم انتظار عاشقان کتاب است

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در روزهای پایانی فروردین ماه، به مرحله تازه تری از آماده سازی و پیشرفت رسیده است.

در این دوره با توجه به این که رواق های مصلا امام خمینی (ره) در اختیار برگزار کنندگان نمایشگاه کتاب تهران قرار نداشت، اما بهره گیری از توانمندی های تکنیکی در امور اجرایی نمایشگاهی و همچنین تلاش گسترده دست اندرکاران، شرایطی را فراهم آورد تا زمینه بهتری برای پرطرفدارترین نمایشگاه در سراسر کشور به وجود آید.

سالن های کودک و نوجوان، آموزشی و دانشگاهی در این دوره در بخش شمالی نمایشگاه و در حفاصل ایستگاه متروی رسالت تا شبستان قرار گرفته اند و این امکان خوب برای علاقه مندان فراهم است تا در بازدید از سالن ها و حرکت در این مسیر، فراغت بیشتری داشته باشند. همچنین سازه های مدرنی که برای استقرار سالن ها در نظر گرفته شده اند، از استانداردهای لازم جهانی برخوردارند و برای نخستین بار در کشور استفاده می شوند.

از دیگر نکات قابل توجه این دوره، برنامه ریزی و آمادگی نهادهای مختلف شهری و اجرایی است که زمینه لازم را برای ارائه خدمات بیشتر و تسهیلات رفاهی برای شهروندان و علاقه مندان کتاب فراهم آورده اند. در این گزارش به بررسی این امکانات پرداخته شده است.

خدا حافظی با ترافیک تلفنی

ایجاد یک سوئیچ دائمی برای نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از سوی مخابرات استان تهران، که مشکل ترافیکی خطوط تلفنی را برطرف می سازد، یکی از امتیازهای نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نسبت به نمونه های مشابه در سراسر جهان است.

ایجاد سه هزار خط دیتا و ۵۰۰ خط ارتباط تلفنی در این دوره، نشان از رویکرد تکاملی مسوولان فرهنگی برای برگزاری مطلوب تر نمایشگاه کتاب تهران است.

همچنین، استفاده از اینترنت برای انتقال سریع اخبار و دسترسی به اطلاعات، از دیگر امکاناتی به حساب می آید که در این دوره از برگزاری نمایشگاه، درباره آن به خوبی اندیشیده شده است.

حسین صفری، مدیر کمیته اجرایی نمایشگاه کتاب تهران، از افزایش سطح آنتن دهی و تماس پذیری خطوط تلفن همراه و ثابت خبر داد.

وی تصریح کرد: «پیش بینی می شود با افزایش سطح تماس ها، امکانات سخت افزاری بیشتری نیز برای این امر آماده شوند. کارشناسان ارتباطات سیار، در بازدیدهایی که از محل های مختلف نمایشگاه داشته اند، بررسی های لازم را انجام داده و آمادگی لازم را برای پوشش وسیع سطح آنتن دهی اعلام کرده اند.»

رشد ۳۰ درصدی پهنای باند اینترنت

یکی از مسوولان بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، از افزایش سه برابری سرعت و پهنای باند اینترنت در این دوره خبر داد و گفت: «برای بهبود سرعت و پهنای باند اینترنت، تعهد سرویس نیز در نظر گرفته شده است.»

در این دوره بیش از ۵۰۰ خط ثابت (voice) در نظر گرفته شده و تمامی دستگاه ها و امکانات نسبت به دوره های پیشین دو برابر شده اند.

برای همه سازه های نمایشگاه که دربرگیرنده سالن های کودک و نوجوان، آموزشی و دانشگاهی اند، سایت اختصاصی پیش بینی شده تا مشکلی از نظر خطوط مخابراتی پیش نیاید.

آتش نشانیان در آمادگی کامل

حسن احمدیان، کارشناس بحران سازمان آتش نشانی تهران، درباره وضعیت برنامه ریزی های انجام شده برای مهار هرگونه حادثه در زمان برگزاری نمایشگاه بیست و سوم در مصلا بزرگ امام خمینی (ره) گفت: «پراکندگی سالن های مختلف در بیست و سومین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به سود ما خواهد بود چرا که می توانیم از وسعت محیط باز برای امداد رسانی به موقع بهره ببریم.

وی ادامه داد: «هرچه میزان ارسال و استقرار کتاب ها به نمایشگاه افزایش یابد، تعداد نیروهای آتش نشانی تهران نیز بیشتر خواهد شد.»

احمدیان با اشاره به استقرار نیروهای آتش نشانی قبل از ساخت و ساز، نقاشی و نجاری غرفه ها، تصریح کرد: «مانورهای لازم با همکاری اورژانس تهران پیش بینی شده که قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، برگزار خواهند شد.»

وی افزود: «پراکندگی سالن ها در این دوره به سود نیروهایی امداد رسانی و اطفای حریق است، به همین دلیل در فضای باز برای استقرار آب و خودروهای آتش نشانی برنامه ریزی کامل داریم.»

هلال احمر و واکنش سریع در زمینه پشتیبانی

دکتر حمیدرضا جنیدی، معاون امداد و نجات سازمان هلال احمر شهر تهران، شکل جدید فضای نمایشگاه کتاب تهران را ایمیتر از گذشته دانست و افزود: «خوشبختانه در این دوره به دلیل این که موارد ایمنی از سوی ستاد اجرایی رعایت شده و مبادی خروجی وسعت بیشتری دارند، نمایشگاه در معرض خطرات کمتری قرار دارد.»

جنیدی گفت: «با توجه به تغییر موقعیت مکانی فضای نمایشگاه و پراکندگی آن در مصلا، جانمایی کامل برای راه های ورودی و خروجی، مکان فرود هلی کوپتر و چادرهای اضطراری اندیشیده شده تا در صورت بروز خطرات، امداد رسانی کامل را انجام دهیم.» جنیدی گفت: «در پایگاهی مجاور نمایشگاه، واحد های واکنش سریع سی و سه نفره سازمان هلال احمر آمادگی دارند تا در صورت وقوع هر اتفاقی، پشتیبانی لازم را از نیروهای اورژانس و آتش نشانی انجام دهند.» معاون امداد و نجات شهر تهران تصریح کرد: «در رواق ها اندکی برای خروجی ها مشکل داشتیم که با پراکندگی سالن ها، خوشبختانه شرایط امداد رسانی تسهیل شده است.»

راه اندازی ۳۰۰۰ خط

برای فعالیت دستگاه های کارتخوان

حمیدقبادی، معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز از استقرار تیم عملیاتی و اجرایی بانک صادرات در مصلا امام خمینی (ره) خبر داد و تصریح کرد: «با راه اندازی ۳۰۰۰ خط (data) که دستگاه کارتخوان را پوشش می دهند، این خطوط در اختیار بانک صادرات قرار گرفتند.»

قبادی گفت: «با توجه به آمادگی محل استقرار فعالیت های بانکی در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، گروه عملیاتی و اجرایی بانک صادرات در این محل مستقر شدند.» وی ادامه داد: «فروش کارت جدید خرید کتاب های خارجی و دریافت و پرداخت تمامی عملیات های بانکی بخش داخلی و خارجی از جمله فعالیت های بانک صادرات در این دوره اند.»

به گفته قبادی، ۱۲ شعبه بانکی در سراسر نمایشگاه برای ارائه خدمات به علاقه مندان کتاب پیش بینی شده است. بانک صادرات در این دوره با بیش از ۲۳۰ نفر نیروی اجرایی، آماده ارائه تمامی خدمات بانکی به علاقه مندان کتاب است.



گذشته در شرایط مطلوب خواهد بود.

موسوی گفت: «در محل هایی که سالن های بخش های مختلف قرار گرفته اند، امکانات رفاهی از جمله نمازخانه، امانات، سرویس های بهداشتی و ... وجود خواهند داشت.»

وی ادامه داد: «سرویس های بهداشتی در شمال مصلا نیز به شکل کامل راه اندازی شده و این سرویس ها، علاوه بر سرویس های سالن شبستانند.»

به گفته موسوی، تعداد ایستگاه های پست در این دوره افزایش یافته تا ارائه خدمت در این حوزه نیز به شکل مطلوب انجام شود. وی با اشاره به کیفیت مطلوب سطح خدمات رفاهی در این دوره، تصریح کرد: «واحد های ارائه دهنده بخش مواد غذایی نیز به شکل نمایشگاهی و با نظارت کامل فعالیت خواهند کرد و از این لحاظ نیز مشکلی وجود ندارد.»

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری در مصلا امام خمینی (ره) تهران برگزار خواهد شد.

معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران افزود: «بیش از ۲۰ دستگاه خودپرداز (ATM) نیز در سراسر نمایشگاه نصب خواهند شد.»

ترخیص و ارسال کتاب ها، بدون هیچ مشکل

ترخیص کتاب های زیادی که از خارج از کشور وارد نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می شوند و در پایان نیز باید از آن خارج شوند، از دیگر موضوعاتی است که به برنامه ریزی و اقدامات دقیق مسوولان نیاز دارد. سیدحسن مطلبی، مدیر امور گمرک بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، در این باره گفت: «پیش بینی می کنیم تا اوایل اردیبهشت، اکثر محموله های کتاب های عربی و لاتین به تهران برسند.»

وی همچنین افزود: «با توجه به هماهنگی هایی که با مسوولان گمرک داشته ایم، امور مربوط به ترخیص و ارسال کتاب ها، بدون هیچ مشکلی انجام خواهند شد.» وی ادامه داد: «برخی از محموله های کتاب های لاتین ارسال شده به نمایشگاه به تهران رسیده اند که از کشورهایی نظیر انگلستان، آلمان، فرانسه، روسیه، یونان، چین، هند، آسیای میانه و ... ارسال شده اند.»

به گفته مطلبی، این محموله ها تحویل ناشران شده اند تا در بخش ریالی به علاقه مندان کتاب عرضه شوند.

ارائه تسهیلات رفاهی گسترده

سیداحمد موسوی، مدیر کمیته رفاهی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، گفت: «متناسب با تغییراتی که در فضای سالن های نمایشگاه کتاب تهران به وجود آمده، سیستم رفاهی نیز بیش از





روایت اول شخص

واژه نامه فارسی باستان

■ بدر الزمان قریب، پژوهشگر



این روزها همراه سه پژوهشگر که از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستند، مشغول تدوین کتاب «واژه نامه زبان فارسی باستان» هستیم. این کتاب بر اساس بررسی کتیبه های هخامنشی و دیگر کتیبه های ایران باستان تدوین و تالیف می شود.

در این کتاب سعی داشته ایم اطلاعات کاملاً به روز باشند و در هر مدخل اطلاعات جامعی به خواننده ارائه شود. به احتمال زیاد این کتاب تا پایان امسال توسط انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر و راهی بازار نشر می شود.

علاوه بر این کتاب، نگارش چند مقاله را برای فصلنامه ها و جشن نامه های فرهنگستان در دست دارم. آخرین مقاله ام که نقد و بررسی کتابی به زبان آلمانی درباره کتیبه های فارسی باستان است در «نامه شماره ۳۹» فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد.

آخرین کتاب هایم نیز دو مجموعه مقاله بودند که به کوشش محمد شکر فومشی توسط انتشارات طهوری، دو سال پیش راهی بازار نشر شدند. یکی از این کتاب ها «مطالعات سغدی» نام داشت. در این مقاله ها زبان سغدی را از نظر جغرافیایی فرهنگ و دستوری بررسی کرده ام و به متون بودایی، مانوی و مسیحی در این زمینه پرداخته ام. مقاله هایی که در ارتباط با متون مسیحی بودند برای نخستین بار در این کتاب منتشر شد، اما سایر مقاله ها پس از بازبینی دوباره منتشر شدند. این کتاب همراه «فرهنگ سعدی» یک منبع کامل و مناسب برای دانشجویان و پژوهشگران است.

کتاب دیگر پژوهش های ایرانی باستان و میانه نام داشت که مجموعه مقاله های کتیبه های باستانی و متون مانوی را شامل می شود. در این کتاب چند مقاله به زبان انگلیسی نیز آمده است.

قصه هایی از فارس

■ حسین آزاده، نویسنده

سال گذشته دو کتاب از من منتشر شد. یکی از این کتاب ها که در بهار سال ۱۳۸۸ توسط نشر تعقل راهی بازار نشر شد «خواستگاری های عاشقانه» نام داشت که برداشتی آزاد از عاشقانه های شاهنامه بود و نگاهی به پیشینه خواستگاری دختران از پسران در ایران باستان و صدر اسلام دارد.

در این کتاب تعدادی خواستگاری به عنوان مثال و با استناد به شاهنامه و احادیثی از صدر اسلام در ارتباط با این موضوع و تفسیر آنها آورده شده است. کتاب دیگر اواخر سال گذشته توسط انتشارات بنیاد فارس شناسی با عنوان «ضرب المثل های شمال فارس» منتشر شد که اغلب این ضرب المثل ها روستایی و عشایری اند ولی در شهرها نیز کاربرد دارند. کار اصلی ای که در این کتاب انجام داده ام ریشه یابی ضرب المثل ها و یافتن خاستگاه این ضرب المثل هاست.

این روزها جلد دوم کتاب «قصه های فارس» را نیز توسط انتشارات بنیاد فارس شناسی در دست چاپ دارم. جلد نخست این کتاب در سال ۱۳۸۰ توسط نشر مرکز با مقدمه، بازنویسی و ویرایش عباس

مخبر و دربرگیرنده ۲۵ قصه منتشر شد.

این قصه ها اغلب، قصه هایی اند که در منطقه فارس و توسط افراد کهنسال روایت می شوند که کار گردآوری آنها برعهده من بوده و قصه های بیشتری برای جلد دوم در نظر گرفته شده اند.

از سوی دیگر، کتابی در زمینه فرهنگ مردم با عنوان احتمالی «باورهای عامیانه» را آماده انتشار دارم. این کتاب گردآوری و بررسی باورها و آداب و رسومی است که در مناطق روستایی و عشایری استان فارس وجود دارد.

همچنین پژوهشی بر شاهنامه در قالب ۶ مقاله را آماده انتشار دارم. این مقاله ها شامل عناوین «خواستگاری عاشقانه»، «شاهان انتخابی»، «جوانمردان در شاهنامه»، «طنز در شاهنامه»، «آز در شاهنامه» و «گزند جهان» می شوند.

هنوز عنوان و ناشر این کتاب نهایی نشده است اما به احتمال زیاد عنوان یکی از مقاله ها را برای عنوان کتاب در نظر می گیریم.

در زمینه شعر نیز فعال هستم و چند سال پیش در کتابی با عنوان «باغی از پروانه» که دربرگیرنده سروده های اعضای انجمن ادبی حافظیه بود، برخی از سروده هایم را منتشر کردم. اما در حال حاضر قصد انتشار مجموعه شعر مستقلی ندارم، چرا که معتقدم شعر بسیار حساس است و تا زمانی که کاملاً پخته نشود نباید اقدام به چاپ آنها کرد.

تامل برای چاپ شعر

■ عبدالحسین انصاری، شاعر



اواخر سال ۱۳۸۸ مجموعه شعر «هزاره اول قبل از پرواز» را توسط انتشارات هزاره ققنوس و با حمایت بنیاد حفظ و نشر آثار منتشر و راهی بازار نشر کردم. در این مجموعه

سروده هایی مربوط به دفاع مقدس که در قالب های سپید و غزل سروده شده اند گردآوری شده است. در حال حاضر نیز دو مجموعه شعر دیگر را در دست انتشار دارم که امیدوارم تا نمایشگاه بین المللی کتاب تهران منتشر و ارائه شوند.

«تنها نشانی ات بوسه ای است» عنوان یکی از این مجموعه هاست که شامل ۴۰ قطعه شعر در قالب غزل، رباعی و سپید می شود. مضامین سروده های این مجموعه که توسط انتشارات شاملو در دست انتشار است، همگی عاطفی و اجتماعی اند.

مجموعه دیگرم «زمین کودکی غمگین» نام دارد که یک مجموعه غزل است. حدود ۶۰ قطعه شعر با موضوع های اجتماعی و عاطفی را برای این مجموعه در نظر گرفته ام و آن را برای چاپ به انتشارات هزاره ققنوس سپرده ام.

نخستین مجموعه شعرم را سال ۱۳۸۵ منتشر کردم. اما پس از آن به این نتیجه رسیدم که تأمل و توجه بیشتری برای چاپ مجموعه شعر لازم است. بر همین اساس مجموعه دوم با فاصله زمانی حدود سه سال راهی بازار نشر شد.

شاعران جوان نیز باید در نظر داشته باشند که اگر انتشار مجموعه شعر ها عجلولانه و پشت سرهم باشد، این کار اثر منفی در روند کار شاعر خواهد گذاشت. اما اگر شاعر تا زمانی که در زبان، ساختار و اندیشه به تکامل نرسیده است مجموعه ای را منتشر نکند، چاپ کتاب برای او و پیشرفت روند شعری اش بسیار مثبت خواهد بود.

شاهنامه برای نوجوانان

■ بنفشه منصوری، نویسنده کودک و نوجوان

سال گذشته جلد نخست کتاب «داستان هایی از شاهنامه» را توسط انتشارات مهرداد راهی بازار نشر کردم. این مجموعه در حجمی حدود ۱۶۰ صفحه، شامل بازنویسی پنج داستان «ضحاک ماردوش»، «تولد زال»، «زال و رودابه»، «تولد رستم» و «هفت خوان

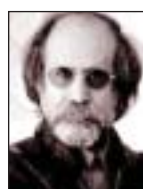
رستم» برای گروه سنی «ح» و «د» است.

این روزها نیز در حال بازنویسی پنج داستان دیگر همچون داستان های «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» هستم. این داستان ها که تا «مرگ رستم» ادامه می یابند در جلد دوم این مجموعه منتشر خواهند شد.

در بازنویسی داستان های شاهنامه، روان نویسی مهم ترین نکته ای بود که در نظر گرفتم؛ چرا که نوجوان باید با فضا و کلمات آشنا باشد تا بتواند ارتباط مناسبی با اثر برقرار کند. از سوی دیگر نکات تربیتی که در این داستان ها وجود داشت همواره مدنظر من بود. همچنین بسیاری از رسم ها و آیین های ایران باستان در این بازنویسی برای نوجوانان نمایان شده است. حتی کودکان و نوجوانانی که به کتاب گرایش زیادی ندارند، عموماً از داستان های قدیمی چون «شاهنامه» و «کلیله و دمنه» استقبال می کنند. البته باید توجه داشت که در بازنویسی این داستان ها زبان و فضا به زبان و فضای امروزی تبدیل شود تا خواننده امروزی بتواند این فضاها را به خوبی تصور کند.

زیبایی از منظر اجتماعی

■ فرشید ابراهیمیان، پژوهشگر، منتقد و مترجم



پیش از نوروز کتاب «نقد تاثیر از نظر تا عمل» توسط انتشارات نمایش راهی بازار نشر شد. در این کتاب ۴۰۰ صفحه ای به مباحث نظری نقد در انواع ساختار گرا، نشانه شناسی،

مضمونی، روان شناسی، اسطوره ای و تفضیلی پرداخته ام.

این روزها کتاب «نقد کمدی های اولیه شکسپیر» توسط انتشارات سوره مهر در دست چاپ است که در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ارائه می شود.

ویلیام شکسپیر دو نوع کمدی دارد؛ کمدی های اولیه و ثانویه که کمدی های اولیه در آغاز ژانر نویسی او تعریف شده اند. از جمله آثاری که کمدی های اولیه او را شامل می شوند می توان «تاجر ونیزی»، «اشتباهات»، «تلاش بی ثمر عشق»، «دو نجیب زاده ورنه» و «تلاش زن سرکش» را نام برد.

نکنه قابل تأمل آن که نقد آثار کمدی شکسپیر در ایران سابقه ندارد. این کتاب را که اثری از دریک تراورسی است به اتفاق همسر م، لیلی عمرانی ترجمه کرده ام. می دانیم که کمدی های شکسپیر رویکردی اخلاقی دارند بر همین اساس نقد این آثار نیز با نگاه اخلاقی به مسائل و موضوعات صورت گرفته است. اما این روزها ترجمه کتاب دیگری را با عنوان «زیبایی شناسی» توسط همین انتشارات در دست چاپ دارم. البته این کتاب به نمایشگاه کتاب امسال نمی رسد ولی تا مهر ماه منتشر خواهد شد.

«زیبایی شناسی» براساس مقاله هایی از اصحاب مکتب فرانکفورت نوشته شده است و در آن مبحث زیبایی شناسی با توجه به سابقه سیاسی آن افراد بررسی می شود.

به بیان دیگر زمینه های تفکر زیبایی شناس، انگیزه افراد مختلف در زمینه هنر و ارتباط موازین سیاسی با پیدایی آثار زیبایی شناسانه از جمله مواردی اند که در کتاب بررسی شده اند. این کتاب به صورت مجموعه مقالات و در پنج فصل تدوین شده است.

از سویی دیگر کتابی با عنوان «تحول اجتماعی زیبایی» را در دست تالیف دارم و در دانشگاه نیز همین واحد درسی را تدریس می کنم. دلیل انتشار این کتاب هم این بود که همیشه دانشجویانم از من می خواستند تا جزوه های این واحد درسی را در قالب کتابی منتشر و در اختیار آنها قرار دهم.

در این کتاب مبانی اجتماعی زیبایی و تغییر مفهوم زیبایی با توجه به تغییر شرایط اجتماعی در ادوار تاریخی مختلف تحلیل و بررسی شده است و در واقع اصرار دانشجویانم سبب شده تا چنین کتابی را تدوین کنم البته در حال حاضر کار تالیف کتاب از نیمه گذشته است.

یادداشت

ضیاء مؤحد
شاعر و پژوهشگر



اول اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی

سعدی؛ مبدع شعر منثور



پس از فردوسی، سعدی دومین رکن اساسی زبان و ادبیات فارسی است و همین مقام کافی است تا سعدی را به عنوان یکی از بزرگ ترین خدمتگزاران زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی بدانیم.

افزون بر این، سعدی یکی از بنیانگذاران قالب «غزل» است. زبان غزل او ویژگی هایی دارد که بعدها به عنوان زبان غزل رواج می یابد و پس از او، حافظ آن را به گونه ای دیگر به اوج می رساند. دیگر آن که نثر سعدی، نثری بدیع است. در گلستان می بینیم این شاعر پر آوازه نوعی از نثر را به کار گرفته است که می تواند پایه ای برای شعر منثور باشد. آن گونه ای از شعر که وزن عروضی ندارد اما آهنگ و وزن را که جزو ذات شعرند داراست. اگر به دقت بنگریم، چنین ادیبی در تاریخ ادبیات فارسی ایران زمین که هم در نثر و هم در نظم بلند پایه باشد، بی نظیر و یگانه است. از دیگر سو، اغلب قصیده سرایان، غزل سرایان ماهری نیستند و غزل سرایان نیز قصیده سرایان نامی نبوده اند. اما سعدی در غزل سبک خود را دارد، در مثنوی متبحر است و در قصایدش بی همتاست.

سعدی شاعری اجتماعی است. او در آثارش یا ناصح است یا عاشق. عشقش را در غزل هایش نمایان کرده و پندش را در دیگر آثارش. آنجا که پند و اندرز می دهد در حقیقت آینه ای است در برابر اجتماع. تمام خوبی ها و بدی ها، زشتی ها و زیبایی ها و هر آنچه در جامعه رخ می دهد، در آثار سعدی با قلمی شیوا بازتاب می یابد.

به طور کلی سعدی میانه رو، اهل تساهل و مخالف خشونت است. به شدت میانه رو و موافق حسن سلوک با مذاهب گوناگون است. بر این اساس یک انسان رنسانسی به حساب می آید و شاعران و نویسندگان دوران رنسانس در فرانسه از او بسیار تجلیل کرده اند.

ممالک غربی بیشتر سعدی را از رهگذر «بوستان» و «گلستان» او و اصراری که بر تعلیم و تربیت دارد می شناسند. به ویژه همان مساله ای که ما در زمان حاضر حقوق بشر می خوانیم. سعدی صاحب بیتی برجسته است که می گوید: «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند» و این بیت مهم ترین شعار در زمینه حقوق بشر به شمار می آید. از این منظر سعدی نزد غربیان عزت و احترامی ویژه دارد.

در تاریخ ما، شاعران برخلاف بسیاری از هنرمندان دیگر شاخه های هنری همواره ارزش و اعتبار فراوانی داشته اند. سعدی نیز به عنوان شاعری بلند پایه نزد پادشاهان زمان خودش اقتداری داشته است و آنها از ذکر نامشان توسط سعدی در سروده هایش بسیار خرسند بوده اند تا اسم و رسمشان بدین شیوه جاودان شود. البته می گویند از بلایی که فردوسی با انتقاد هایش بر سر سلطان محمود نازل و او را بدنام کرده است، واهمه داشته اند و همواره احترام ویژه ای برای سعدی قائل بوده اند تا در معرض شمشر تیز انتقاد سعدی قرار نگیرند.

در پایان، شایسته است به یاد داشته باشیم که اگر در ارتباط با سعدی و سبک شناسی، زبان شناسی، موسیقی زبان، ویژگی های نحوی، فن داستان پردازی و قصه گویی او پژوهش هایی منطبق با معیارهای معاصر را انجام دهیم و آثار او را بانگاهی امروزی بررسی کنیم، به دستاوردهای نوینی دست خواهیم یافت که هیچ یک تکرار پژوهش های گذشته در این حوزه نیستند.